



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی

رشد آموزش



فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی | برای معلمان، مدرسان و دانشجویان
دوره چهاردهم | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۶ | ۸۰ صفحه | ۱۸۵۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۹
w w w . r o s h d m a g . i r

میزگرد آموزش
گرافیک و چالش‌ها
نگاره‌های گیاهی در
تخت جمشید
آموزش هنر در خطه
آذربایجان شرقی
موزه‌ای که باید بارها
آن را دید!
بررسی کشیده‌های
مشابه در سطر
قراردادهای ویژه رنگ
در نمایش آیینی تعزیه

مدیر مسئول: محمد ناصری
سرمدیر: کاوه تیموری
مدیر داخلی: اکرم یغماییان
هیئت تحریریه:
مرضیه پناهیان پور
علاءالدین کیلاشکی
مهدی الماسی
مجتبی بابائیان
حمید قاسم‌زادگان
محمود حاجی‌آقایی
مهسا قباپی
ویراستار: افسانه طباطبایی
طراح گرافیک: مجید کاظمی
طراح نشانه فصلنامه: کوروش پارسانزاد
طراح یونیفورم جلد: علیرضا پورحقیقه
عکاس: ابراهیم سیسیان
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۶۵۸۵/۱۵۸۷۵
تلفن ۹ ۸۸۸۳۱۱۶۱ ۰۲۱ (داخلی ۴۱۱)
نمبر: ۸۸۴۹۰۱۰۹
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۹
roshdmag: 
پیام‌نگار: honar@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد مشترکین: ۱۱۴
تلفن بازرگانی:
۰۲۱- ۸۸۸۶۷۳۰۸
شمارگان: ۴۳۰۰ نسخه

یادداشت سردیر	۲
میزگرد	۴
مقاله	۱۱
هنرهای نمایشی	۲۰
مقاله	۲۶
گفت‌وگو	۳۴
مقاله	۴۰
عکاسی	۵۴
معرفی هنرمند	۵۸
موزه‌های هنری	۶۰
هنرهای نمایشی	۶۴
گفت‌وگو	۷۰
معرفی کتاب	۷۵
معرفی کتاب	۷۶
مقاله	۷۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مجله رشد آموزش هنر، آثار هنرمندان، استادان و صاحب‌نظران، به‌ویژه معلمان و مدرسان هنر و نیز، هنرجویان و دانشجویان رشته‌های هنری را که در نشریات عمومی منتشر نشده باشد، برای چاپ می‌پذیرد. ● مطالب ارسالی باید با اهداف کلان آموزش هنر در نظام آموزشی کشور هم‌خوان باشد و به حل مشکلات ریز و درشت آموزش هنر در مدارس و مراکز رسمی آموزش کمک کند. ● مطالب باید با خطی خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود و حاشیه صفحه و فاصله سطرها برای اعمال ویرایش مناسب باشد. ● حجم مقالات از ۱۵ صفحه دست‌نویس و ده صفحه حروف‌چینی شده بیشتر نباشد. ● اگر مطلبی، عکس یا تصویر و جدول و نمودار دارد، جای قرار گرفتن آن‌ها در حاشیه صفحات مشخص شود و تمام موارد به‌صورت لوح فشرده (با فرمت tif یا jpeg و dpi حداقل سیصد) همراه متن فرستاده شود. ● کپی صفحات اصلی متن ترجمه ضمیمه شود تا در صورت لزوم، بررسی صحت ترجمه و همخوانی آن با متن اصلی ممکن باشد. ● اهداف مقاله و چکیده آن همراه پنج کلیدواژه در صفحه‌ای مجزا ضمیمه شود. ● معرفی کوتاه پدیدآورنده، همراه نشانی و مخصوصاً شماره تلفن او در برگه‌ای جدا پیوست باشد. ● پی‌نوشت‌ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، مترجم، نام کتاب، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. ● مطالب چاپ‌شده، لزوماً بیانگر دیدگاه گردانندگان مجله نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی، با پدیدآورنده است. ● دفتر مجله از نگهداری یا بازگرداندن مطالب رد شده، جز در موارد خاص، معذور است. ● ترتیب چاپ مطالب به معنای درجه‌بندی و ارزش‌گذاری نیست، بلکه بر حسب ملاحظات فنی و رعایت تناسب و تنوع است.



روی جلد: اثر علیرضا بهدانی،
دوسالانه نگارگری ملی ایران،
۱۳۹۳

ایجاد کارگاه تخصصی هنر محمل مهم تربیت هنری!

که باید از گذرگاه پرورش خلاقیت هنری عبور کند. در این فرایند، انتخاب آزاد دانش آموز برای کار هنری رکن اصلی است. دبیر هنر این بستر را فراهم می کند. گفته می شود که کتاب های هنر هفتم، هشتم و نهم انواع هنرها را شامل می شوند و از تنوع درخور توجهی برخوردارند. معلمان مدبر دریافته اند که فراهم آوردن زمینه برای علاقه ورزی دانش آموزان به تمام این هنرها امکان پذیر نیست. لذا با گروه بندی در کلاس راه را برای انتخاب هنر مورد علاقه گشوده اند. خوشبختانه، افزایش ساعت درس هنر (از یک زنگ به دو زنگ) اتفاق مهمی بود که فرصت بیشتری را برای معلمان فرهنگ و هنر به ارمغان آورد. در استفاده از شیوه گروه بندی، موضوع کمبود وقت می تواند به مشکل ثانویه تبدیل شود. اما نکته مهم این است که کلاس هنر در حرکتی تأثیر گذار باید به کارگاه هنر تبدیل شود. واقعیت این است که شیوه آموزش گروهی فقط در محیط کارگاهی و یا به عبارتی «کارگاه تخصصی هنر» عملی است. اگر مدرسه برای دروس پایه مثل فیزیک و شیمی آزمایشگاه، و برای دروس مهارتی مثل حرفه و فن و کامپیوتر کارگاه و اتاق ویژه دارد، چرا درسی مانند

بهار آمد، بهار آمد خوش آمد
بهاری دلگشا و دلکش آمد
سال نو بر همکاران عزیز هنر مبارک باشد. در این نوشتار می خواهیم به بسط عنوان سرمقاله بپردازم.

می دانیم که از جمله کارکردهای فعالیت هنری این است که اندیشه و حواس را قوام می بخشد و با آزادی تفکر ظرفیت های بالقوه هوش را به خوبی آشکار می کند. بسط یافتن عواطف و احساسات و تأثیر گرفتن از رخدادها و حوادث محیط بهترین زمینه را برای تربیت هنری شکل می دهد و تمام این موارد در یک لحظه بسیار مهم به غنای استعداد و شکل گیری خلاقیت می انجامد. کلاس هنر میعادگاه تربیت هنری است. جایی که تجربه هنری به شادی درونی و موفقیت بیرونی ختم می شود. زمانی که معلم کار هنری دانش آموزش را تحسین می کند، دنیای شغف و پیروزی را به او هدیه می دهد. هر معلم هنر کلاس خود را بر مبنای فعال بودن بچه ها باید استوار کند. فعال بودن نشانه خشنودی دانش آموز از فرایند هنری کلاس است. باید به خاطر داشته باشیم که هر کار نوآورانه در هنر هدف اصلی است



هنر که حداقل در سه سال اول متوسطه با بیست نوع هنر تخصصی سروکار دارد، نباید «کارگاه» داشته باشد؟ در ابتدای سرمقاله کارکردهای فعالیت هنری را برشمردیم. بنا بر آنچه در آنجا گفته شد، از نظر تربیتی این درس استحقاق داشتن «کارگاه تخصصی هنر» را در مدرسه داراست. روی سخن این سرمقاله با مدیران علاقه‌مند مدارس است که در کنار دبیر هنر، مکانی را به کارگاه هنر اختصاص دهند. تجربه نشان داده است که هر جا کارگاه هنر با عشق و علاقه دبیر هنر و پشتیبانی مدیر شکل گرفته بیشترین نفع آن نصیب مدرسه شده است. کارگاه هنر یعنی شخصیت دادن به درس ارزشمند هنر و این حرکت مهم در راستای هدف والای تربیت هنری دانش‌آموزان است. پیش‌ازاین، نگارنده در یکی از سرمقاله‌ها به‌ضرورت ایجاد کارگاه هنر اشاره کرده اما تکرار این موضوع مهم برآمده از گفت‌وگوهایی است که همواره با دبیران هنر کشور داشته‌ام. به‌راستی ایجاد «کارگاه تخصصی هنر» خواسته دبیران هنر است و در سایه‌سار این حرکت مهم، بالیدن و شکوهمندی درس هنر و شکوفایی دانش‌آموز و دبیر هنر حتمی است. نگارنده زمانی که درس‌های عملی هنر را در محیط کارگاهی تدریس می‌کند شاهد تأثیر مثبت فضای کارگاهی در بین فراگیرندگان است و شاید به خاطر این مسئله است که گذر زمان احساس نمی‌شود. به‌این‌ترتیب، ایجاد کارگاه تخصصی هنر به‌عنوان پیشنهادی مهم در اینجا مطرح می‌شود، اما سخنی نیز با دبیران هنر مطرح است و آن اینکه بایسته‌های یک کارگاه خوب هنر چیست؟ شایسته است همکاران محترم هنر با طراحی مناسب آنچه از «کارگاه تخصصی هنر» در ذهن دارند، تصویری مطلوب از آن ارائه دهند. «طرح جامع ایجاد کارگاه هنر» می‌تواند از طریق گروه‌های آموزشی هنر در سراسر کشور به بحث گذاشته شود و سرانجام، شکل نهایی آن در دستور کار حوزه آموزش وزارتخانه قرار گیرد تا به تکوین و تکامل و تصویب لازم برسد. یکی از آرزوهای تمامی دبیران هنر این است که روزی روزگاری مدارس کشور ما در تمام سطوح کارگاه تخصصی هنر داشته باشند. بر این اساس، گوشه چشم و عنایت اهل دل و اهل نظر می‌تواند زمینه تحقق این آرزو را فراهم کند و دل دبیران هنر و دانش‌آموزان را شاد سازد.

سردبیر

اشاره

رشته گرافیک در دو دهه گذشته توسعه کمی و کیفی خیره‌کننده‌ای داشته است. هر ساله شمار درخور توجهی از دانش‌آموختگان هنرستان‌های آموزش و پرورش جذب این رشته در مراکز آموزش عالی می‌شوند. در کتاب‌های هنر پایه‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم نیز مباحث مرتبط با «ارتباط‌های تصویری» حضور چشمگیری دارد. در کلامی فشرده و موجز باید گفت گرافیک در تمام ابعاد زندگی، به‌خوبی خود را نمایان می‌سازد. با این حال، این رشته مهم هنری در فراز و فرود تاریخی خود همواره با چالش‌ها و کاستی‌هایی در فرایند آموزش روبه‌رو بوده است. شناخت این رشته در آیینۀ فرایند آموزش برای دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان و مدرّسان هنرستان‌ها و ایجاد بینش لازم برای دبیران هنر مهم و مؤثر است. در میزگردی که با حضور استادان گروه گرافیک دانشکده هنر و معماری دانشگاه انقلاب اسلامی برگزار شد، نکاتی اساسی درباره وضعیت گرافیک مطرح گردید. این نکات دربردارنده تمام موضوعات مرتبط با این رشته نیست اما دریچه‌ای برای بحث بیشتر به روی خوانندگان می‌گشاید. در عین حال، مهم‌ترین ویژگی حاضران در میزگرد، اشراف به وضعیت آموزش هنر گرافیک در هنرستان‌هاست. ضمن تشکر از استادان محترم و دکتر اصلانزاده، رئیس دانشکده معماری و هنر، با هم مطالب این میزگرد را می‌خوانیم.

میزگرد آموزش گرافیک و چالش‌ها

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر



هنر امروز در خدمت استادان گروه گرافیک دانشگاه

فنی و حرفه‌ای انقلاب اسلامی هستیم. بحث ما درباره آموزش گرافیک در ایران با توجه به تجارب ارزنده هر یک از حاضران است. لازم است در ابتدای بحث استاد سهیل صالح، مدیر گروه گرافیک دانشگاه انقلاب اسلامی، تاریخچه مختصری از شکل‌گیری رشته گرافیک در این دانشگاه توضیح دهند و سپس وارد مباحث بعدی شویم. عنوان اصلی بحث ما آموزش گرافیک در ایران است و بحث بعد ارتباط با هنرستان‌های آموزش و پرورش است که هنرآموزان را به دانشگاه تحویل می‌دهند. نکته بعدی چالش‌ها و آسیب‌هایی است که آموزش گرافیک را درگیر کرده است، و بالاخره پیشنهادهایی برای غنی کردن موضوع آموزش گرافیک داریم. طبیعی است در بین بحث‌ها هم سؤالاتی به وجود آید.

صالح: تا آنجا که حافظه من یاری می‌کند، این دانشگاه برخاسته از سازمان فنی و حرفه‌ای است و در اصل برای تربیت تکنیسین‌های فنی رشته‌های مختلف ایجاد شده

است. ۴-۵ سال پیش این دانشگاه آرام آرام زیر نظر وزارت علوم قرار گرفت ولی سرفصل‌های آن هنوز اصلاح نشده است. در ابتدا هم فقط رشته کاردانی داشتند. اما آرام آرام رشته‌های کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی پیوسته در دانشگاه‌های مختلف فنی ایجاد شد. در حال حاضر، دانشگاه فنی و حرفه‌ای در سطح کشور تعدادی شعبه دارد که دانشکده انقلاب اسلامی هم یکی از آن شعبه‌هاست.

گروه‌های گرافیک به‌طور خاص از چه زمانی دانشجو گرفتند و کلاس تشکیل داده‌اند؟

صالح: با ایجاد دانشکده هنر و معماری حدود دو دهه است که رشته گرافیک ایجاد شده است. صحبت‌هایی هم شده تا در مقطع ناپیوسته فقط رشته گرافیک نباشد و رشته‌های دیگر هم اضافه شود. رشته انیمیشن در دانشگاه شریعتی - یکی از شعب دانشگاه فنی و حرفه‌ای است - ایجاد شده است. رشته بسته‌بندی و گرافیک محیطی و چند رشته دیگر قرار است در مقطع کاردانی به کارشناسی اضافه شود.

یعنی گرافیک محیطی رشته‌ای در دل رشته گرافیک است؟



ما متعلق به همان بیست سال پیش است. با وجود پیشرفت فناوری و تغییرات اساسی در دنیای گرافیک، متأسفانه سرفصل‌های ما هنوز همان روال قبلی را دارد.

آیا ما برای این امر گروه‌های کاری هم داریم؟

صالح: بارها به ما فرم‌هایی داده‌اند و ما پر کرده‌ایم و گفته‌ایم که چه نیازهایی داریم و چه اصلاحاتی باید در سرفصل‌ها انجام بگیرد اما متأسفانه هنوز اقدامی عملی که به ما اعلام شود و بگویند این سرفصل‌ها جدید است، انجام نشده است. البته ما از استادان خواسته‌ایم دانشجویان را با علم روز آشنا کنند؛ چون با سیستم دستی آن زمان، جای کاری برای دانش‌آموخته این دوره وجود ندارد. بنابراین، لازم است با علم روز آشنا شوند. استادان خود تا جایی که ممکن است دانشجویان را به‌روز می‌کنند.

مهم‌ترین چالش‌های آموزش گرافیک، هم در این مجموعه و هم به‌صورت کلان در سطح کشور چیست؟

همتی: در تأیید فرمایش آقای صالح عرض کنم که رشته گرافیک در دوره کاردانی و کارشناسی بر اساس درس‌های دوره هنرستان تعریف شده است و بچه‌ها در واقع، هنرستان را در دوره کاردانی ادامه می‌دهند و همان درس‌ها و همان مطالبی که در هنرستان گذرانده‌اند در اینجا به‌نوعی دیگر تکرار و کامل می‌شود. این امر به‌خصوص در دوره کارشناسی وجود دارد. می‌خواهم به صحبت‌های آقای غنی‌زاده اشاره داشته باشم. فلسفه وجودی این آموزش‌دهنده‌ها این بود که برای کارخانه‌ها و بازار کار نیرو تربیت کنند. واقعاً این در عمل هم اتفاق افتاده و الآن همین‌گونه است. یکی از اتفاقات نادری که در نظام آموزشی آموزش‌دهنده‌های ما رخ می‌دهد این است که بچه‌هایی که اینجا درس می‌خوانند، از دو بعد تقویت می‌شوند؛ هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ مهارتی. این فقط در رشته گرافیک نیست بلکه در رشته‌های دیگری هم که در این مرکز وجود دارد، این اتفاق خوب و مبارک می‌افتد بعضی از سرفصل‌های ما که از گذشته‌اند. عنوان درس‌ها تکرار شده است و بخشی در دوره کارشناسی ارشد به نام دیگری تکرار می‌شود. مثلاً ما در اینجا

صالح: فرد کاردانی گرافیک می‌گیرد و بعد، کارشناسی بسته‌بندی یا انیمشین یا گرافیک محیطی و ... می‌خواند.

تاریخچه‌ای از رشته گرافیک بفرمایید و بگویید این رشته چقدر سابقه دارد؟

غنی‌زاده: گرافیک در دانشگاه فنی و حرفه‌ای در ابتدا وابسته به آموزش و پرورش بود. مکانی به نام دفتر امور مدارس عالی بود که از لحاظ بودجه زیر نظر آموزش و پرورش قرار داشت و کارشناسانش از آموزش عالی بودند. آن‌ها یک‌سری دانشکده‌هایی را راه‌اندازی کردند که بعد، نام آن‌ها پیامبر اعظم (ص) شد. سال ۱۳۷۶ اولین سال پذیرش دانشجو در رشته گرافیک بود.

پس اکنون دو دهه است که جذب دانشجوی گرافیک دارید؟

غنی‌زاده: بله. من جزء اولین گروه‌هایی بودم که به این دانشکده آمدند. از سال ۱۳۹۱ از وزارت آموزش و پرورش جدا شدیم و زیر نظر آموزش عالی قرار گرفتیم. از سال ۷۶ تا حدود ۸۵ یا ۸۶ ما با نام انستیتوی رسانه‌ها در اینجا بودیم. یکی از این بخش‌های انستیتو، بخش NDPU سازمان ملل بود. در اینجا تولید برنامه تلویزیونی و رادیویی و هم نودال و هم امپکس را داشتیم.

در بخش گرافیک با سابقه‌ای بیست‌ساله روبه‌رو هستیم. به‌طور طبیعی دانش‌آموختگان زیادی هم داریم. از همین جا وارد بحث دوم می‌شوم که دوستان دیگر هم مشارکت کنند. بحث درباره آموزش گرافیک است و روند آموزش گرافیک در دو دهه گذشته را بررسی می‌کنیم. آیا این روند ایستا یا تکاملی بوده است؟ وضعیت اقبالی که از لحاظ کمی به گرافیک می‌شود، قابل توجه است. این وضعیت را در گام نخست برای ما ترسیم کنید تا وارد بحث‌های دیگر شویم.

صالح: متأسفانه سرفصل‌های آموزشی



محمود همتی
مدرس گرافیک

طراح: حمیدرضا
کشاوری میاندشتی



از استادان
خواسته‌ایم
دانشجویان را
با علم روز آشنا
کنند؛ چون با
سیستم‌دستی
آن زمان، جای
کاری برای
دانش‌آموخته
این دوره وجود
ندارد



استادان برگزار شود تا به‌روز شدن مورد تأکید بیشتری قرار گیرد و در عین حال، آن‌ها بتوانند همین را انتقال دهند.

یکی از سرفصل‌های مهمی که اکنون در فضای آموزشی وجود دارد، علامت سؤال روی این عنوان است که «چه کسی آموزش‌دهندگان را آموزش می‌دهد». در واقع، مقصود شما این است که در هر جایگاهی که هستیم به این نیازهای آموزشی در محملی مناسب باید جواب داده شود. راهکار شما چیست؟

برنجی: همین کاری که الان انجمن طراحان گرافیک دارد انجام می‌دهد؛ مثلاً فراخوان مقالاتی را می‌دهند در حوزه‌های مختلف گرافیک و ارتباط آن‌ها با بازار کار و ... این را می‌توان در دانشگاه‌ها اجرایی کرد و خود استادان دنبال ترجمه مطالبی در این باره برونند یا مقالاتی درباره روند رشد روز گرافیک در دنیا تألیف کنند. مقالات را ترجمه می‌کنند و این‌ها به‌صورت ورکشاپ یا فراخوان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جمعیت هدف ما در مجله رشد هنر، دبیران هنر در دوره متوسطه اول شامل پایه‌های هفتم، هشتم و نهم و هنرآموزان در هنرستان‌هاست. بحث این است که با وجود ارتباطی که با دانش‌آموزان و دبیران داریم به نوعی فقر ارتباطات تصویری مشاهده می‌شود. ارتباط تصویری به مفهوم گرافیک و فنی قضیه خیلی فقیر است. برای غنی کردن گرافیک در مدرسه چه باید کرد؟

غنی‌زاده: خود وزارت آموزش و پرورش در

فناوری طراحی آرم را داریم که در دوره کارشناسی کارگاه ارتباط تصویری یک می‌شود و همان مباحث مطرح می‌گردد. در دوره ارشد، کارگاه ارتباط تصویری یک پیشرفته می‌شود. یکی از گرفتاری‌هایی که ما در رشته گرافیک داریم این است که درس‌ها عمدتاً با همان سرفصل‌ها تکرار می‌شوند. در سال‌های گذشته تغییراتی دادند اما تجربه من می‌گوید که در برخی رشته‌ها تا این اندازه امکان گسترش و بسط نداریم. گرافیک در شاخه‌های مختلف تعریف می‌شود. از آن شاخه‌ها نمی‌توان فراتر رفت؛ مگر اینکه موضوع یا درسی را با تکنیک‌های رایانه‌ای بیان کنید. اکنون همه چیز با این موضوع است.

به نکته اساسی برگردیم که یکی از نیازهای جدی روزآمد کردن سرفصل‌های درسی این رشته است. کار عملیاتی برای این اقدام مهم چیست؟

برنجی: به نظر من در مرحله اول خود استادان هستند. خوشبختانه در اینجا استادان تجربه کار و هم تجربه تدریس دارند ولی همان‌طور که گفته شد، گرافیک رشته‌ای همواره در حال تغییر است. گرافیکی را که الان وجود دارد با گرافیکی که بیست سال پیش وجود داشت نمی‌توان مقایسه کرد. خیلی پیشرفت کرده است. خوشبختانه در اینجا دانشجویان سطح بالایی حضور دارند. برخی از دانشجویان خود به‌صورت حرفه‌ای کار می‌کنند و تقریباً سطح علمی‌شان بالاست. در اینجا مسئله مهم به‌روز شدن خود استادان است. به‌روز شدن حاصل ارتباط استادان با دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور است. باید ارتباط داشته باشیم و اکنون این ارتباط به‌واسطه اینترنت و ارتباطات اجتماعی قدری تسهیل شده است. به نظر من باید کلاس‌های آموزشی برای

روی جلد نیست انگاری
و شعر معاصر
طراح: مجید زارع



این قضیه تا حدودی نقش دارد. از یک طرف در این رشته‌ها دانشجو نمی‌گیرد و از سوی دیگر یک گروه دیگر می‌آید و تغییرات و اصلاحات ایجاد می‌کند.



استاد برنجی
مدرس گرافیک

این مسئله فراز و فرود دارد اما مثلاً در شهری مانند همدان ۹ هنرستان هنری داریم. در استانی که از لحاظ جمعیتی و وسعت در رده چهارم کشور است ۹ هنرستان وجود دارد و این خیلی درخور توجه است.

غنی‌زاده: در مواردی، در حالی که کار کارشناسی هم نشده است، به یک‌باره می‌گویند رشته گرافیک تعطیل شود.



مجتبی بابائیان
مدرس گرافیک

وقتی تقاضا باشد، کار خودبه‌خود وسعت می‌یابد. بحث من روی این نکته است. باید ذره‌بین بگذاریم و کاستی‌ها را در سراسر کشور مطالبه کنیم. عرضم این است که به‌خاطر اینکه دید گرافیکی در فضای مدرسه و تعلیم و تربیت و میان همکاران فرهنگی گسترش یابد، چه باید کنیم؟



استاد غنی‌زاده
مدرس گرافیک

صالح: من و همین‌طور آقای همتی و غنی‌زاده در چند دوره، آموزش ضمن خدمت داشتیم و به معلمان هنرستان و مدرسان شهرستان‌ها آموزش می‌دادیم. نکته‌ای که من در این دوره‌ها متوجه شده‌ام این است که متأسفانه تقسیم امکانات در استان‌های مختلف کشور یکسان نیست. در نتیجه، استادان دانشگاه‌ها و دبیران هنرستان‌ها با سطح اطلاعات متفاوتی می‌آیند و می‌خواهند دوره ضمن خدمت را برگزار کنند. وقتی که می‌خواهیم سرفصلی را به آن‌ها تدریس کنیم، مجبوریم باز از پایین شروع کنیم؛ چراکه لازم است سطح آن‌ها را به مطالبی که می‌خواهیم بیان کنیم، برسانیم. در نتیجه، سطح کیفی کلاس خود ما هم که برای بالا بردن سطح اطلاعات آن‌هاست، خواه ناخواه پایین می‌آید.

یعنی سطح میانگین آموزش پایین است.

صالح: به دلیل اینکه بین دانش استادان استان‌ها و دانشگاه‌های مختلف تعادلی وجود ندارد.

همه می‌گویند فضای مجازی به کمک آموزش آمده است. سؤال این است که فضای مجازی ایجاد انگیزه کرده یا به تنبلی دامن زده است؟ بعضی مواقع بچه‌های ما دست به قلم نمی‌شوند و کاری انجام نمی‌دهند. این دست‌ورزی که حذف شده، انجام تکلیف درسی را به کاری سنگین تبدیل کرده است!

همتی: در سال‌های گذشته قبل از اینکه اینجا از آموزش و پرورش منفک شود، معلمان رسمی آموزش و پرورش که قرار بود برای هنرستان تربیت شوند، به اینجا می‌آمدند و دوره می‌دیدند و مدرک می‌گرفتند و به‌طور مستقیم هنرآموز هنرستان می‌شدند. اینجا و دانشگاه شهید رجایی این چنین بود. اما در چند سال اخیر این اتفاق دیگر نیفتاده است. بعد از اینکه اینجا از آموزش و پرورش منفک شد، این امر قطع شد. ما اکنون تربیت دبیر فنی نداریم. قبلاً در هنرستان‌ها ۸۰ درصد داوطلبان می‌گفتند که متقاضی تحصیل در رشته گرافیک هستند. با توجه به کاهش جمعیت و آمدن رشته‌های دیگر، گرایش به گرافیک کمتر شده است. خیلی از دانش‌آموزان می‌خواهند به رشته‌های دیگر بروند. این خود یک مسئله است که معلمانی که داشتیم از همان دانش‌آموزان قبلی بوده‌اند. در سال‌های اخیر معلم جدید در هنرستان‌ها نداشته‌ایم. سرفصل‌هایی که اینجا تعریف شده بود به‌نوعی با همان تربیت دبیر فنی مطابقت داشت. اگر بخواهیم سرفصل‌های این دانشگاه را با دانشگاه‌های دیگر که رشته گرافیک دارند مقایسه کنید، تفاوت را می‌بینید. من نمی‌خواهم بگویم اینجا بد است و آنجا خوب است. شاید اینجا به‌نوعی گزیده‌تر و مناسب‌تر هم باشد. بحث فضای مجازی و روزآمد شدن بچه‌ها از طریق فضای مجازی هم هست. برخی از دروسی که اینجا تعریف می‌کنیم و در عرض ۵ ساعت تدریس می‌شود، بچه‌ها در عرض یک تا یک ساعت و نیم مطالعه می‌کنند و به کش دادن درس نیاز نیست و باید به آن مطلب دیگری اضافه

**پیوستگی
آموزش امری
انکارناپذیر است.
اگر قرار باشد
این آموزش
صحیح در هر
رشته‌ای صورت
گیرد، همان‌طور
که صاحب‌نظران
می‌گویند باید از
دبستان شروع
شود**

را می‌برد.

✽ صالح: به نظر من بهترین پیشنهادی که می‌توان داد، اول از همه آموزش است. استادان خود را باید تقویت و با علم روز آشنا کنیم و دوره‌های ضمن خدمت بگذاریم. کارگاه (ورک‌شاپ)‌هایی در استان‌های مختلف برگزار کنیم تا استاد توانایی که در تهران متمرکز است، به شهرستان‌های مختلف برود و در این کارگاه‌های یک‌روزه و دو روزه آموزش بدهد.

استاد نجابتی، از استادان گرافیک، اعلام کرد که به ۵۰ کارگاه و جلسه رفته است. این نکته درستی است. تا جایی که ممکن است باید از آموزش شروع کنیم.

✽ باباییان: پیوستگی آموزش امری انکارناپذیر است. اگر قرار باشد این آموزش صحیح در هر رشته‌ای صورت گیرد، همان‌طور که صاحب‌نظران می‌گویند باید از دبستان شروع شود. آموزش و پرورش هم می‌تواند این کار را انجام دهد که ارتقای سواد بصری دانش‌آموزان و بحث گرافیک مطرح شود. معلمان با برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت و فوق‌العاده و اشاره

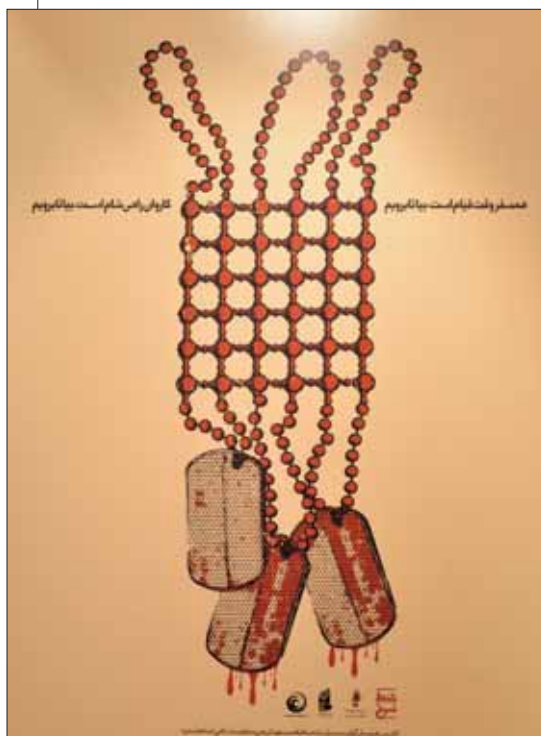
کرد. اگر بخواهیم بر اساس همان سرفصل پیش برویم خیلی از وقت ما و بچه‌ها گرفته خواهد شد. تربیت بچه‌ها کند پیش می‌رود. بخشی از مسیر، روزآمد شدن فضای درسی و سرفصل‌های دانشکده هنر و گرافیک است.

آیا در سرفصل‌ها باید تغییری انجام شود؟

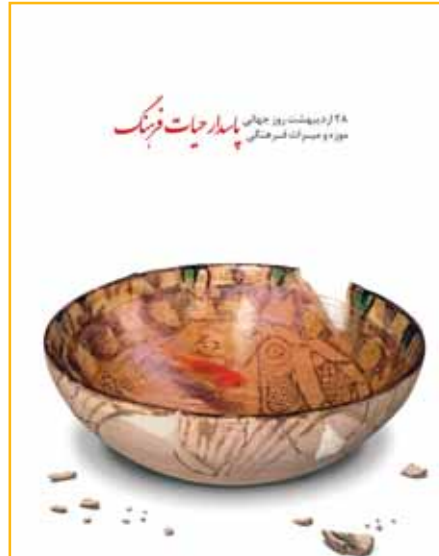
✽ همتی: بله. به‌خصوص که اینجا دیگر شکل گذشته را ندارد. حداقل با سرفصل‌های کلی دانشگاه‌های دیگر که این رشته را دارند، هماهنگ شود.

درباره غنی کردن محیط تعلیم و تربیت هنری از منظر گرافیک و ارتباط تصویری استاد باباییان نکاتی دارند؛ به نظر شما به‌عنوان یک مدرس گرافیک با توجه به اینکه با دبیران آموزش و پرورش سروکار دارید و فضای تعلیم و تربیت را هم می‌شناسید، باید چه کنید که در دوره دبیرستان گرافیک خود را به‌عنوان هنر آموزشی مهم جا بیندازد؟

✽ باباییان: آموزش گرافیک با توجه به رشد قارچ‌گونه مراکز آموزش این رشته در سراسر کشور و در جاهای مختلف، خود به معضلی تبدیل شده است. همان‌طور که استاد همتی گفتند، آمدن فضای مجازی به واسطه اینترنت و نرم‌افزارها و لپ‌تاپ‌ها و ... کار آموزش را سرعت داده، اما سازمان‌دهی این کار خیلی مهم است؛ یعنی باید برنامه‌ریزی جدی انجام بگیرد تا از وقتی که برای این رشته گذاشته می‌شود و ساعاتی که برای دروس مختلف این رشته گذاشته‌اند، استفاده کامل به عمل آید. در جهت سازمان‌دهی تلاش‌هایی شده است. اگر چنانچه به همین منوال که شروع شده است از نیروهای مسلط و ماهر و مجرب استفاده شود، نتیجه کار ارتقای کیفیت آموزش خواهد بود. ارتقای کیفیت آموزش باعث می‌شود سطح سواد رشته‌ای بچه‌ها بالا رود. وقتی سطح سواد رشته‌ای بالا می‌رود، گرافیک رشد می‌کند. این را اینجا به‌صورت خودجوش هم داریم. ما نیروها و بچه‌های با استعدادی داریم که خودشان خوب کار می‌کنند و باعث می‌شوند کلاس تحرک پیدا کند و رقابت ایجاد شود. دست‌مایه‌های آموزش رقابتی ایجاد می‌شود و بچه‌ها شوق و ذوقی پیدا می‌کنند. در اینجا است که مدرس هم لذت آموزش



نمایشگاه هنر مقاومت



در نمایشگاه‌های
خارجی کارهای
ایرانی مشخص
است؛ چراکه
نحوه رنگ و
حروف چینی و
فرم‌های خاص
فرهنگ ایرانی
است

به کتاب‌های درسی می‌توانند سواد بصری
دانش‌آموزان را ارتقا دهند؛ یعنی سطح هنر
گرافیک را بالا ببرند.

در آثار گرافیک‌های مهم واژه‌ای تحت
عنوان گرافیک ایرانی مطرح است. بالأخره
این را باید یک هنر وارداتی بدانیم یا بگوییم
بر اساس داشته‌ها و سرمایه‌ها و دنیایی از
نقش و رنگ و ... می‌توان گرافیکی مبتنی
بر فرهنگ ایرانی بنا کنیم. جای این واژه
کجاست؟ ما از غرب الهام می‌گیریم چون
پیشرو بودند اما ایران هم بنیانی دارد. نه
اینکه حروف ما هر کدام یک کاراکتر هنری
است؟ آیا از این داشته‌ها نباید استفاده کرد؟
این‌ها در کجا به نقطه تعادل می‌رسند که
راهکار از آن دریافت شود؟

❁ **برنجی:** به نظر من گرافیک رشته‌ای
است که حداقل برای ما نو است و از عمر آن
در ایران چندان نگذشته است. با این حال،
همان‌طور که می‌فرمایید، گرافیک ایرانی به
وجود آمده است.

مؤلفه‌های این گرافیک ایرانی چیست؟

❁ **برنجی:** برخی چیزها به‌طور
خودیه‌خودی ایجاد می‌شود. شاید از پیش هیچ
برنامه‌ریزی‌ای روی این انجام نگرفته باشد. این
جریانی است که پیش آمده است. حتی در
نمایشگاه‌های خارجی کارهای ایرانی مشخص
است؛ چراکه نحوه رنگ و حروف چینی و فرم‌های
خاص فرهنگ ایرانی است.

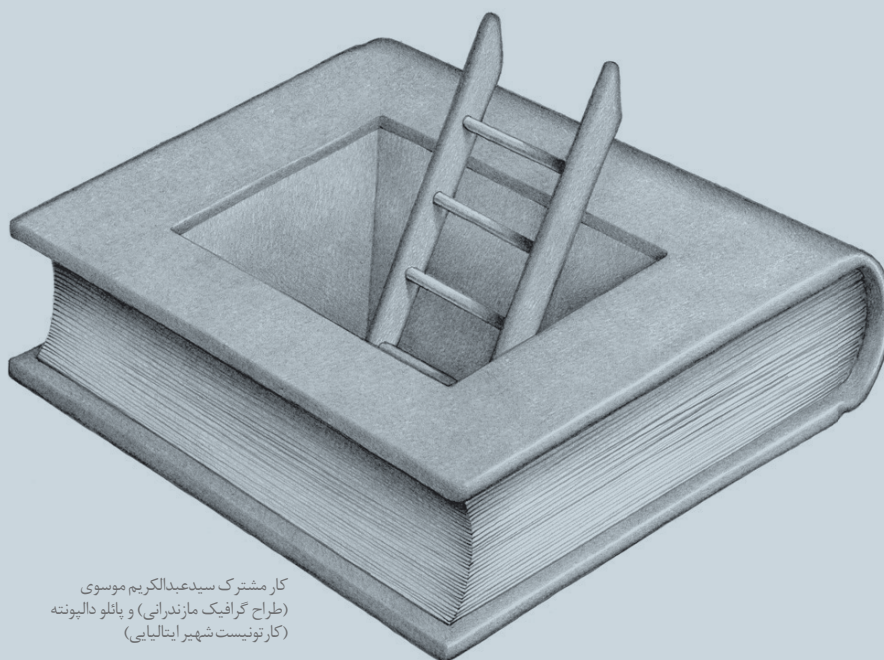
از استادان محترم به‌خاطر حضور در این
میزگرد تشکر می‌کنم.



طراح: گروه گرافیکی
طراحان برتر



نمایشگاه هنر مقاومت
طراح: فاطمه طاهری



کار مشترک سید عبدالکریم موسوی
(طراح گرافیک مازندران) و پائلو دالپونته
(کار نویسند شهر ایتالیایی)

فرایند طراحی جلد کتاب

سعیده منصوری

دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

آتوسا اعظم کثیری

استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

چکیده

جلد کتاب، به عنوان رسانه‌ای پرمخاطب و ماندگار، نقش مؤثری در ترویج اندیشه پدیدآورندگان در جامعه دارد. به همین دلیل، به طراحی جلد به مثابه عرصه‌ای تخصصی و راهبری در مقوله ارتباط تصویری و فرایند تولید کتاب نگریسته می‌شود که علاوه بر انتقال صحیح پیام، می‌تواند به رشد فرهنگی و سواد بصری جامعه نیز کمک کند.

پژوهش حاضر ضمن پرداختن به اصول و نکات فنی طراحی جلد کتاب، سعی در تبیین چگونگی تحقق ارتباط و نحوه صحیح انتقال پیام به مخاطبان دارد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که آگاهی از مباحث کاربردی و سازنده فرایند طراحی جلد در کنار شناخت صحیح گروه مخاطبان و مضمون کتاب می‌تواند رهیافتی نو در جهت آموزش هنرجویان گرافیک، ارتقای کیفی نشر کتاب و رونق کتابخوانی باشد.

کلیدواژه‌ها: فرایند طراحی، نشر کتاب، طراحی جلد کتاب، تأثیر گذاری بر مخاطبان.

مقدمه

نخستین انقلاب فرهنگی با اختراع خط آغاز شد. خط ابزاری است برای نگاه داشتن و انتقال پیام‌ها یا اطلاعات گوناگون. با رشد و پیشرفت فرهنگ و تمدن، کتاب به مؤثرترین و ماندگارترین ابزار در فرایند آموزش و ثبت علم تبدیل شد.

تا قبل از اختراع صنعت چاپ، کتاب کالایی پرهزینه بود که فقط در اختیار شاهان و درباریان قرار می‌گرفت. جلد کتاب هم بیشتر کاربرد محافظتی و تزینی داشت، ولی با ظهور فن چاپ تمامی زمینه‌های وابسته به نشر کتاب تحول یافت و جلد کتاب به عرصه‌ای برای بیان مفاهیم و محتوای متن کتاب در قالب طرح و تصویر و نوشته مبدل شد. رفته‌رفته با تنوع تکنیک‌ها و ابزارهای گرافیک و چاپ، بالارفتن آگاهی و توقع مخاطب و تنوع دیدگاه نویسنده و ناشر، رقابتی خلاقانه در طراحی جلد کتاب به وجود آمد. در این میان، کشمکش میان این عوامل و ساده‌اندیشی افراد غیرکارشناس گاه به ارزش‌های فرهنگی و هنری کتاب‌ها خدشه وارد می‌کند و با سردرگم کردن مخاطب منجر به خلق محصولات بازاری و کلیشه‌ای یا بسیار پیچیده و غامض می‌شود. پژوهش حاضر با نگاهی به تاریخچه تحولات جلدسازی، به بررسی اصول و نکات فنی و بصری در ساختار طراحی جلد کتاب، اهمیت شناخت مخاطبان و آگاهی از محتوای کتاب می‌پردازد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع کیفی و توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات، مشاهده و فیش‌برداری بوده که از طریق منابع مکتوب و تصویری کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته است.

تاریخچه مختصر تحولات جلدسازی

و طراحی جلد در ایران

«هنر جلدسازی و جلدآرایی برای رسیدن به شکل کنونی مراحل طولانی را پیموده است و ملت‌های گوناگونی چون ایرانی‌ها، بین‌النهرینی‌ها، سریانی‌ها، مصری‌ها، هندی‌ها، چینی‌ها و اروپایی‌ها در طول تاریخ هر کدام در نوع مواد، مصالح، شکل و صافی آن ایفای نقش کرده‌اند» (ریاضی، ۱۳۹۳: ۱۰).

در جهان باستان، کتاب فقط به شکل لوحه‌های گلی و طومارنویسی وجود داشت اما سابقه جلد به مفهوم امروزی به آغاز دوره مسیحیت برمی‌گردد. همچنین، «کتاب جلد شده یا در اصطلاح عربی آن «مصحف» در صدر تاریخ اسلام شناخته شده بود» (هالدين، ۱۳۶۶: ۱۱).

ظهور کاغذ، اختراع چاپ و گسترش علم‌آموزی تولید کتاب را به میزان چشمگیری افزایش داد و تحولات زیادی در این حوزه ایجاد کرد. امروزه نشر کتاب و طراحی جلد یکی از گسترده‌ترین بخش‌های صنعت چاپ و گرافیک است.

فن کتاب‌آرایی و جلدسازی که در ایران از زمان ساسانیان آغاز گردید، طی چندین دوره دستخوش تحولات زیادی شد و به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافت. نشر کتاب در ایران عملاً پس از ورود نخستین دستگاه‌های چاپ در عصر صفویه آغاز شد و در عصر قاجار کتاب‌های چاپ سنگی مورد استقبال اقشار مختلف قرار گرفت، اما «بعد از انقلاب مشروطه و از اوایل قرن بیستم به تدریج چاپ سربی جایگزین چاپ سنگی شد و تحولات عظیمی در صنعت نشر اتفاق افتاد» (تناولی، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۵).

به‌طور کلی، اولین طرح جلد‌های کتاب به شکل تخصصی از زمان پهلوی اول شکل گرفت و پس از انقلاب اسلامی تا به امروز

با ظهور فن چاپ
تمامی زمینه‌های
وابسته به
نشر کتاب
تحول یافت و
جلد کتاب به
عرصه‌ای برای
بیان مفاهیم و
محتوای متن
کتاب در قالب
طرح و تصویر و
نوشته مبدل شد



شکل ۱. یونفرم در مجموعه کتاب‌های بیست و پنجمین سالگرد آزادی خرمشهر، نشر سوره مهر
طراح: کورش پارسا نژاد



شکل ۲. طراحی برای
مجموعه کتاب
طراح گرافیک:
حسن کریمزاده

از ناشران، طرحی کلی و مشخص برای همه کتاب‌های خود داشته باشند و با آن از سایر ناشران و رقبای خود تمیز داده شوند که به آن در اصطلاح «اونیفرم» گفته می‌شود» (همان: ۱۶۵). (شکل‌های ۱ و ۲)

گاهی روی روکش یا روی جلد کتاب‌هایی که روکش ندارند، نوار کاغذی پهنی قرار می‌گیرد که در آن توضیحی تبلیغاتی در مورد کتاب می‌آید؛ برای مثال «برنده جایزه فلان» یا «پرفروش‌ترین کتاب سال» یا عبارت‌هایی مشابه. این نوار کاغذی را «باند یدک روکش» می‌گویند.

همواره باید در نظر داشت که به هر حال آنچه در ویرتین کتابفروشی‌ها به‌عنوان نماینده مفهوم و موضوع کتاب خودنمایی می‌کند و مخاطبان را به خرید کتاب برمی‌انگیزد، همان جلد کتاب است و بیشترین هدف در طراحی بر این قسمت متمرکز می‌شود.

۲- عطف کتاب

متأسفانه گاهی ناشران و طراحان نقش مهم عطف کتاب را نادیده می‌گیرند و وجود عطف زمانی مهم جلوه می‌کند که کتاب

به‌رغم موانع و مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، با حضور چند نسل از طراحان گرافیک، تاریخی پر فراز و نشیب و پرافتخاری داشته است که به دلیل گستردگی مبحث از بیان آن معذوریم.

اجزاء سازنده جلد کتاب

محافظة از صفحات داخلی کتاب را شاید بتوان اولین و مهم‌ترین عملکرد جلد کتاب دانست اما با پیشرفت فناوری چاپ و فراوانی نشر، جلد کتاب به یکی از عوامل مهم جذب مخاطبان و بازتاب محتوای کتاب مبدل شد. به‌طور کلی، جلد کتاب شامل سه بخش روی جلد، سطح عطف، و پشت پشت جلد کتاب می‌شود. سطح رو و پشت کتاب به یک اندازه‌اند و فقط اندازه عطف کتاب از لحاظ عرض به تعداد صفحات و ضخامت کاغذ بستگی دارد.

«در چند دهه قبل، طراحی جلد کتاب فقط شامل سطح روی جلد می‌شد اما در دو دهه اخیر، طراح علاوه بر آن، باید عطف و پشت جلد را هم در نظر بگیرد و اثر خود را در سراسر این سه قسمت و با سعی در دستیابی به خلاقیت و بیان نمادین محتوای کتاب، اجرا کند» (افشار مهاجر، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۱).

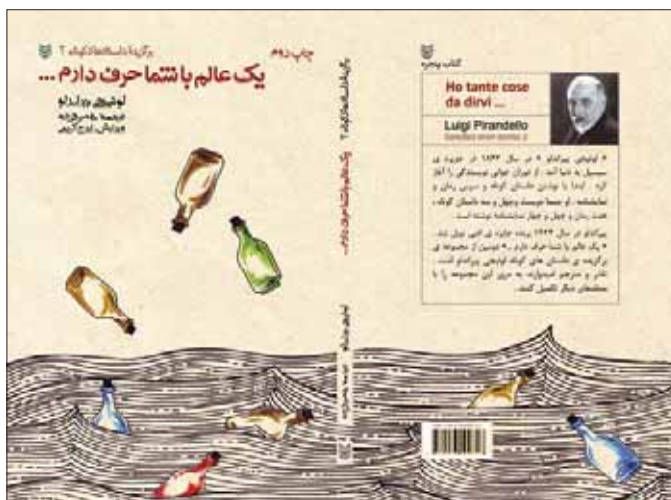
۱- جلد کتاب

به‌طور کلی، در روی جلد کتاب حضور نام کتاب با حروفی درشت و خوانا در قالب فونت تایپی، دست‌نویس، خوشنویسی یا تایپوگرافی‌های خلاقانه، و نام مؤلف و مترجم با قلمی ریزتر الزامی است. در سال‌های گذشته درج نشان (آرم) ناشر روی جلد متداول نبود ولی در سال‌های اخیر شاهد حضور این نشان و مواردی چون تعداد چاپ و جوایزی که کتاب کسب کرده است، نیز در روی جلد هستیم. «کثرت کتاب‌های منتشرشده نیز باعث شده است که بعضی

شکل ۳. مجموعه هزار و یک شب
طراح گرافیک: مسعود نجابتی



شکل ۴. یک عالم با شما حرف دارم...
طراح گرافیک: مریم سادات موسوی



۳- پشت جلد کتاب

«سطح پشت جلد فضایی ظاهراً منزوی و کم‌مصرف جلد کتاب است و اغلب ناشران برای استفاده از این فضا به سلیقه شخصی تکیه می‌کنند» (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

«در پشت جلد کتاب، نشان و عنوان ناشر، قیمت کتاب و رمزینه (بارکد) آن درج می‌شود. در برخی کتاب‌های ادبیات داستانی ممکن است تمام یا بخشی از داستان - با هدف ترغیب مخاطب - در پشت جلد بیاید. گاهی هم در پشت جلد، مطالب روی جلد تکرار می‌شود اما به زبان دیگری غیر از زبان رسمی کشوری که کتاب را منتشر می‌کند و این امر اهمیت دارد» (افشار مهاجر، ۱۳۹۲: ۲۵۷). (شکل‌های ۴ و ۵)

انواع جلد کتاب و شیوه‌های ارائه آن در دوران معاصر

به‌طور کلی، امروزه جلد کتاب‌ها به دو گروه سخت (گالینگور) و غیر آن، یعنی مقوای نازک (شومیز) تقسیم‌بندی می‌شود. «در گروه جلد‌های سخت، طراح گرافیک، نقش طلاکوب روی جلد و عطف و به‌ندرت پشت جلد را پیشنهاد می‌کند و اگر کتاب روکش هم داشته باشد، طراحی روکش، فرایندی مشابه طراحی جلد کتاب‌های شومیز با لب برگردان است. لب برگردان سطحی به طول ارتفاع کتاب و عرض ۶/۵ تا ۹ سانتی‌متر و به‌ندرت بیش از آن است و یا ادامه طرح جلد کتاب روی آن می‌آید و یا شرح حال و تصویر مؤلف روی قسمت متصل به روی جلد و شرح حال و تصویر مترجم روی قسمت متصل به پشت جلد ارائه می‌شود. در کتاب‌هایی که مترجم ندارند، ممکن است ناشر بخشی از کتاب‌های خود را در آن معرفی کند» (همان، ۱۶۲).

گروه دوم یعنی جلد‌های مقوایی به نام «شومیز» خوانده می‌شوند. روی این جلد‌ها معمولاً پس از فرایند چاپ، برای مقاوم‌تر شدن و جلوۀ بیشتر از یک لایهٔ ورنی سرد،

در قفسهٔ کتابخانه یا مخزن قرار می‌گیرد و شناسایی آن فقط از طریق این سطح باریک امکان‌پذیر است.

«طراحی عطف گاه به علائم اختصاری و رنگین‌نشان‌های نظامی می‌ماند که بیننده با یک نگاه، درجه، عناوین و افتخارات و ویژگی صاحب نشان را می‌شناسد و فوراً موضع درستی نسبت به او اتخاذ می‌کند» (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۵۷-۱۵۶).

«سه ویژگی مهم در عطف کتاب عبارت است از هماهنگی رنگ آن با جلد کتاب، تداعی کردن خود کتاب، و انتخاب شیوهٔ دقیق در عنوان‌نویسی عطف. در عطف کتاب معمولاً نوشته‌ها به ترتیب اهمیت، از بالا به پایین قرار می‌گیرند؛ یعنی نخست عنوان کتاب و سپس نام نویسنده و پس از آن مترجم» (افشار مهاجر، ۱۳۹۲: ۲۵۷) در موارد بسیاری نیز نشانه و نام انتشارات در قسمت پایین عطف و بعد از اطلاعات دیگر گذاشته می‌شود.

همچنین در طراحی مجموعه کتاب‌های چند جلدی که در کنار هم در یک قفسه چیده می‌شوند، عامل خلاقیت و رنگ می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. (شکل ۳)

در طراحی
مجموعه
کتاب‌های چند
جلدی که در
کنار هم در یک
قفسه چیده
می‌شوند، عامل
خلاقیت و رنگ
می‌تواند بسیار
تأثیرگذار باشد



شکل ۵. حکایت دولت و فروزانگی
طراح گرافیک: سید بهادر خیبرگردی



شکل ۶. استفاده از قاب
مقوایی برای حفاظت از
کتاب

سایر جنبه‌های کاربردی مانند قرارگیری در کتابخانه شخصی یا عمومی، کیف و ... است. برای مثال، کتاب‌های کودکان نباید قطع بزرگ و صفحات زیاد داشته باشند؛ زیرا جابه‌جا کردن آن‌ها برای کودکان آسان نیست. قطع بزرگ وقتی برای کودکان مناسب است که صفحات کتاب اندک باشد. اگر قطع کتاب کودک بیش از حد کوچک باشد، طول سطرها برای استقرار تعداد مناسب کلمه در یک سطر کم می‌آید؛ زیرا حروف کتاب‌های کودکان باید درشت باشد. قطع یک اطلس جغرافیایی قاعدتاً بزرگ است تا نقشه‌های بزرگ در یک یا دو صفحه مقابل هم قرار گیرند. فرهنگ‌های لغت یا قطع بزرگ دارند یا قطع کوچک؛ قطع بزرگ با صفحات بسیار مورد استفاده کتابخانه‌ای دارد و قطع کوچک بیشتر مناسب کسانی است که می‌خواهند کتاب را همواره همراه خود حمل کنند.

در ایران از دو قطع رُقعی (۱۴/۵×۲۱/۵) سانتی‌متر بعد از برش) و وزیری (۱۶/۸×۲۴) سانتی‌متر بعد از برش) بیش از سایر قطع‌ها استفاده می‌شود. غیر از آن‌ها قطع رحلی (۲۱×۲۸/۵) سانتی‌متر بعد از برش) و خشتی (۲۲×۲۲) سانتی‌متر بعد از برش) نیز گاهی برای کتاب‌ها به کار می‌روند (افشار مهاجر، ۱۳۸۱: ۶۹).

از دیگر قطع‌های رایج می‌توان به جیبی (۱۱×۱۶) و پالتویی (۱۲×۲۰) اشاره کرد. همچنین حالت «بیاضی» در اصطلاح به کتاب‌هایی گفته می‌شود که از طرف ضلع کوچک‌تر کتاب صحافی می‌شود و شیرازه صفحات در ضلع کوچک‌تر کتاب قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی، غیر از قطع‌هایی که معرفی شد، اگر به دلایلی نیاز به قطع دیگری باشد، تا حد امکان دورریز کاغذ را باید به کم‌ترین میزان رساند و در مواردی که شمارگان (تیراژ) زیاد است، نباید قطع‌های نامتعارف را انتخاب کرد.

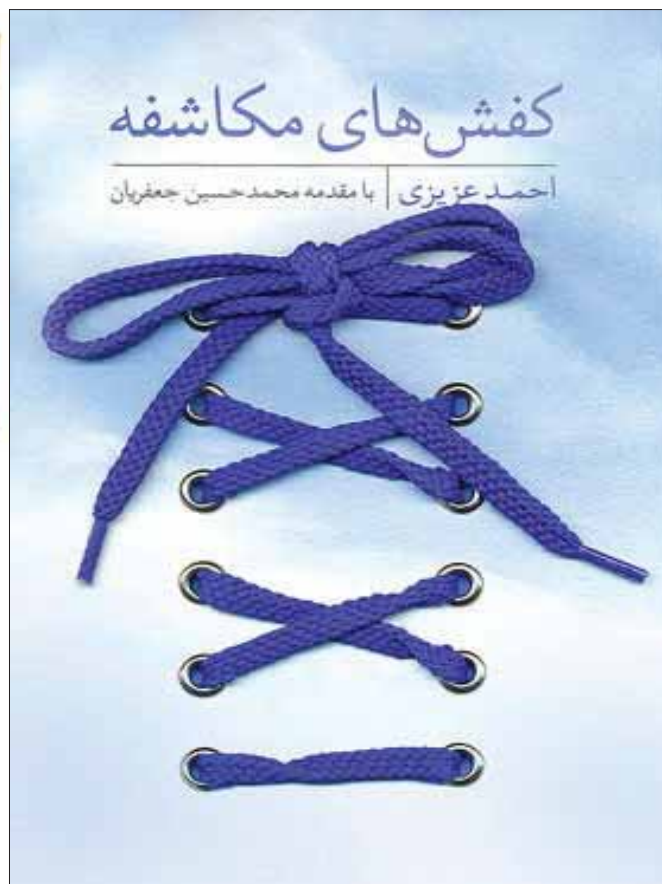
بیووی و یا سلوفان استفاده می‌شود. «فرایند ورنی سرد، در ماشین چاپ صورت می‌گیرد و به دو طریق «ورنی توی کار» و «ورنی روی کار» اجرا می‌شود. در ورنی توی کار، ورنی را با مرکب چاپ به نسبت معینی که چسبندگی بسیار به آن ندهد، مخلوط و سپس روی کاغذ چاپ می‌کنند. در ورنی روی کار، پس از اینکه چاپ انجام شد، اشعه ماورای بنفش واکنش‌های شیمیایی ویژه‌ای از خود نشان می‌دهد و به سرعت خشک می‌شود و پس از خشک شدن به علت براق بودن، سبب جلای کار می‌شود و کتاب جلوه بیشتری می‌یابد» (همان: ۱۶۸).

گاهی دیده می‌شود که در مجموعه‌های یک یا چندجلدی، از جعبه یا قابی با مقوای سخت برای حفاظت از کتاب استفاده می‌شود. طراح گرافیک می‌تواند در طراحی این جعبه و عطف کتاب‌هایی که در آن قرار می‌گیرد، خلاقیت و ابتکارات زیادی به خرج دهد. (شکل ۶)

از دیگر موارد خلاقانه بر روی جلد کتاب، استفاده از برش‌های خاص، چاپ‌های برجسته با رنگ‌های طلایی، نقره‌ای و ... و استفاده از مواد متفاوت همچون چوب، پارچه و ... به‌منظور ایجاد جذابیت بصری است. (شکل‌های ۷-۹)

قطع کتاب

«به‌اندازه طول و عرض کتاب و هر نوع نشریه «قطع» گفته می‌شود. هدف از آن رواج اندازه‌های مختلف برای کتاب، به‌منظور استفاده آسان‌تر یا متناسب با نوع کاربرد کتاب است» (فریدون آذریون، ۱۳۸۰: ۱۲۲). «قطع‌های رایج برای تولید کتاب در هر کشور به دو عامل اصلی بستگی دارد: یکی ابعاد کاغذهای رایج در آن کشور که قطع کتاب‌ها مضرب مشخصی از آن‌هاست؛ تا دورریز کاغذ حداقل باشد و به صفر نزدیک شود. عامل دیگر، عملکرد کتاب و ماهیت کلی آن و در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطبان آن و نیز



شکل ۷. کفش‌های مکاشفه
طراح گرافیک: مجید زارع



شکل ۸. سرباز سال‌های ابری
طراح گرافیک: مجید زارع

بعضی از جلدها خصوصیتی کاملاً تزئینی دارد؛ به‌طوری‌که خواننده در خواندن آن دچار مشکل می‌شود. به عبارت دیگر، طراح گرافیک برای رسیدن به طرح جلدی جذاب، خوانایی عنوان نوشتاری را فدای زیبایی آن کرده و آن را در کل طرح مستحیل نموده و از حقیقتی آشکار، گرهی کور برای مخاطب آفریده است. در چنین مواردی، از شفافیت عنوان در جلد کتاب به‌شدت کاسته می‌شود و بر توهّم آن افزوده می‌گردد» (همان: ۴۲).

مسلم است که در طراحی عنوان نویسی، ابتدا خوانایی مطرح است و سپس تقویت بنیان‌های زیبایی‌شناسانه فرم حروف. خوشبختانه انرژی نهفته در ساختار فونت فارسی و خوشنویسی ایرانی قابلیت‌های بسیاری را در ترکیب‌بندی مورد استفاده طراحان گرافیک قرار می‌دهد که به ایجاد طرح‌های خلاقانه و منحصر به فرد رهنمون می‌گردد. مکان‌یابی برای جایگزینی عنوان کتاب مطلب دیگری است که همواره در طراحی عنوان نویسی جلد کتاب مطرح می‌گردد و در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌شود:

«نقطه مرکزی در میان جلد کتاب که محل تلاقی اقطار جلد است، مکانی پر قدرت برای نوشتن عنوان به حساب می‌آید. اما به دلیل الگوهایی که در جلدسازی سنتی، تاکنون با آن مواجه بوده‌ایم، نوشتن عنوان در فضای میانی جلد، جلد را به سمت طرح‌های کلاسیک متمایل می‌سازد. از جمله این طرح‌ها می‌توان به طرح جلد قرآن کریم، نهج البلاغه و انواع کتاب‌های ادعیه و منظومه‌های شعری اشاره کرد.

الگوی دیگر، تقسیم‌بندی متناسب یا نامتناسب کتاب در بخش افقی یا عمودی است که معمولاً در یک بخش تصویر و در بخش دیگر، عنوان کتاب نوشته می‌شود. در این الگو، کمترین تلفیق بین تصویر و

عنوان نویسی جلد کتاب

«عنوان هر کتاب اولین نشانه مکتوب برای جلب مخاطبان به مضمون درونی آن کتاب است. طراحی عنوان، چه از لحاظ مفهوم نوشتاری و چه از لحاظ ترکیب‌بندی گرافیکی، اولین پرده معرفی، اعلام موجودیت و هویت‌سازی هر کتاب است» (موسوی، ۱۳۸۶: ۴۰).

طراحی جلد کتاب از دیگر فعالیت‌های گرافیکی مستثناست؛ زیرا تصویر به‌عنوان عنصر ثانویه در تکمیل متن نوشتاری جلد کتاب به کار گرفته می‌شود و خود، به تنهایی، هویت مستقلی ندارد. همان‌گونه که گزینش صحیح نام و عنوان کتاب می‌تواند نقش بسزایی در معرفی و فروش آن داشته باشد، استفاده آگاهانه از جلوه‌های ویژه تصویری اثرگذار در طراحی عنوان نویسی اعم از تایپوگرافی^۱، خوشنویسی^۲، دست‌نوشته^۳ و ... نیز نقش بسیار مؤثری در زیبایی‌شناسی و درک عمومی مخاطبان از محتوای کلی کتاب دارد. (شکل‌های ۱۰ و ۱۱)

متأسفانه، «امروزه عنوان نویسی جلد کتاب با توجه به روش‌های جدیدی که ابزارهای طراحی و چاپ در اختیار طراحان قرار می‌دهند، در بعضی از موارد از مسیر خود خارج شده است؛ مثلاً عنوان نوشتاری در

نقطه مرکزی در میان جلد کتاب که محل تلاقی اقطار جلد است، مکانی پر قدرت برای نوشتن عنوان به حساب می‌آید



شکل ۹. مقتل امام حسین (علیه السلام)
شیوه اجرای جلد: مقوای فانتزی، دورنگ
سیلک، دایکات
صحافی: چسب گرم
طراح گرافیک: مجید زارع

در ذهن نقش بسته است. بدین دلیل، تأثیر یک رنگ مشخص بر افراد مختلف کاملاً یکسان و همگون نبوده، واکنش انسان‌های مختلف در مقابل یک رنگ دقیقاً مانند یکدیگر نیست» (افشار مهاجر، ۱۳۹۲: ۸۸). آگاهی از تأثیراتی که رنگ‌ها بر روح و روان مردم می‌گذارند، برای هر هنرمند، به‌ویژه طراح گرافیک، لازم است. انتخاب رنگ مناسب در طراحی جلد کتاب نیز به عوامل بسیاری بستگی دارد که همگی در جهت ارتباط با متن کتاب و مخاطبان قرار می‌گیرند؛ از جمله:

۱- گروه سنی مخاطبان: برای مثال، رنگ‌های خالص و شاد بر گروه سنی کودک و نوجوان بیشتر از بزرگسالان تأثیر می‌گذارد.

۲- «طبقه اجتماعی مخاطبان: افراد روشنفکر با درآمدهای بالا بیشتر به طرف رنگ‌های روشن، ترکیبی و ملایم می‌روند و مردمی که متعلق به طبقات پایین‌ترند، برعکس، رنگ‌های قوی و درخشان را ترجیح می‌دهند. معمولاً مردم عام به رنگ‌های اصلی اهمیت می‌دهند.

۳- الگوهای رفتاری: اگر خریدار کتاب به دنبال موضوع مورد علاقه خویش باشد، رنگ امکان شناسایی کتاب را بیشتر می‌کند؛ مثلاً کتاب‌های هنر غالباً تصاویر چهار رنگ دارند اما کتاب‌های فلسفه و حقوق ساده‌ترند. همچنین، اگر کتاب مورد علاقه توسط رسانه‌ها معرفی شده باشد، قطعاً رنگ به شناسایی آن کمک می‌کند؛ مثلاً کتاب‌های نویسندگان مشخّص با طراحی و رنگ ثابت.

۴- عوامل فرهنگی و سنت‌های جامعه: فرهنگ و دین هر جامعه و نشانه‌های بروز آن در انتخاب رنگ تأثیر دارد؛ مثلاً کاربرد رنگ سبز در جامعه ما نمادی از دین اسلام می‌باشد یا رنگ سیاه نشانه‌ای از عزّا است» (شاه‌حسینی، ۱۳۷۸: ۳۱-۳۰).

عنوان کتاب صورت می‌گیرد و حاصل آن، اثری بی‌تحرك، معمولی و كم حادثه است» (همان: ۴۶).

خطوط طلایی نیز یکی از متداول‌ترین مکان‌های مورد انتخاب طراحان در عنوان‌نویسی است. البته طراح به غیر از توجه به الگوهای ذکرشده، می‌تواند به تناسب فضا و عناصر بصری روی جلد مکان مناسب عنوان کتاب را بیابد و اثری نو و پویا خلق کند.

تکنیک‌های بازنمایی مفهوم بصری

اولین و ساده‌ترین راه انتقال مفاهیم، استفاده از عکس است. اگرچه استفاده از عکس گاهی منجر به اشاره مستقیم به موضوع کتاب می‌شود، به کاربردن جلوه‌های رایانه‌ای و فتو مونتاز می‌تواند آثار بدیع و خلاقانه‌ای ایجاد کند.

تصویرسازی برای کودک و بزرگسال نیز از دیگر تکنیک‌های رایج در طراحی است و با توجه به موضوع، می‌تواند کاملاً واقع‌گرا، تخیلی، انتزاعی یا نمادین باشد. اجرای تصویرسازی نیز به‌صورت دستی و رایانه‌ای امکان‌پذیر است.

شیوه دیگری که در سال‌های اخیر به آن توجه بسیاری شده، استفاده از حروف‌نگاری و تایپوگرافی است که آن را هم به دو شیوه دستی و رایانه‌ای می‌توان اجرا کرد.

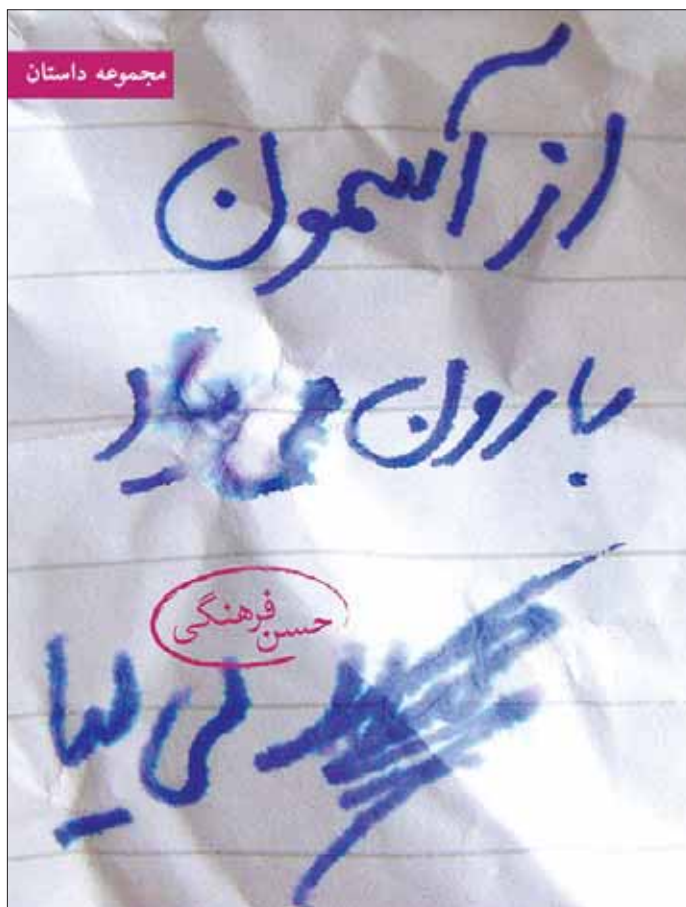
البته به‌طور کلی، آنچه در انتخاب تکنیک و روش اجرای آن در طرح جلد مهم است، سهل‌الوصول بودن فرایند ارتباط در عین داشتن جذابیت بصری است.

نقش رنگ در طراحی جلد کتاب

«واکنش انسان در برابر رنگ، به‌ویژه رنگ‌های ناخالص ترکیبی، نتیجه تجربه و آشنایی قبلی با این رنگ‌ها در گذشته‌های نهان و آشکار است که به‌گونه‌ای غیرارادی



شکل ۱۱. بگذار خودم باشم
طراح گرافیک: کورش بیگ پور



شکل ۱۰. استفاده از دستنوشته در
عنوان کتاب از آسمون بارون میاد
طراح گرافیک: پریسا تشکری

بازنمایی محتوای کتاب.

ارائه راهکارها و پیشنهادهای مربوطه

- «حمایت بخش دولتی از ناشران خصوصی (پرداخت یارانه و وام)؛
- برگزاری کارگاههای آموزشی برای ناشران؛
- ایجاد فضای گفت‌وگو بین طراح و ناشر؛
- استفاده از مدیریت هنری و آتلیه گرافیک اختصاصی در هر بنگاه نشر؛
- سنجش آرا و نظرات مخاطبان درباره جلد کتاب (از طریق پرسش و پیمایش)؛
- برگزاری فراخوانهای مرتبط با طراحی جلد کتاب؛
- ایجاد فضای نقد در طراحی جلد کتاب» (مرسلی توحیدی، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

یکی از عمده‌ترین فعالیت‌های طراحان گرافیک دنیا طراحی جلد کتاب است. اهمیت این طراحی نسبت به سایر کارهای گرافیکی بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ چراکه عموماً کتاب به دلیل استفاده در کتابخانه‌های شخصی و عمومی مدت طولانی نگهداری می‌شود و سال‌های زیادی باقی می‌ماند. همچنین، جلد کتاب اولین زمینه آشنایی

در پایان این نوشتار بیان این نکته ضروری است که منتقدان، مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه نشر می‌توانند با بررسی چالش‌های موجود و اجرای راهکارهای مؤثر، نقش مهمی در بهبود و ارتقای فرایند طراحی جلد ایفا کنند.

برخی مسائل مربوط به طراحی جلد

در ایران

- ضعف آموزشی و ناآشنایی طراحان با فرایند چاپ؛
- استفاده نادرست از ابزارهای مربوط به فناوری؛
- نبود مفاهیم و گفت‌وگوی سازنده بین ناشر و طراح و نویسنده؛
- در اختیار نبودن زمان کافی برای طراحی؛
- سپردن طراحی جلد به افراد غیر حرفه‌ای و اصطلاحاً بازاری؛
- بی‌توجهی طراح و ضعف ایده‌پردازی در

مخاطب با موضوع و عاملی مؤثر در جذب او برای خرید کتاب است. این مسئله مهم به تجربه و شناخت طراح از موضوع کتاب، نکات فنی طراحی و چاپ، حساسیت‌های جامعه، فرهنگ و سلیقه مردم و پدیدآورندگان کتاب بستگی دارد. همان‌گونه که بی‌توجهی به قطع کتاب، نوع صحافی، طراحی گرافیک منسجم و مرتبط بر مبنای اصول چاپی منجر به تولید آثاری سطحی و یک‌بارمصرف می‌شود، آگاهی از نکات فنی و اصولی فرایند طراحی و چاپ کتاب می‌تواند نقش مهمی در زیبایی‌شناسی، بیان محتوای کتاب و انتقال صحیح پیام بصری داشته باشد. امید است نتایج حاصل از این پژوهش، در حوزه علم‌آموزی و دانش بصری به کمک دانشجویان، استادان، طراحان گرافیک و دست‌اندرکاران بخش نشر بیاید و از این پس، شاهد تولید آثاری فاخر با کارکرد مناسب و مرتبط با مردم جامعه باشیم. از آن رو که این مسئله در ایجاد سواد بصری و در نتیجه رونق صنعت نشر نقش بسزایی دارد.

پی‌نوشت‌ها

1. Typography
2. Calligraphy
3. Hand Lettering

منابع

۱. آذریون، فریدون. (۱۳۸۰). از طراحی تا صحافی، چاپ سوم. تهران: انتشارات آذریون.
۲. افشار مهاجر، کامران. (۱۳۸۱). گرافیک مطبوعاتی، چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۳. افشار مهاجر، کامران. (۱۳۸۸). گرافیک در صنعت نشر، چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۴. افشار مهاجر، کامران. (۱۳۹۲). عملکرد گرافیک در کتاب‌های درسی دانشگاهی، چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۵. تناولی، پرویز. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر تاریخ گرافیک در ایران، چاپ اول. تهران: نشر نظر.
۶. ریاضی، محمدرضا. (۱۳۹۳). جلدسازی و جلدآرایی ایرانی، ویرتین: مجموعه مقالاتی درباره تاریخ طراحی جلد کتاب در ایران، چاپ اول. تهران: فرهنگسرای میردشتی، (صص ۳۳-۱۰).
۷. شاه‌حسینی، بهنام. (۱۳۷۸). رنگ به‌عنوان یک عنصر خلاقانه در طرح روی جلد در ۲۰ سال اخیر، پایان‌نامه

ارشد گرافیک، دانشگاه هنر تهران.

۸. شایگان، نیکو. (۱۳۸۸). طراحی جلد کتاب از گذشته تاکنون، پایان‌نامه ارشد ارتباط تصویری، دانشگاه الزهرا.
۹. مرسلی توحیدی، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی شکاف بین گرافیک بصری و گرافیک بازاری (مطالعه موردی طراحی جلد کتاب در ایران از سال ۱۳۸۰ تا کنون)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرافیک، دانشگاه الزهرا تهران.
۱۰. موسوی، سید محسن. (۱۳۸۶). عنوان‌نویسی جلد کتاب، نشریه سگال، شماره ۱۰، (صص ۴۷-۴۰).
۱۱. هالدين، دانكن. (۱۳۶۶). صحافی و جلد‌های اسلامی، ترجمه: هوش آذر نوش. تهران: چاپ اول، انتشارات سروش.



شکل ۱۲. کالبد‌شناسی رمان فارسی
طراح گرافیک: پریسا تشکری

سی کلید طلایی

برای اجرای نمایشنامه خوانی خوب

روح!... مال میر

کارشناس ارشد هنرهای نمایشی

بار در بخشنامه شماره ۱۸۹۰۴۶/ ۵۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱ به استان‌ها اعلام و ابلاغ گردید تا با هدف تحکیم و تقویت مسابقات هنرهای نمایشی، در کنار تئاتر صحنه‌ای و عروسکی به مناطق و مدارس اعلام گردد. طرح نمایشنامه‌خوانی در سال نخست به صورت پیشنهادی در مسابقات فرهنگی و هنری استان‌ها مطرح شد اما خیلی زود با استقبال گروه‌های دانش‌آموزی در مدارس روبه‌رو شد و با ارسال نمونه کارهای برتر این رشته از طرف استان‌ها به وزارت خانه، توانست جای خود را در سایر رشته‌های هنری باز کند.

کلیدواژه‌ها: نمایشنامه‌خوانی، نمایشنامه‌خوانی دانش‌آموزی، نمایش دانش‌آموزی، خوانش متون نمایشی، از صفحه تا صحنه، نقش‌خوان و نمایشنامه‌خوان.

اشاره

کارشناسی فیلم و هنرهای نمایشی اداره کل فرهنگی و هنری معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در تلاش برای تأثیرگذاری هر چه بیشتر هنر نمایش، فراهم آوردن بستری مناسب برای مشارکت حداکثری دانش‌آموزان در فعالیت‌های نمایشی و عینیت‌بخشی به برنامه‌های پیش‌بینی شده در سند تحول بنیادین، در راستای راهکار ۱۶-۱ (که ایجاد تنوع در فرصت‌های تربیتی در مراکز آموزشی و تربیتی برای پاسخ‌گویی به نیازهای دانش‌آموزان و برنامه‌ریزی برای گسترش و متنوع کردن حرف و مهارت‌های مورد نیاز جامعه در بین دانش‌آموزان را مد نظر دارد) در تابستان ۱۳۹۱ طرح نمایشنامه‌خوانی در مدارس را پیشنهاد داد. این طرح در شورای داخلی اداره کل فرهنگی و هنری تأیید شد و در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ برای اولین



مقدمه

نمایشنامه‌خوانی یکی از رشته‌های هنری با تأکید بر هنر کلامی و توجه به ادبیات نمایشی است و در هنرهای نمایشی (صحنه‌ای، عروسکی، خیابانی و ...) نقشی اساسی و زیربنایی دارد. از نمایشنامه‌خوانی تعاریف گوناگون و متفاوتی وجود دارد که هر کدام به نوبه خود قابل قبول و صحیح است. مثلاً «آرون شپارد» (Aron Shepard) در تعریف خود می‌گوید: «نمایشنامه‌خوانی ساده‌ترین شکل تئاتر است که از دو بخش ادبیات (نمایشنامه) و خواندن پشتیبانی می‌کند» (ترجمه طرخان بیوری، ۱۳۸۸: ۹).

«شپارد» در مورد ارزش و اهمیت هنر نمایشنامه‌خوانی آورده است: «امروزه نمایشنامه‌خوانی به یک علم اولیه تبدیل شده است؛ طوری که به آن به‌عنوان یک ابزار کلیدی ایجاد علاقه و مهارت در خواندن نگاه

می‌شود. جوانان به آن گرایش بسیار دارند و آن را به دلیل علاقه‌شان به کار گروهی، به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهند؛ چراکه نمایشنامه‌خوانی یک کار گروهی است. روخوانی مکرر باعث سلیسی و روانی بیشتر می‌شود و اگر نمایشنامه‌ای برگرفته از یک کتاب معتبر باشد، بچه‌ها رغبت بیشتری به خواندن آن پیدا می‌کنند» (همان: ۱۰). با این اوصاف، «نمایشنامه‌خوانی دانش‌آموزی» در یک تعریف ساده عبارت است از: خوانش متن نمایشی بدون نیاز به تمهیدات اجرایی از قبیل دکور، گریم، طراحی لباس و ... که توسط یک گروه دانش‌آموز انجام می‌شود. در این فعالیت، نمایشنامه به جای آنکه روی صحنه به اجرا درآید، توسط افرادی که به آن‌ها «نقش‌خوان» می‌گویند، فقط خوانده می‌شود و تماشاچیان آن را می‌شنوند.

اهداف نمایشنامه خوانی دانش آموزی

از آنجاکه هنوز کتب لازم برای آموزش این رشته به چاپ نرسیده است و گروه های دانش آموزی معمولاً سؤالاتی در مورد این رشته دارند، موارد زیر برای اجرای یک نمایشنامه خوانی خوب توصیه می شود.

۱- اولین قدم برای شروع فعالیت های نمایشی، از جمله نمایشنامه خوانی تهیه نمایشنامه است. انتخاب نمایشنامه متناسب با سن و سال دانش آموزان هم برای دانش آموزانی که اعضای گروه نمایشی هستند و هم برای دانش آموزانی که قرار است از دیدن یا شنیدن نمایشنامه لذت ببرند، بسیار حساس و مهم است. متأسفانه به رغم همه سفارش ها و تأکیدی که در این مورد صورت گرفته است، بسیاری از دانش آموزان و مربیان گروه های نمایشی در انتخاب متن های نمایشی مناسب دچار اشتباه می شوند.

۲- برای یافتن نمایشنامه های مناسب دانش آموزی راه های زیادی وجود دارد. سعی کنید از کسانی که در این کار تجربه دارند راهنمایی بگیرید. نمایش هایی را که در سال های قبل در مراحل منطقه ای، استانی و کشوری حائز رتبه شده اند شناسایی و بررسی کنید. دستورالعمل ها و مقرراتی را که درباره تئاتر دانش آموزی تهیه و تدوین گردیده است، حتماً مطالعه نمایید مهم تر از همه، سعی کنید مطالعه خود را افزایش دهید. اگر بتوانید در اوقات فراغت خود مخصوصاً ایام تابستان حداقل هفته ای دو نمایشنامه را مطالعه کنید، بعد از چند ماه، حدود بیست متن نمایشی را خوانده اید و بدون شک می توانید از بین آن ها چند تایی را برای فعالیت های نمایشی انتخاب کنید.

۳- متن نمایشی انتخاب شده می بایست با دانش آموزان گروه نمایشنامه خوانی و دانش آموزان تماشاچی متناسب باشد. بارها دیده شده است که دانش آموزان دوره دوم متوسطه یک متن نمایشی را در فعالیت نمایشنامه خوانی خیلی خوب خوانده اند اما غافل بوده اند که متن مورد نظر برای دانش آموزان دوره ابتدایی و یا اول متوسطه نوشته شده است. این موضوع بسیار مهم اغلب مانع صعود گروه به مرحله کشوری می شود.

۱ فراهم آوردن زمینه لازم برای کشف، شکوفایی و پرورش استعداد های نمایشی دانش آموزان

۲ پاسخ گویی به نیازها، علایق و رغبت دانش آموزان در فعالیت های هنری در گرایش هنرهای نمایشی

۳ افزایش سطح درک مفاهیم فرهنگی و هنری و بهره گیری از قدرت تخیل دانش آموزان

۴ علاقه مندسازی دانش آموزان به مطالعات اجتماعی، بومی و محلی از طریق مطالعه متون نمایشی

۵ افزایش سطح کیفی و کمی مطالعه و کتاب خوانی دانش آموزان به روش غیرمستقیم

۶ تقویت و توسعه فعالیت های نمایشی در مناطق و مدارس که امکان اجرای نمایش های صحنه ای، عروسکی و ... را ندارند.

۷ رشد توانمندی های لازم برای خلق آثار هنرهای نمایشی در دانش آموزان

۸ پرورش قوه تخیل اعضای گروه و مخاطبان، زمینه سازی برای شکوفایی قدرت تجسم آنان و القای دنیای خیالی به آن ها.

۹ تقویت لحن و فن بیان دانش آموزان علاقه مند به فعالیت های نمایشی

۱۰ آموزش کار گروهی به دانش آموزان و پرورش روحیه جمعی آن ها

۱۱ تربیت گویندگان (دوبلر) و مجریان توانمند برای رادیو و تلویزیون.





**برای یافتن
نمایشنامه‌های مناسب
دانش‌آموزی راه‌های
زیادی وجود دارد.
سعی کنید از کسانی
که در این کار تجربه
دارند راهنمایی
بگیرید. نمایش‌هایی
را که در سال‌های قبل
در مراحل منطقه‌ای،
استانی و کشوری
حائز رتبه شده‌اند
شناسایی و بررسی
کنید**

الف- به فعالیت در گروه‌های نمایشی علاقه دارند؛

ب- فرصت مناسب و کافی برای حضور در تمرین‌های گروهی را دارند؛

ج- از اولیای خود اجازه فعالیت در این رشته را گرفته‌اند و برای انجام آن نیازی به پنهان‌کاری ندارند؛ اگر دانش‌آموزی که در گروه نمایشی ثبت‌نام می‌کند از اجازه و رضایت قلبی اولیای خود برخوردار نباشد، مطمئناً در روند فعالیت‌هایش دچار مشکل خواهد شد. چنین اولیایی ممکن است اجازه ندهند فرزندشان در اردوهای خارج از منطقه و استانی شرکت کند. در این صورت نبود یکی از اعضای گروه زحمات چندین ماهه سایر اعضا را نیز دچار مشکل می‌کند.

د- از استعداد و توانایی لازم برای فعالیت در گروه نمایشی برخوردارند؛ بعضی از دانش‌آموزان به رشته‌های هنری از جمله تئاتر بسیار علاقه‌مندند اما استعداد لازم برای این کار را ندارند. در مقابل، بعضی از آن‌ها ممکن است پیش‌ازاین در گروه‌های نمایشی عضو بوده باشند و یا در کلاس‌های هنری خارج از مدرسه شرکت کرده و گواهی‌نامه‌هایی دریافت کرده باشند. انتخاب چنین افرادی امکان موفقیت گروه شما را دوچندان خواهد کرد.

۱۰- توجه داشته باشید که برای انتخاب اعضای یک گروه نمایشنامه‌خوانی باید بیشتر توجه خود را به صدا و لحن داوطلبان معطوف نمایید. نظر به اینکه مهم‌ترین ابزار و تمهید کاربردی در نمایشنامه‌خوانی لحن و بیان است، انتخاب درست دانش‌آموزان برای نقش‌های مورد نظر، حساسیت زیادی دارد و غفلت از آن مخاطبان را از همراهی با گروه بازمی‌دارد. دانش‌آموزانی که به راحتی می‌توانند تقلید صدا انجام دهند، صدایشان را به خوبی تغییر می‌دهند، قدرت مدیریت احساسات خود را در لحن‌های مختلف دارند و ... برای عضویت در گروه نمایشنامه‌خوانی مناسب هستند.

۱۱- شروع کار نمایشنامه‌خوانی حساسیت زیادی دارد؛ در واقع، این شروع است که باعث می‌شود مخاطب شما تصمیم بگیرد در سالن نمایش بنشیند و یا اینکه خیلی زود صندلی‌اش را به بهانه‌ای ترک کند. سعی کنید برای

۴- بهتر و صحیح‌تر آن است که دانش‌آموزان پسر، متونی را که در آن‌ها شخصیت‌ها مذکرند و دانش‌آموزان دختر متونی را که شخصیت‌های آن‌ها مؤنث است، برای نمایشنامه‌خوانی انتخاب کنند. مسلماً وقتی دانش‌آموزان دختر قرار است به جای چند مرد و یا پسر نمایشنامه‌خوانی کنند در جذب تماشاچیان موفق نخواهند بود.

۵- توجه داشته باشید که متون نمایشی گفت‌وگو (دیالوگ‌محور) در اجرای نمایشنامه‌خوانی می‌تواند موفقیت بیشتری داشته باشد. بدیهی است متونی که با هدف اجرا و با تکنیک‌های فرم نوشته شده‌اند، برای این کار مناسب نیستند و توصیه نمی‌شوند.

۶- با توجه به اینکه تئاتر دانش‌آموزی را دانش‌آموزان و در وهله اول برای مخاطب دانش‌آموزی اجرا می‌کنند و مخاطبان این رشته نیز دانش‌آموزان دوره اول و دوم متوسط هستند، بهتر است نمایشنامه‌هایی انتخاب شود که شخصیت‌های کمتری دارند.

۷- مراقب باشید واژه‌های ناپسند و زشتی را که شایسته کارهای هنری، از جمله نمایشنامه‌خوانی، نیست در نمایش به کار نبرید؛ برای آن‌ها معادل‌سازی کنید و از بار منفی آن‌ها بکاهید.

۸- متن نمایشی شما باید بار دراماتیک لازم را داشته باشد. همچنین، همه چیز آن در زمان حال اتفاق بیفتد نه اینکه مثل داستان در گذشته روایت شود. برای این منظور، توضیحات صحنه‌خوان مرز ادبیات نمایشی و داستانی را تا حدی مشخص می‌کند. برای مثال، جمله «گل کوچک شروع به خندیدن کرد» در ادبیات نمایشی نادرست و جمله «گل کوچک شروع به خندیدن می‌کند» درست است.

۹- بعد از انتخاب متن مناسب که در بخش توصیه‌های محتوایی مطرح شد، انتخاب اعضای گروه نمایشی قدم بعدی است. بدیهی است در کار نمایشنامه‌خوانی لازم نیست به دنبال بازیگر به معنای اخص آن باشید. شما باید از طریق اعلام در مراسم صبحگاهی و یا نصب چند فراخوان ساده در فضای داخلی مدرسه به دنبال دانش‌آموزانی باشید که:

نمایشنامه‌خوانی آغازی جذاب و شیرین داشته باشید. قبل از شروع اولین نمایشنامه‌خوانی اطلاعات مقدماتی را در اختیار شنوندگان خود بگذارید؛ مواردی از قبیل نام نمایش، نویسنده، کارگردان، نام مدرسه، اسامی صداپیشگان (نقش‌خوانان) و ...

۱۲- هنگام معرفی شاید بهتر باشد که صحنه‌خوان از شخصیت‌های نمایشی نام ببرد و هم‌زمان، فردی که قرار است جای نقش مورد نظر حرف بزند، خودش نام خود را بیان کند، و مسائلی از این قبیل. یک شروع جذاب، خلاقیت هنری شما را می‌طلبد که بدون شک از آن برخوردار هستید.

۱۳- نیازی به حفظ کردن متن نیست و نقش‌خوانان می‌بایست مطالب را از روی متن نمایشنامه بخوانند البته ممکن است در قسمتی از کار لازم باشد که نقش‌خوان سرش را بالا بگیرد و یا به اطراف نگاه کند؛ مثلاً رو به آسمان حرف بزند، که در این صورت باید دیالوگ خود را حفظ کند.

۱۴- اگر دانش‌آموزی نمی‌تواند به‌جای دو یا چند نقش صحبت کند، اصلاً به او اصرار نکنید؛ در عوض، به فکر انتخاب و دعوت از فرد دیگری برای پیوستن به گروه باشید.

۱۵- جلسات اولیه را برای روخوانی متن نمایش صرف کنید و اصلاً به دانش‌آموزان نگویید که قرار است به‌جای کدام شخصیت صحبت کنند. در این جلسات، دانش‌آموزان با روخوانی متن در جمع، اعتمادبه‌نفس بیشتری پیدا می‌کنند و با شخصیت‌های نمایش بیشتر آشنا می‌شوند.

۱۶- در برخی از دیالوگ‌ها معمولاً نویسنده روی یکی از واژه‌ها تأکید خاصی دارد و انتظار دارد که

بازیگر هم توجه لازم را موقع بیان آن داشته باشد. این قبیل تأکیدها را شناسایی کنید و هنگام بیان، شدت یا ضعف مورد نیاز را در ادای کلمات به کار بگیرید. مثلاً در دیالوگ «خوب گوش کن بین من به تو چی می‌گم» ممکن است لازم باشد روی کلمه گوش کردن، من، و یا چی می‌گم، تأکید داشته باشید. چنین کلماتی را به هر شکلی که دوست دارید از قبل در داخل متن مشخص کنید؛ مثلاً زیر آن‌ها خط بکشید.

۱۷- از دانش‌آموزان بخواهید اگر معنای واژه‌ای را نمی‌دانند حتماً سؤال کنند و یا آن را در لغت‌نامه پیدا کنند. اجازه ندهید سایه ترس از ندانستن معنی کلمات، فن بیان و تمرکز آنان را تحت‌الشعاع قرار دهد.

۱۸- واژه‌هایی را که از نظر نوشتاری همانندند اما در تلفظ با هم فرق دارند در متن نمایشنامه شناسایی کنید و خوانش صحیح آن‌ها را به دانش‌آموزان یاد دهید؛ واژه‌هایی مثل: انعام (چهارپایان)؛ انعام (مژدگانی)؛ آخر (دیگر)؛ آخر (پایان)؛ سَقَط؛ سَقَط؛ معین؛ معین؛ و ...

۱۹- اگر قرار است برای جذابیت بیشتر از افکت استفاده کنید، لازم نیست افکت‌ها را صحنه‌خوان توضیح دهد؛ مثلاً تصور کنید که صحنه‌خوان بگوید «صدای سوت قطار به گوش می‌رسد» و بعد هم‌زمان، افکت سوت قطار پخش شود. این نوع خوانش و پخش هم‌زمان، هوش هنری شما را زیر سؤال می‌برد.

۲۰- اگر ضرورت دارد و نویسنده متن اجازه داده است، می‌توانید بعضی از گفت‌وگوها و جزئیات را برای موفقیت بیشتر در اجرا تغییر دهید. حتی ممکن است بعد از چند جلسه تمرین، به این نتیجه برسید که یکی از شخصیت‌های نمایشی را حذف کنید یا اینکه شخصیتی را به آن اضافه کنید. در این مورد خوب فکر کنید و اگر لازم است و به نویسنده دسترسی دارید، با او حرف بزنید.

۲۱- دیالوگ‌های طولانی گاهی ریتم نمایش را کند و مخاطب را خسته می‌کنند. مراقب باشید که مخاطبان شما خسته و کسل نشوند. برای حل این مسئله چاره‌ای بیندیشید؛ مثلاً جزئیات و عبارات اضافی را حذف کنید.



برای جلوگیری از آشفته‌گی ذهنی اعضای گروه و تمرکز بیشتر آن‌ها، بهتر است هر نفر یک نسخه از نمایشنامه را در اختیار داشته باشد

صورت تشخیص کارگردان، یک یا چند نفر از آن‌ها پوشش متفاوت‌تری داشته باشد.

۲۹- توجه داشته باشید که در نمایشنامه‌خوانی نیازی به «آکسسوار» صحنه نیست و لزومی ندارد روی صحنه، روی میز مقابل اعضا و یا در دست آن‌ها وسیله‌ای مرتبط با متن دیده شود. تصور کنید کسی که نقش یک دیده‌بان جنگی را می‌خواند، یک دوربین واقعی نیز در دست داشته باشد و یا اینکه روی میز مقابلش یک قمقمه آب گذاشته شده باشد. چنین وسایلی برای مخاطب آزاردهنده‌اند و کار شما را از نمایشنامه‌خوانی دور می‌کند.

۳۰- نمایشنامه‌خوانی خوانش یک متن ساده است، بدون نیاز به تمهیدات اجرایی؛ پس، در حین خوانش مراقب باشید که فعالیت شما به اجرا نزدیک نشود. اگر در حین خوانش متن، نقش‌خوان‌ها در قیدوبند اجرا باشند و بخواهند قسمتی از متن را به مخاطب نیز نشان بدهند، در واقع مسیر را اشتباه رفته‌اند. برای مثال، تصور کنید که چند دانش‌آموز دختر به جای شخصیت‌های یک کارگاه قالی‌بافی مشغول نقش‌خوانی هستند و هم‌زمان کار قالی‌بافی نیز انجام می‌دهند. مسلم است که این صحنه تماشاچی را خسته و عصبانی خواهد کرد؛ چون کاری که آن‌ها انجام می‌دهند نه نمایشنامه‌خوانی است نه نمایش صحنه!

منبع

آرون شپرد. (۲۰۰۹).

داستان‌ها روی صحنه (ترجمه)

علی‌اکبر طرخان بیوری،

۱۳۸۸. تهران: انتشارات

نمایش

۲۲- اگر بعضی نقش‌خوان‌ها نقش کوتاهی دارند و قرار است مدت زیادی روی سن ساکت باشند، برای آن‌ها تدابیری بیندیشید؛ مثلاً نور را از روی آن‌ها بردارید و یا در طول اجرا در چند مرحله، دیالوگ یا کار تأثیرگذاری را به آن‌ها واگذار کنید. توصیه می‌شود کار صحنه‌خوانی در نمایش را فقط یک نفر به عهده بگیرد تا تکلیف شنونده با او روشن باشد.

۲۳- برای جلوگیری از آشفته‌گی ذهنی اعضای گروه و تمرکز بیشتر آن‌ها، بهتر است هر نفر یک نسخه از نمایشنامه را در اختیار داشته باشد و متن مورد نظر (اگر کتاب نیست) حتماً منگنه شده و به هم پیوسته باشد. تصور کنید متن شما منگنه شده نباشد و یکی از صفحات آن در حین اجرا جابه‌جا شده باشد. در این صورت، نتیجه چندین ماه زحمت شما به هدر می‌رود.

۲۴- ساده‌ترین شکل قرار گرفتن نمایشنامه‌خوانان روی صحنه، ایستاده یا نشسته در یک ردیف صاف یا نیم‌دایره است. طرز ایستادن، نشستن و یا حرکت آن‌ها بنابر موضوع و ریتم متن نمایشی می‌تواند متفاوت باشد اما نکته مهم این است که مخاطب قرار است نمایش را بشنود و در دنیای خیالی خودش آن را تجسم کند نه اینکه شاهد اجرای آن باشد.

۲۵- از اعضای گروه بخواهید که روی صحنه صاف بنشینند یا صاف بایستند؛ سرهایشان را بالا بگیرند و حرکات سر، چشم و ... خود را از قبل مدیریت کنند.

۲۶- چنانچه قرار است نمایشنامه‌خوانی گروه در یک سالن بزرگ و احتمالاً شلوغ انجام شود، می‌توان از یک یا دو میکروفون بر روی میز و یا جلوی صحنه استفاده کرد.

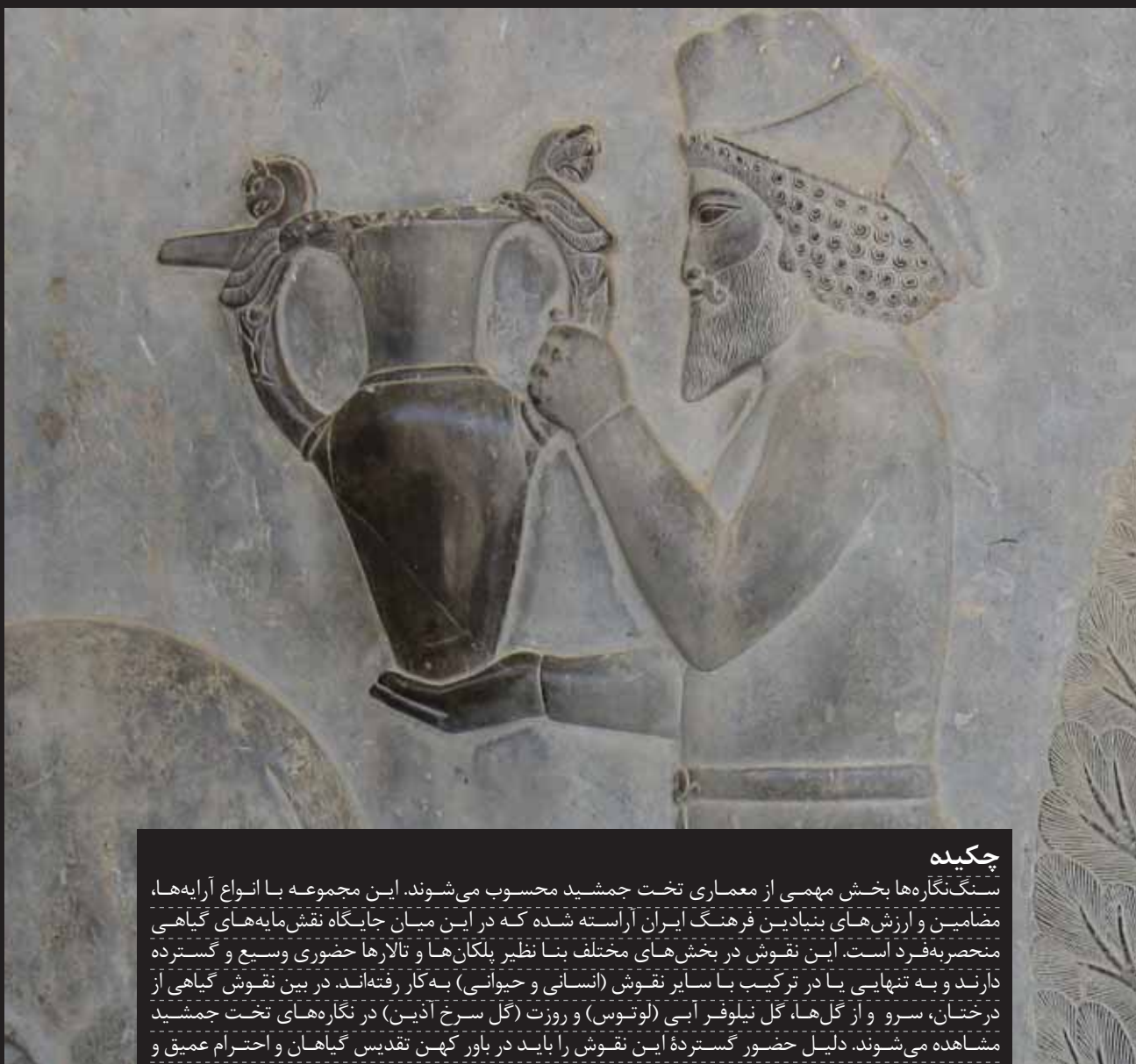
۲۷- نقش‌خوانان می‌توانند موقع خواندن، به شخصیت مورد نظر در نمایشنامه و یا مخاطبان نگاه کنند. برخی معتقدند که توجه و نگاه صحنه‌خوان به مخاطبان کار را طبیعی‌تر جلوه می‌دهد. مهم این است که اگر قرار است شخصیت‌ها رو به هم و یا رو به مخاطبان صحبت کنند از قبل مشخص شده باشد.

۲۸- نمایشنامه‌خوان‌ها می‌توانند یک نوع لباس هم‌شکل ساده بپوشند و یا اینکه در



مرحانه نادری گرزالدینی
مدرس دانشگاه فنی و حرفه‌ای دختران بابل

نگاره‌های گیاهی در تخت جمشید



چکیده

سنگ‌نگاره‌ها بخش مهمی از معماری تخت جمشید محسوب می‌شوند. این مجموعه با انواع آرایه‌ها، مضامین و ارزش‌های بنیادین فرهنگ ایران آراسته شده که در این میان جایگاه نقش‌مایه‌های گیاهی منحصربه‌فرد است. این نقوش در بخش‌های مختلف بنا نظیر پلکان‌ها و تالارها حضوری وسیع و گسترده دارند و به تنهایی یا در ترکیب با سایر نقوش (انسانی و حیوانی) به کار رفته‌اند. در بین نقوش گیاهی از درختان، سرو و از گل‌ها، گل نیلوفر آبی (لوتوس) و روزت (گل سرخ آدین) در نگاره‌های تخت جمشید مشاهده می‌شوند. دلیل حضور گسترده این نقوش را باید در باور کهن تقدیس گیاهان و احترام عمیق و فراوان ایرانیان به طبیعت جست‌وجو کرد. بخش بزرگی از اسطوره‌های کهن ایران را نمادها و نظام‌های مفهومی و استعاری مربوط به گیاهان تشکیل می‌دهد. مقاله حاضر به تبیین ارتباط میان نگاره‌های گیاهی تخت جمشید و اسطوره‌های کهن ایران می‌پردازد و هدف آن، کشف مفاهیم و مضامین نهفته در نمادهای به کار رفته است. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که نگاره‌های گیاهی تخت جمشید با مضامین مذهبی و عقاید اسطوره‌ای ایران در ارتباطند و هنرمند ایرانی ادراک خویش را از حقیقت، جهان هستی، آفرینش و قدرت‌های طبیعت به واسطهٔ رمز و نماد نشان داده و بدین ترتیب، نمایشی محسوس از امر نامحسوس از طریق به تجسم درآوردن تمثیل‌های عینی ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها: تخت جمشید، نقش‌برجسته، نگاره‌های گیاهی، اسطوره، نماد



مقدمه

تخت جمشید بازتابی از عالی‌ترین تجلیات روح هنر ایرانی و نمادی از فرهنگ و هنر ملی ایران است. می‌توان گفت که دستاورد هنر هخامنشی به لحاظ مفهوم، هدف، نقش و نگار و ... در تخت جمشید تجلی یافته است. این بنای عظیم علاوه بر آنکه فر و شکوه درباری و قدرت شاهان هخامنشی را بیان می‌نمود، بر منصب آسمانی و مقام روحانی آن‌ها نیز تأکید می‌ورزید. در واقع، تخت جمشید صورت زمینی از شهر مینوی اساطیری است؛ از این رو تمام نقش‌مایه‌ها و نمادهای موجود در بنا بر ماهیت نیایشی این مکان دلالت می‌کنند.

تاریخ زندگی بشر نشان می‌دهد که تمام باورها و ادیان از نمادگرایی استفاده کرده‌اند؛ زیرا انسان به شیوه نمادپردازی بهتر می‌تواند مفاهیمی را که به روش‌های دیگر قابل بیان و توصیف نمی‌باشند، نشان دهد. پارسیان نیز عقاید دینی خود را که مشتق از تعالیم و آموزه‌های زرتشت بود، به شکل نمادین در آثار هنری خویش نشان داده‌اند؛ به‌طوری‌که منش نیک (بهمن) با گاومیش، نظام (اردیبهشت) با آتش و زندگی جاودانی (مرداد) با گیاهان نمادپردازی شده‌اند (افضل طوسی و حسن پور، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

با تأمل در اعتقادات اساطیری ایران، می‌توان نمونه‌های متعددی از عناصر گیاهی نمادینی را مشاهده کرد که در مضمون و شکل خود گستره‌های بزرگ معنایی را دربرمی‌گیرند. گیاهان به دلیل برخورداری از مفاهیم ضمنی، حضور گسترده و چشمگیری در آثار هنری ایران داشته‌اند. در این میان، به برخی از گیاهان توجه بیشتری معطوف شده که نمونه بارز آن در سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید مشاهده

می‌شود. این بنا از نخستین نمونه‌های بی‌نظیر کاربرد نقوش گیاهی در تزیین بنا و معماری است. نگاره‌های گیاهی به کار رفته در تخت جمشید شامل درخت سرو، گل نیلوفر آبی (لوتوس)^۱ و روزت^۲ (گل سرخ آذین) می‌باشد. با توجه به کاربرد وسیع این نقوش در نقش برجسته‌های تخت جمشید، نوشتار حاضر به ریشه‌یابی و کشف علل، عوامل و تفکری می‌پردازد که منجر به استفاده از این نقوش شده است. بدیهی است شناخت ویژگی‌های این نقوش به عنوان بخش بزرگی از آرایه‌های تخت جمشید موجب آگاهی نسبت به ارزش‌های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی جامعه آن دوران می‌شود و پاسخ‌گوی بسیاری از پرسش‌ها و ابهامات در زمینه انگیزه‌های کاربرد آن‌ها خواهد بود.

تخت جمشید

امپراتوری هخامنشی در سال ۵۵۰ پیش از میلاد توسط کورش بنیان نهاده شد. این امپراتوری در زمان داریوش بزرگ (۵۲۲ الی ۴۸۴ ق.م) هرچه بیشتر توسعه یافت و از دره سند در شبه‌قاره هند تا شمال یونان و مصر را شامل گردید (آژند، ۱۳۹۰: ۳۴). تخت جمشید در سال‌های ۵۲۰ الی ۴۶۰ پیش از میلاد در زمان زمامداری داریوش و خشایارشا بنا گردید. این مجموعه ساختمانی در شهر مرو دشت و در ۴۵ کیلومتری شهر شیراز، در دامنه کوه رحمت واقع شده است. مجموعه تخت جمشید از ساختمان‌های متعددی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: پلکان ورودی، دروازه ملل، کاخ آپادانا، تالار صد ستون، ورودی کاخ مرکزی، تچرای داریوش، هدیش خشایار، تالار شورا، خزانه شاهی و ساختمان‌های دیگر. در حقیقت، تخت

جمشید پایتخت تشریفاتی هخامنشیان و مرکزی برای برگزاری آیین تاج‌گذاری و مراسم جشن نوروز بود. در این جشن، نمایندگان ملل مختلف حضور می‌یافتند و هدایای خود را به پیشگاه پادشاه تقدیم می‌نمودند. می‌توان گفت سبک معماری و پیکرتراشی هخامنشی در تخت جمشید تجلی یافته است.

نقش برجسته‌های تخت جمشید

در معماری هخامنشی نقش برجسته همواره جزئی از بنا محسوب می‌گردد. ترکیب معماری و نقش برجسته در نهایت شکوه و زیبایی در تخت جمشید به ظهور رسیده است. نقوش برجسته تخت جمشید در هماهنگی و تناسب کامل با معماری بنا بوده و به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که در حین عبور دیده شوند. جنسن در کتاب «تاریخ هنر» می‌گوید: «نقش برجسته‌های تخت جمشید معمولاً صحنه‌هایی را مجسم می‌سازند که در همان محل به وقوع می‌پیوست؛ مانند: صف‌آرایی سپاهیان کاخ، پاسداری نگهبانان، بار یافتن آوزندگان خراج‌ها و هدایا، حمل ظروف توسط خدمتکاران، ورود یا خروج پادشاه از اتاق‌ها و یا حضور یافتن درباریان به پیشگاهش» (جنسن، ۱۳۵۹: ۶۱). در وصف این نقوش می‌توان گفت پیکره‌ها حضوری آرام و باوقار در بستر سنگی خود داشته، در آن‌ها احساس حضور در ساحتی مقدس مشاهده می‌گردد و نیز کلیه نمادها و نقوش به کار رفته، بر ماهیت نیایشی این مکان تأکید می‌کنند. به‌طور کلی، نقوش به کار رفته در تخت جمشید را به سه دسته نقوش انسانی، جانوری و گیاهی می‌توان تقسیم کرد.

نقوش گیاهی

نقوش گیاهی در تخت جمشید



تصویر ۱. نمایندگان ملل مختلف

شاخه‌ای گل نیلوفر در دست می‌گرفت. پارس‌ها و مادها یی که به حضور شاه می‌آمدند نیز هریک چنین شاخه گلی در دست داشتند. در درگاه تالار اصلی بنای خشایار شاه، نقش برجسته‌ای از پادشاه و خدمه‌اش مشاهده می‌شود که عصای فرمانروایی‌اش را در دست راست و گل نیلوفری در دست چپ دارد و به سوی تالار گام برمی‌دارد.

نقش برجسته خزانه، داریوش را بر تخت سلطنت نشان می‌دهد که یک عصا در دست راست و گل نیلوفری در دست چپ دارد. ولیعهد نیز نظیر این گل را در دست گرفته است. در مقابل پادشاه دو عودسوز قرار دارد که بالای سرپوش آن‌ها با شکوفه گل نیلوفر تزیین شده است (تصویر ۲).

موجب ظهور این نگاره در بخش‌های مختلف تخت جمشید شده است. در صف‌های سربازان و مهمانان هر گروهی از گروه دیگر به وسیله درخت سرو مجزا می‌شوند. همچنین، در پلکان آپادانا صحنه جدال شیر و گاو دیده می‌شود؛ در حالی که اطراف این دو حیوان درختان سرو قرار گرفته‌اند (تصویر ۱).

نیلوفر آبی (لوتوس)

در دوره هخامنشی به نقش مایه لوتوس توجه زیادی شده است. در نقوش تخت جمشید این گل را در دست شاه، شاهزاده و صاحب‌منصبان می‌بینیم. در آیین شاهنشاهی هخامنشی، پادشاه هنگام جلوس رسمی بر تخت سلطنت

عبارت‌اند از درخت سرو، نیلوفر آبی (لوتوس)، روزت (گل سرخ آذین). در هنر هخامنشی این نقوش کاربرد وسیع و گسترده داشته و به اشکال مختلف در مهم‌ترین بخش‌های بنا حضوری کامل یافته‌اند. به‌طوری‌که از هر فضایی برای نشان دادن درخت و یا شاخه‌ای گل استفاده شده است. در دستان بسیاری از پیکره‌ها شاخه‌ای گل به نشانه مهر، محبت و صلح و دوستی دیده می‌شود. در واقع، تخت جمشید باغی سنگی و گلستانی از گل‌های سنگی بسیار زیباست.

درخت سرو

اعتقاد پارسیان به اهورامزدا - ایزد برتر - و نماد گیاهی‌اش یعنی سرو،



رواق جنوبی آپادانا، طراح: مادام دیولافوا



تصویر ۲. نقش برجسته خزانه

مابعدالطبیعی مشاهده می‌کنیم. نباتات از کهن‌ترین ایام در باورهای انسان از ذات و جوهری روحانی برخوردار بوده و بر دین، آداب، سنن و فرهنگ مردمان تأثیری شگرف نهاده‌اند. در ادراک و تجربه کهن، گیاه به واسطه معنایی که متضمن آن بوده و بر آن دلالت می‌کرده، تقدس یافته است. نمادهای گیاهی در هنر ایران با پیشینه اعتقادی متنوعی حضور دارند که با توجه به موضوع مقاله حاضر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

درخت سرو

درخت سرو در فرهنگ ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و از هزاران سال پیش تاکنون مورد علاقه ایرانیان بوده است. در فرهنگ پارسی سرو با صفاتی چون راستین، بلند، سرفراز، تازه، جوان و پایدار توصیف شده است. در اوستا از درختانی سخن رفته که نزدیک چشمه می‌رویند، نگهبانانی دارند و

معروف به «روزت» است. برخی آن را گل آفتابگردان و برخی دیگر گل کوکب یا بابونه می‌دانند. از این نگاره برای پر کردن نوارها و حاشیه‌های نقوش اصلی استفاده شده است (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). این نقش‌مایه تقریباً در همه تزیینات تخت جمشید مانند پلکان‌ها، ردیف میانی سربازان، مهمان‌ها، بر روی آجرهای لعاب‌دار و ... مشاهده می‌شود (تصویر ۵).

یکی از نمونه‌های منحصربه‌فرد این نقش مربوط به آستانه در تالار آپادانا است که از سنگ‌های چهارگوش قطور تشکیل شده و با نگاره‌ای کاملاً صیقلی از روزت زینت یافته است (تصویر ۶).

مفاهیم نمادهای گیاهی

وابستگی حیات انسان به نباتات و گیاهان موجب شده است که آن‌ها در حوزه‌های مختلف زندگی انسان حضور یابند. بخش عمده‌ای از این حضور را در روایات مردمی و بینش‌های

روی پلکان کاخ آپادانا نقش برجسته‌ای از صحنه نبرد شیر و گاو مشاهده می‌شود که در انتها به ردیفی از گل‌های نیلوفر ختم می‌گردد. این نقش خاستگاهی در پدیده‌های کیهانی دارد و در آن مبارزه فصول به صورت نمادین نشان داده شده است. نماد شیر (مظهر خورشید) در حال دریدن گاو (مظهر باران) است. به عبارت دیگر، پیروزی شیر بر گاو بیانگر چیرگی بهار بر تابستان است (تصویر ۳).

ستون، مهم‌ترین عنصر معماری هخامنشی است که از سه قسمت پایه، ساقه و سرستون تشکیل شده است. پایه ستون‌ها معمولاً به صورت ساده مکعبی و یا به شکل زنگوله‌ای (گلدانی) است و اغلب با غنچه‌های گل نیلوفر تزیین شده‌اند (تصویر ۴).

روزت (گل سرخ آذین)

بیشترین نقش‌مایه‌ای که در تخت جمشید به کار رفته، گلی دوازده پر



تصویر ۴. پایه ستون مزین به نیلوفر آبی

دارند: یکی مهر (یا میترا) و دیگری آناهیتا (ایزد آب). از دوران هخامنشی سه ایزد در اعتقادات ایرانیان حضوری بسیار گسترده دارند: اهورامزدا، آناهیتا و میترا. در کتاب «بندهش» که یکی از متون مقدس زرتشتی است، برای هر ایزد یا امشاسپندی گلی ذکر می‌شود و گل خاص آناهیتا نیلوفر است (بلخاری قهی، ۱۳۸۴: ۳۱). بنابراین، نیلوفر که در اندیشه‌های اسطوره‌ای ایران مقدس شمرده می‌شد، قداست خود را در آیین زرتشت نیز حفظ کرد و در آثار هنری ایران حضوری چشمگیر یافت.

روزت (گل سرخ آذین)

روزت، نماد سنتی خورشید و بازگوکننده نیروی حیات‌بخشی است. مانند چرخه‌ای که گاهی بدان شباهت

این شاخه را شاخه سرو دانسته‌اند (آموزگار و فضلای، ۱۳۷۲: ۸۴).

نیلوفر آبی (لوتوس)

در اساطیر کهن ایران، نیلوفر به واسطه پیوندش با دو عنصر مهم طبیعت (آب و خورشید) جنبه نمادین یافته است. این گل نماد تجلی است؛ زیرا در آب می‌روید، با طلوع خورشید می‌شکفت و با غروب آن بسته می‌شود. در ایران، ایزدان در دو قلمرو اسطوره‌ای و قلمرو تعلیم اوستا مورد بحث قرار می‌گیرند. با ظهور زرتشت و تعلیم توحیدی او، ایزدان اسطوره‌ای از مقام خدایی سقوط می‌کنند و به فرشتگانی تبدیل می‌شوند که هر کدام موکل بخش‌هایی از عالم‌اند. در این میان، دو فرشته با نیلوفر پیوند

نماد سرچشمه حیات، خیر و برکت [...] و استقامت‌اند. در فرهنگ مذهبی، این درختان نماد نور الهی، دانش، خردورزی، و اصل خیرند و به عنوان نمادی از تکامل انسان مورد ستایش قرار گرفته‌اند (پورخالقی، ۱۳۸۱: ۹۳). از جمله این درختان سرو است که طبق عقاید باستانی نماد فناپذیری و مربوط به نور ایزد اهورامزدا و حتی شخص زرتشت است (زارع‌زاده و پورمند، ۱۳۸۸: ۸۶).

مطابق روایات ایرانی، زرتشت از جانب اهورامزدا دو شاخه سرو از بهشت آورد و نیز روایت است زرتشت، بهمن امشاسپند را به صورت انسانی دید که به پیام‌آوری از سوی اورمزد نزد او آمده بود. بهمن شاخه سفیدی در دست داشت و آن شاخه «مینوی» دین بود.



تصویر ۶. سنگ سیاه و براق از آستانه در



تصویر ۵. حاشیه تزئینی با نقش روزت



تصویر ۳. پلکان شرقی آپادانا

پی‌نوشت‌ها

1. Lotus
2. Rossette

منابع

۱. آژند، یعقوب. (۱۳۹۰). تاریخ هنر باستان. تهران: سمت.
۲. افضل طوسی، عفت‌السادات و حسن‌پور، مریم. (۱۳۹۱). نقش نمادهای آیینی و دینی در نشانه‌های بصری گرافیک معاصر ایران. فصلنامه مطالعات ملی شماره ۴۹.
۳. آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. (۱۳۸۰). اسطوره زندگی زرتشت. تهران: چشمه.
۴. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴). تجلی لوتوس در آیین و هنر ایران و هند. فصلنامه کتاب ماه هنر، شماره ۸۳ و ۸۴.
۵. پورخالقی چترودی، مهدخت. (۱۳۸۱). درخت زندگی و ارزش فرهنگی و نمادین آن در باورها. مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱.
۶. جنسن، ه. دبلیو. (۱۳۵۹). تاریخ هنر (ترجمه پرویز مرزبان). تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
۷. زارع‌زاده، فهمیه و پورمند، حسنعلی. (۱۳۸۸). بازنمود باور داشت مردم یزد در نقش نمادین سرو. فصلنامه هنرهای تجسمی.
۸. موسوی، مهرزاد. (۱۳۹۰). جستاری در پیشینه هنر هخامنشی. شیراز: رخسید.
۹. هال، جیمز. (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب (ترجمه رقیه بهزادی). تهران: فرهنگ معاصر.

می‌توان مشاهده کرد.

دلالت‌های اسطوره‌ای گیاهان آن‌ها را سرشار از معانی و مفاهیم ضمنی می‌کند. از این‌رو هنرمند پارسی - که همواره زبان رمز و کنایه را برای بیان اهداف خویش برمی‌گزید - ادراک خود را از حقیقت به واسطه رمز و نماد نشان داده و بدین ترتیب، نمایش محسوس از امر نامحسوس را از طریق به تجسم درآوردن تمثیل‌های عینی ارائه نموده است. از آنجا که درخت سرو، گل نیلوفر و روزت در فرهنگ و اسطوره‌های ایرانی آکنده از انواع وجوه اشاره‌ای و مفاهیم تمثیلی هستند، جایگاه ویژه‌ای در هنر هخامنشی یافته‌اند. این جایگاه را به‌خوبی می‌توان از روی نقوش حجاری‌ها و سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید دریافت.

دارد، در وهله اول، یک نماد خورشیدی بود و بدین ترتیب آن را روی قرص بال‌دار می‌توان دید. این نقش، تجسم چندین خورشید - خدای خاورمیانه - است (هال، ۱۳۸۰: ۳۰۲).

نتیجه‌گیری

نگاره‌های گیاهی تخت جمشید تجلی اعتقادات مردمی است که از نمادها و سمبل‌های فراوان برای اشاره به باورها و اندیشه‌های موجود در آیینشان بهره‌مند شده‌اند. این نگاره‌ها با مضامین مذهبی و عقاید اسطوره‌ای پارسیان در ارتباط‌اند و بازتابی از تصور آن‌ها نسبت به جهان هستی، آفرینش و قدرت‌های طبیعت محسوب می‌شوند؛ به‌طوری‌که در هنر این دوره نوعی ارتباط با طبیعت و امر قدسی را

گفت‌وگو با دبیران هنر آذربایجان شرقی

آموزش
هنر در
آذربایجان
شرقیبهزادی
مدرس هنرمحمدی
دبیر هنرمحمدی
سرگروه هنرموسوی
دبیر هنر

اشاره

رشد آموزش هنر با هدف تبادل دیدگاه‌ها، روش‌ها و تجارب معلمان و دبیران هنر به انعکاس این موارد در قالب گفت‌وگو و مصاحبه‌های تخصصی می‌پردازد. به‌طور طبیعی، آموزش هنر و کم و کیف آن در هر محیط اجتماعی و فرهنگی رنگ و بوی آن محیط را به خود می‌گیرد. این نکته به تنوع و متفاوت بودن تجلیات هنری و به تبع آن، جذاب بودن و قابل مطالعه بودن آن کمک می‌کند. با اینکه روح هنر در زمان و مکان از اشتراک و یکپارچگی خاص خود برخوردار است، با این حال نوع نگاه و طرز تلقی از موضوع آموزش هنر می‌تواند دریچه‌های تازه‌ای را در فرایند تدریس و تعامل با دانش‌آموزان باز کند. این بار سراغ سرگروه هنر استان آذربایجان شرقی و تنی چند از همکاران ایشان رفته‌ایم. این میزگرد حاوی ایده‌ها و نکاتی است که می‌توان آن‌ها را با عبور دادنشان از صافی ذهن برای سایر استان‌ها نیز به کار گرفت. در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

امروز ما در معیت شما و در دیار شکرخیز تبریز، شهر شهریار و ستارخان و باقرخان و بزرگان این سرزمین هستیم.



شهر اول شهر تبریز است و دوم، اصفهان
کز هنر تاریخ ایران را شرف بخشند و شان
شیر مردانی به شمشیر قلم، گیتی ستان
لیک گنج معرفت را کان همان، کانون همان

در کشاورزی و بازرگانی و ذوق و هنر
شهر ما تقدیم دنیا کرده مردانی بزرگ
شب چراغانی به نور معرفت گیتی فروز
گرچه ما فرزند اهل آن بزرگان نیستیم

از چارچوب و کادر خارج شوند، تحولی مهم است. در کتاب‌های قدیمی دانش‌آموزان را کادر می‌گرفتیم ولی در کتاب‌های جدید این‌طور نیست منظورم محدود کردن در یک چهارچوب است.

اتفاقاً رویکرد کتاب‌های جدید هنر هم همین است. به بچه‌ها آن‌قدر موضوع زیاد داده که آن‌ها خلاقیتشان شکوفا شود.

محمدی: یکی از علاقه‌مندان نقاشی خط خانم بهزادی هستند که اولین بار آمدند و مراحل نقاشی خط را در کارگاهی به‌صورت عملی برای سرگروه‌ها اجرا کردند و الآن هم در این میزگرد حضور دارند. کارگاه را برای سیزده تن سرگروه‌هایی که از مناطق استان آمده بودند برگزار کردیم. عده‌ای آشنا بودند و بعضی دیگر نه. همه این سرگروه‌ها تخصصی هستند و این شیوه جدید را یاد گرفتند و آن را گسترش دادند.

چند نفر سرگروه داریم؟ محمدی: ۱۳ نفر بودند.

درواقع، آذربایجان با این جمعیت و با حدود ۴۰ اداره فقط ۱۳ سرگروه هنر دارد.

محمدی: ۶ تا شان هم ۲ ساعت به‌عنوان سرگروه هستند نه ۶ ساعت.

خانم محمدی شما اظهار کردید که وضع هنر خیلی خوب است اتفاق خوبی هم افتاد و کتاب‌های هفتم، هشتم و نهم عوض شد. شما می‌فرمایید ۷-۸ سال است که سرگروه هنر هستید. می‌خواهم مقایسه‌ای بین کتاب‌های دوره قبل و کتاب‌های جدید انجام دهید. کاستی‌ها، موفقیت‌ها و مزایای این کتاب‌ها را به ما بگویید و بفرمایید اگر فرضاً مؤلف کتاب‌های هنر بودید، چه تغییراتی را در این کتاب‌ها ایجاد می‌کردید البته برای بهتر شدن.

محمدی: برای کتاب هفتم از نظر ما استفاده نکردند ولی در کتاب هشتم و نهم از نظراتی که داده و نظرسنجی‌هایی که کرده بودیم، آوردند. کتاب نهم عین آن چیزی است که ما

این شعر از شهریار بزرگوار است و من همیشه از آن لذت برده‌ام. لازم بود نشستنی با سرگروه هنر و دبیران استان آذربایجان شرقی داشته باشیم و همکاران نمایی از وضعیت آموزش درس هنر را ارائه دهند. خانم محمدی شما شروع بفرمایید.

محمدی: سرگروه هنر استان همیشه می‌گویم که خوش‌بینانه نگاه می‌کنم و دید منفی ندارم. به نظر من، هنر در استان ما جا افتاده، مخصوصاً در کتاب‌ها تحول خیلی خوبی صورت گرفته است. کتاب‌ها پربارتر شده‌اند. من شماره همکاران را داشتم و منتظر نمی‌شدم که بخشنامه برسد پیامک می‌زدم و اطلاع‌رسانی می‌کردم. در حوزه هنر در این یک سال احساس می‌کنم که همکاران خیلی خوب به یک رقابت سالم رسیده‌اند.

بفرمایید چه تجربه‌ها و چه عواملی شما را به این مرحله خوش‌بینانه رسانده‌اند. تا استان‌های دیگر همان‌طور عمل کنند و موفق شوند.

محمدی: در استان ما همکاران خوب و قوی وجود دارد. در حال حاضر، ۴۰ درصد دبیر تخصصی هنر داریم. علت موفقیت همکارانی که غیر تخصصی بودند این بود که در کنار دبیران هنر کار کردند. امسال کارها و نمایشگاه‌هایی که انجام شد خیلی پربار بود. نمایشگاه‌هایی از آثار دانش‌آموزانمان بود که همکاران نواحی انجام داده بودند. همین که دانش‌آموزان توانستند



علت موفقیت
همکارانی که
غیر تخصصی بودند
این بود که در کنار
دبیران هنر کار
کردند

معرض دید بچه‌ها قرار دهیم. از اینکه عبور کنیم چه مواردی دیگری قابل اشاره است؟

محمدی: به نظر من، معلم یا باید خیلی خوب تدریس کند یا باید کار عملی‌اش خیلی عالی باشد. بعضی از معلم‌ها خیلی خوب می‌توانند با بیان تدریس کنند و کار عملی‌شان خوب نیست و برعکس.

آیا شما این‌ها را شناسایی کرده‌اید که در کلاس‌های ضمن خدمت برایشان کلاس بگذارید و به آن‌ها آموزش دهید؟

محمدی: ما تقریباً هر سال ۹ تا ۱۵ کلاس می‌توانیم برای بازرسی برویم. من در جایی به کلاسی رفته بودم از دانش‌آموزان که پرسیدم، گفتند که معلم ما فقط هنر خاصی مانند خط یا نقاشی را تدریس می‌کند. اکثر دبیران آقای استان خودمان اکثراً رشته‌ای خاص را تدریس می‌کنند و با بقیه رشته‌ها کاری ندارند. ما چند تا سی دی عملی به کسانی که در فضای مجازی نیستند تحویل دادیم که از روی آن‌ها به دانش‌آموزان سایر هنرها را نیز آموزش دهند. حق دانش‌آموزان است که در همه ابعاد بیشتر بدانند.

شما در دیدارهایی که داشتید به معلم هنری برخورد کردید که در روش‌های تدریس او ابتکار و ویژه‌ای دیده شود؟

محمدی: بعضی از همکارانمان هستند که ابتکاراتی دارند.

در کتاب تعداد هنرها زیاد است و وقت هم دو ساعت است. البته قبلاً کمتر بود. سؤال این است که باید این را واگذار کنیم به دبیر هنر که اگر خوشنویسی بلد بود آن را تدریس کند یا طراحی بلد بود آن را درس بدهد و ... اقتضایی‌اش کنیم که نتیجه داشته باشد یا یک فرمول دیگر باید برایش در نظر بگیریم؟

محمدی: ما امسال به‌طور آزمایشی کار خوبی انجام دادیم. بین دبیران فراخوان نکردیم. طی جلسه‌ای که داشتیم، یکی می‌گوید من نقاشی‌ام خوب است یا دیگری می‌گوید من



گفته بودیم.

پس اگر شما بخواهید نمره‌ای به کتاب‌های درسی بدهید روند مثبتی دارد.

محمدی: به کتاب نهم امتیاز ۹۰ به بالا می‌دهم و به کتاب هشتم بین ۷۰ تا ۸۰، ولی طی بازرسی‌هایی که من می‌روم، با مقایسه پیشنهادهای معلمان درمی‌یابم که آن‌ها اغلب در پایه هفتم مشکل دارند.

مشکل چیست؟

محمدی: مشکل برمی‌گردد به کار عملی بیشتر.

به نظر شما که هم در کلاس کار تدریس همکاران را می‌بینید و هم باز خورد بچه‌ها را، یک دبیر هنر در تراز نظام تعلیم و تربیت هنری باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

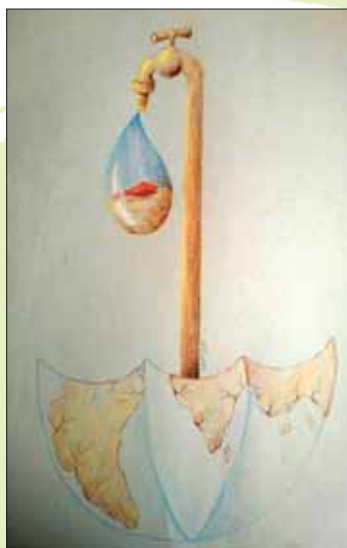
محمدی: به نظرم در این عصری که هستیم معلم هنر باید به‌روز باشد؛ وبگردی داشته باشد؛ نه اینکه چیزی یاد بگیرد همین که یک نگاه گذرا ببیند. مطمئناً خلاقیت‌هایی را در خود دارد و این نگاه کردن‌ها به آثار هنری به او جهت می‌دهد. اگر معلم تخصصی هنر نباشد و غیر تخصصی هم باشد یک نگاهی به اینترنت ببیند تا اطلاعاتی کسب کند. من اول کلاس همیشه یک سری عکس در مورد موضوع نشان می‌دهم. می‌بینم دانش‌آموزان بدون اینکه کپی‌برداری شود جهت می‌گیرند. این کار را هم معلم تخصصی می‌تواند انجام دهد هم معلم غیر تخصصی.

باید به‌عنوان یک دبیر هنر تا جایی که ممکن است آثار هنری دست اول را در

امسال کارها و نمایشگاه‌هایی که انجام شد خیلی پر بار بود. نمایشگاه‌هایی از آثار دانش‌آموزانمان بود که همکاران نواحی انجام داده بودند. همین که دانش‌آموزان توانستند از چارچوب و کادر خارج شوند، تحولی مهم است



نمایشگاه آثار هنری
دانش آموزان - تبریز ۹۵



پوستر با موضوع آب

فضای کلاس هستند. ما چه کنیم که این لذت تسری پیدا کند؟

بهبودی: در عین حفظ حریم باید روابط هر چه دوستانه‌تر و صمیمی‌تر باشد. من وقتی به کلاس می‌روم، می‌گویم بچه‌ها ما قرار است با هم کار کنیم و آن چیزهایی را که تازگی دارد و من هم نمی‌دانم، به من بگویید. این باعث می‌شود بچه‌ها بروند روش‌های جدید و خلاقانه‌تری را یاد بگیرند و جلسه بعد سر کلاس من از آن‌ها یاد بگیرم و این باعث تشویق بشود.

یعنی شما می‌خواهید بفرمایید بچه‌ها از یک معلم محبوب بیشتر یاد می‌گیرند و این فرصتی هم که فضای مجازی به ما داده است، می‌تواند در تقویت این رابطه فی‌مابین کمک کند.

بهبودی: بله، من برای مدرسه یک کانال زده‌ام؛ برای بچه‌های هفتم که اگر فراخوانی باشد بچه‌ها می‌بینند و شرکت می‌کنند. کارهایی که قرار است من نظر بدهم، بچه‌ها برابرم می‌فرستند و من ایراد کارشان را می‌گویم.

با توجه به اینکه شما الان پایه‌های هفتم و هشتم و نهم را تدریس می‌کنید، محتوای این پایه‌ها تا چه حد با نیازها هماهنگ است؟

بهبودی: الان خیلی بهتر شده است. به خاطر تنوع کار از کلیشه‌ای بودن درآمده. البته کمی هم این تنوع اشکال است.

اگر این تنوع کم شود که همکاران باز اشکال می‌گیرند.

بهبودی: بیایم گزینش کنیم و یکی دو تا را اول کار انتخاب کنیم. در پایه هفتم من با یک سری گلیم و با یک سری طراحی سنتی کار می‌کنم. ما پایه‌های هشتم و نهم هم داریم که خیلی بچه‌ها راغب بودند طراحی سنتی کار کنند و سال هشتم و نهم نقاشی خط کار کردیم.

پس فرمولی که شما بر اساس آن کار می‌کنید، مبتنی بر علایق بچه‌هاست. موفق باشید.
آقای محمدی، خودتان را معرفی کنید

خطیم خوب است و غیره. قرار شد یکی از روزها مثلاً خانم بهزادی بیاید آن رشته‌ای را که خوب تدریس می‌کند، در مدرسه من تدریس کند. این خیلی خوب شد.

در واقع، در استان شما از ظرفیت‌های هنری همکاران به این صورت می‌خواهد استفاده شود.

بهبودی: من بهزادی هستم، کاردان هنرهای تجسمی و کارشناس رشته گرافیک از تبریز و دانشجوی رشته باستان‌شناسی در دوره ارشد.

خانم بهزادی شما الان به صورت موظف دارید هنر درس می‌دهید از تجربه‌های عینی‌تان برای ما بگویید. اگر بخواهید از موفقیت‌های هنری‌تان و از موفقیت‌های تدریس با بچه‌ها بگویید، از یک تا سه به کدام‌ها اشاره می‌کنید؟

بهبودی: یکی از مدارسی که بودم مدرسه نمونه دولتی است. در مدارس خاص به هنر توجه خاصی نشان داده نمی‌شود. بیشتر، ریاضی و درس‌های دیگر حائز اهمیت است ولی در این مدرسه که درس می‌دهم، همکاران می‌گویند بچه‌ها درس هنر را حتی واجب‌تر از درس ریاضی می‌دانند. می‌گویند مثلاً دانش آموز سر کلاس ریاضی دارد تکلیف هنر انجام می‌دهد و می‌گوید من سر کلاس خانم بهزادی نمی‌توانم بدون تکلیف بروم. شاید هم به خاطر نمره است و هم علاقه‌ای که در بچه‌ها ایجاد شده است. فضای کلاس خیلی کوچک است و من مجبور می‌شوم بچه‌ها را به دو گروه تقسیم کنم: یک گروه را به کارگاه ببرم و گروه دیگر در کلاس باشند و به دو گروه درس بدهم. با رنگ‌روغن یا گواش و هر چیزی که دم دستشان است، می‌گویم چاپ شیشه انجام دهند. چاپ شیشه هم به این صورت است که تصویر را روی شیشه می‌گذاریم. با رنگ‌روغن دورگیری می‌کنیم و بعد کاغذ را روی آن می‌گذاریم و خط خط می‌کشیم. تصویر روی کاغذ چاپ می‌شود. موادش رنگ‌روغن و گواش است ولی رنگ‌روغن بهتر جواب می‌دهد.

خانم بهزادی بچه‌ها وقتی احساس می‌کنند کلاس هنر لذت‌بخش است، وقتی درگیر کار می‌شوند انگار نه انگار در

✽ **محمدی** ✽: خیلی پیشنهاد دادیم.

✽ **موسوی** ✽: کلاس بزرگی داشتیم و کسی آنجا نمی‌رفت. من آمدم آنجا را کارگاه کردم. بچه‌ها را برای کار با گل به آنجا می‌بردم.

می‌خواهم ببینم بچه‌ها چه احساسی دارند وقتی گل را می‌بینند و با کار هنری در گل روح می‌دمند؟

✽ **موسوی** ✽: به بچه‌ها می‌گفتم که همین کار با گل را تا آخر سال ادامه دهید.

مراحل کار با سفال را توضیح دهید.

✽ **موسوی** ✽: من با دست چیزها را درست می‌کردم؛ حدود سه یا چهار جلسه در ماه. کار آماده را می‌خریدم و نقاشی روی سفال انجام می‌دادیم. فیلم آموزشی سفال هم برایشان پخش می‌کردیم. البته در روستا این‌طوری نمی‌شد.

نقاشی روی سفال را با چه ماده‌ای زیرسازی می‌کردید؟ روی گل کار می‌کردید؟

✽ **موسوی** ✽: با لعاب. بیشتر بچه‌ها بیرون کلاس رفتند و ادامه دادند.

بفرمایید مشکلات درس هنر چیست؟

✽ **موسوی** ✽: بچه‌ها با بخش گلیم زیاد ارتباط برقرار نمی‌کنند. البته در روستاها این علاقه هست. در شهر بیشتر به موسیقی اهمیت می‌دهند. در پسرها این‌طوری است. بحث انگیزه را می‌خواستم مطرح کنم که دانش‌آموزان تا می‌بینند انگیزه‌ای نیست به سراغ آن درس نمی‌روند اما در مدرسه ما سفال‌سازی خیلی طرفدار دارد. مخصوصاً در پایه‌های هفتم و هشتم.

برای اینکه یک کلاس هنر پر بارتر شود چه پیشنهادی دارید؟

✽ **موسوی** ✽: وجود کارگاه هنر ضرورت است.

یعنی همان‌طور که برای درس حرفه‌وفن و علوم کارگاه داریم، برای هنر هم کارگاه داشته باشیم. باید یک طرح جدی داشته

و بگویید که وضعیت هنر در دیار تبریز چگونه است. آیا تا حدی می‌توانیم مدعی شویم که در قالب برنامه درسی اهداف این درس تحقق پیدا کرده است؟

✽ **محمدی** ✽: بنده حسن محمدی و فوق‌دیپلم هنرهای تجسمی هستم. من با تربیت‌معلم حدود ۱۸، ۱۹ سال است که سابقه کاری دارم. بر این اساس، شاهد تحول آموزش و پرورش بوده‌ایم. خودم ایده‌ای داشتم که بتوانم بحث هنر راهنمایی را به سمت IT ببرم. به این خیلی علاقه‌مند بودم. آموزش هنر در اینجا مسئله بود. کاری که کردم این بود که با کمک خانم محمدی آمدم نرم‌افزاری درست کردیم که این نرم‌افزار ماحصلش این شد که با شبکه ملی رشد قرارداد بستیم. این تولید را به‌عنوان قرارداد به آن‌ها دادیم. این اولین نرم‌افزار هنر طراحی در ایران بود. قبلاً معلم مجبور بود بیاید همه بحث‌ها را به‌صورت عملی در کلاس توضیح دهد و عملی توضیح دادن مؤثر نبود. الان از طریق ویدئو پروژکتور می‌تواند نمونه‌هایی را ارائه دهد.

آقای موسوی لطفاً خودتان را معرفی کنید.

✽ **موسوی** ✽: میرداود موسوی هستم دبیر هنر ناحیه ۴ تبریز.

شما در حال حاضر چند ساعت تدریس دارید؟

✽ **موسوی** ✽: ۳۶ ساعت در هفته هنر تدریس می‌کنم.

چند شاگرد در هر کلاس دارید؟

✽ **موسوی** ✽: ۴۵۰ دانش‌آموز در ۱۹ کلاس. پایه‌های هفتم و هشتم را دارم که هر کلاسی حدوداً ۳۰ نفرند.

آقای موسوی، هنر مورد علاقه خود شما چیست؟

✽ **موسوی** ✽: سفال.

خانم محمدی در مدارس کارگاه هنر دارید؟ شما به‌عنوان سرگروه تأسیس کارگاه را در مدارس پیشنهاد داده‌اید؟



اثر هنری دانش‌آموزان



پوستر با موضوع آب

قبلاً معلم مجبور بود بیاید همه بحث‌ها را به‌صورت عملی در کلاس توضیح دهد و عملی توضیح دادن مؤثر نبود الان از طریق ویدئو پروژکتور می‌تواند نمونه‌هایی را ارائه دهد



من وقتی به کلاس
می‌روم، می‌گویم
بچه‌ها ما قرار است
با هم کار کنیم و
آن چیزهایی را که
تازگی دارد و من
هم نمی‌دانم، به من
بگویید

مثلاً سفال را پیش‌تر ببریم یا اگر بحث
شعر هم هست کسی خانه‌ی استاد شهریار
و آن دست‌نوشته‌ها را در آنجا ببیند، چه
تأثیری بر انبساط هنری‌اش دارد تا کسی
که اصلاً این‌ها را درک نکرده است؟

✿ **موسوی** ✿: بازدید هنری از موزه داشته‌ایم
که در نگرش بچه‌ها مؤثر بوده است. باید در بحث
هنر بازدیدهای هنری زیاد داشته باشیم. مشکل
مجوز از یک طرف و مشکل مالی از طرف دیگر
است. با بیشتر مدیران که صحبت می‌کنیم،
معتقدند که به جهت مالی در مضیقه‌ایم. یکی
دو تا مینی‌بوس می‌گیریم و بچه‌ها را می‌بریم
بازدید می‌کنند. اگر بتوانیم بازدید هنری را در
مدارس پیاده کنیم خیلی خوب است.

✿ **بهزادی** ✿: من اول در کلاس شغل پدر
بچه‌ها را می‌پرسم. قبلاً یکی آژانس داشت. به او
گفتم بچه‌ها مسئول تبلیغ آژانس شما می‌شوند.
شما هم هزینه بازدید این‌ها را تقبل کنید. این
کار را کردند و حتی دو تا مدیر خانم از میراث
فرهنگی همراه ما فرستادند به‌طور تخصصی و
حتی اتوبوس‌هایی را آوردند برای مناطقی که
نمی‌شد با ماشین رفت. الان چهار سال است
که با این آژانس کار می‌کنم. پیشنهادی که
به ذهن من می‌رسد این است که در مدارس
که بزرگ‌تر هستند، کارگاه هنر داشته باشیم و
تجهیزات آنجا کامل باشد تا بچه‌ها به‌صورت
دوره‌ای از آن استفاده کنند. این طرحی بود که
من چند سال قبل دادم و روی آن کار شد ولی
متأسفانه به دلایلی تحقق پیدا نکرد.

از حضور شما و مطالب خوبی که بیان شد
تشکر می‌کنم.

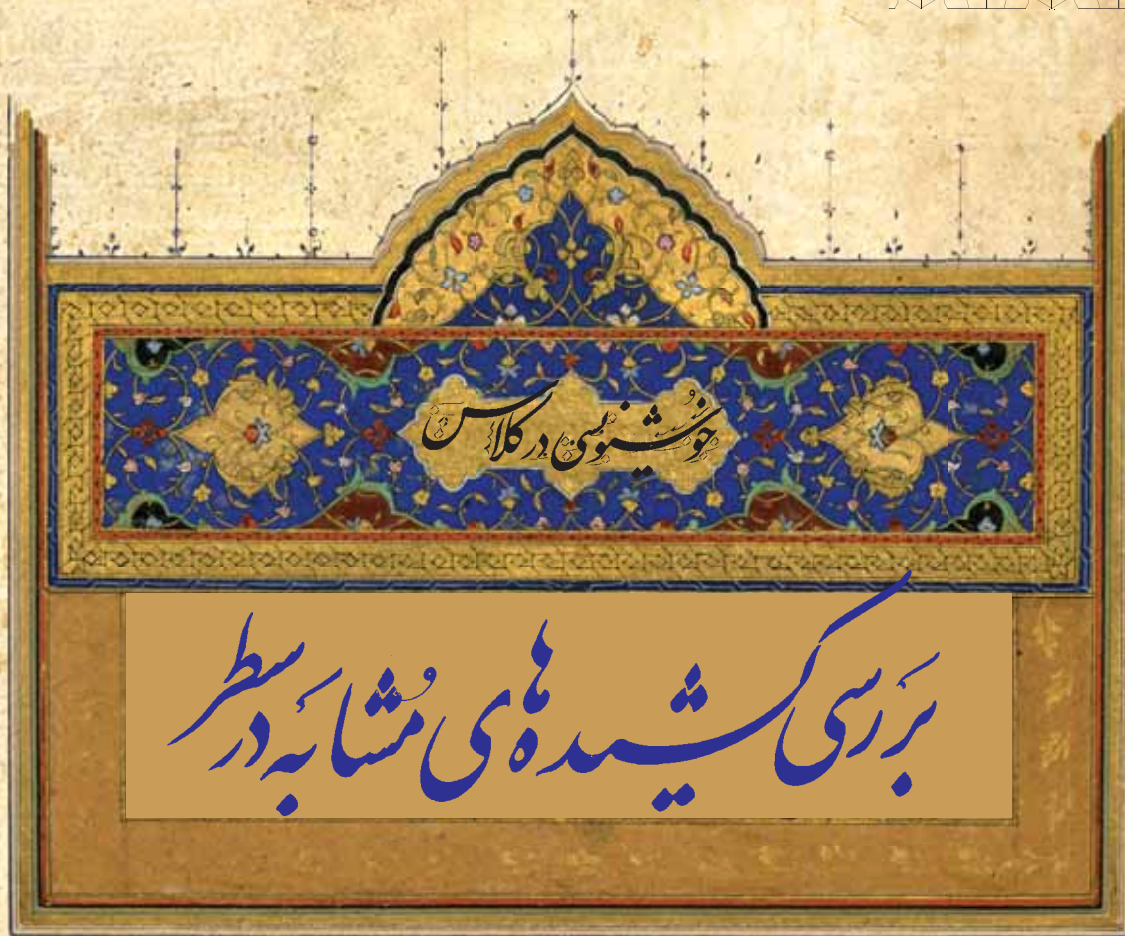
باشیم. با ایجاد کارگاه هنر در مدارس
هم دانش‌آموزان و هم خانواده‌ها هنر
را جدی‌تر می‌گیرند. خانم محمدی،
بفرمایید چرا نمایشگاه و کارهای عملی که
باعث شکوفایی بچه‌هاست، در تقویم کاری
و برنامه دبیران هنر گنجانده نمی‌شود؟
شما هر جا که می‌روید لازم است
تدریس را ببینید و بعد هم نمایشگاهی
که مدرسه از آثار هنری برقرار می‌کند
چرا؟ چون وقتی این نمایشگاه برقرار
می‌شود و خانواده‌ها می‌آیند و تأثیر
کار را می‌بینند، مدیر مدرسه هم همراه
می‌شود یک دبیر هنر خوب در سایه یک
مدیر مدرسه خوب می‌تواند فرایند درس
هنر را جلو ببرد. شما در این قسمت چه
برنامه‌ای دارید؟ چه کار می‌خواهید انجام
دهید؟

✿ **محمدی** ✿: بعضی مواقع می‌بینم که
مدیر خودش شرایط نمایشگاه را فراهم کرده و
وسایل را در اختیار معلم قرار داده است. چرا که
هر نمایشگاه نیازمند یک‌سری وسایل است.
حالا آن مدیرهایی که من دیدم خوشبختانه با
همکارانمان همراه بودند.

هنر یک نهاد است و در هر منطقه‌ای
رنگ و بوی آنجا را هم می‌گیرد. سؤال
این است که هنر و تعلیم و تربیت هنری
در آذربایجان چه ویژگی‌هایی دارد؟

✿ **بهزادی** ✿: در مورد سفال که من مطالعه
کردم وقتی بچه‌ها آثار سفالی دوره باستان و
تصاویری را که متعلق به همین منطقه بوده است
دیدند، همان‌جا ویژگی‌های تصاویر را یادداشت
کردند. سفال را به‌خاطر این علاقه با آن‌ها کار
کردم. کسانی که در قسمت آوایی کار می‌کنند،
با اهل موسیقی منطقه خودمان آشنا می‌شوند
و از آن‌ها استفاده می‌کنند و حتی لباس‌ها و
رنگ‌هایی را که هست، در هنر منطقه خودشان
می‌شناسند.

این‌طور استنباط می‌کنم که سرمایه
هنری محلی، حال چه آوایی باشد
چه سفال و چه فرش و گلیم، در واقع
تسریع‌کننده‌ای برای فرایند هنری است.
این چه قدر اهمیت دارد؟ اینکه کسی
نسبت به این موضوع حساس بوده که



کاوه تیموری

مقدمه

جاذبه‌دار کردن تدریس هنر در کلاس درس نیازمند استفاده از ظرفیت‌های بیش از کتاب درسی است. در بررسی نمونه موردی، هنر خوشنویسی، توجه به ساختار و آناتومی سرمشق‌های خوشنویسی یکی از این ظرفیت‌هاست. معلم هنر ناگزیر است دروس خوشنویسی را با استفاده از موقعیت کلمات، چه به لحاظ ظاهر و چه به لحاظ معنا، به شکل زیباپسندانه‌ای در کلاس به بحث گذارد. خوشبختانه، درون‌مایه شعر فارسی فرصت‌های درخور توجهی از این نوع برای علاقه‌مندان به ارمغان می‌آورد. در این نوشتار، موضوع «کشیده‌های مشابه در سطر و دوسطری» به بحث گذاشته شده است. این نوع نگاه و بهره‌گیری معلم از آن در فرایند تدریس توجه ویژه دانش‌آموزان را دارد. بدیهی است هر دانش‌آموزی با تشویق معلم هنر می‌تواند در قالب پژوهش هنری این روش را توسعه دهد. خود معلمان عزیز هنر نیز می‌توانند با ارائه جذاب این موارد دریچه‌های تازه‌ای به موضوع باز کنند و از این طریق، ظرفیت‌های مشابه را شناسایی کنند و در تدریس به کار گیرند.

کلیدواژه‌ها: کشیده، کشیده‌های مشابه، ظرفیت زیبایی‌شناختی کشیده‌ها، کاربرد در آموزش خط.

کشیده‌های مشابه در سطر

از مزیت‌های زیبایی‌شناختی خط نستعلیق، تکرار کشیده‌های مشابه در سطر است. آوردن دو یا سه کشیده مشابه، آهنگ نرم و دل‌نشینی به وجود می‌آورد که رقص سبک‌بال حروف و کلمات را تداعی می‌کند. در شعر فارسی بعضی مصرع‌ها وجود دارد که ظرفیت زیبایی‌شناختی خاصی برای اجرای کشیده‌های مشابه دارند. البته وقتی مصرعی به‌تنهایی دارای دو یا چند کشیده مشابه و نیز معنی مستقل باشد، زیبایی صورت و معنا به بیشترین میزان ممکن در آن تحقق می‌یابد. بنابراین، لازم است معلمان و مدرسان خط برای یافتن و اجرای چنین مصرع‌هایی اهتمام کنند. به بحث گذاشتن این گونه مصرع‌ها می‌تواند ذائقه علاقه‌مندان خط را به‌خوبی تلطیف کند. توجه دادن به این بخش از ظرفیت زیبایی‌شناسانه خط عاملی برای علاقه‌مند کردن هنرآموزان و همچنین یافتن نمونه‌های مشابه است.

با ذکر این ویژگی به شکل عملی و نظری می‌توان مواردی چون توازن، تعادل، تقارن، ریتم و حرکت را به‌عنوان مؤلفه‌های بصری در خط بررسی کرد. در واقع، توسعه قلمرو بصری هنرجویان خط و رشته‌های تجسمی، به‌ویژه گرافیک، از راه بررسی و واکاوی این نمونه‌ها میسر است. به همین سان، تمرکز هنرجو بر اجرای کشیده‌ها و دست‌ورزی مناسب می‌تواند توانایی نگارش و قوت قلم را در اجراهای مشابه تقویت کند.

در حین نگارش، نکته‌ای که جاذبه را دوچندان می‌کند حالت پیش‌بینی‌ناپذیری ترکیب نهایی سطر بعد از نوشتن است. زیرا با استفاده از این نوع سرمشق‌ها نوشته صاحب‌چیدمان‌های تازه و بدیع می‌شود که لذت خوشنویسی را مضاعف می‌کند. اجرای این روش در کلاس، راه را برای تلطیف حس زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان و هنرجویان به‌طور ویژه فراهم می‌سازد. بررسی انواع کشیده‌های تخت، کمائی، صعودی و نزولی نیز دامنه بحث را گسترش می‌دهد و با ایجاد تنوع و تفاوت در نوشته‌ها، علاقه‌مندان را در دایره موضوع به جست‌وجو و تلاش ذهنی بیشتر رهنمون می‌شود. ظرفیت کشیده‌های مشابه به‌گونه‌ای است که راه را برای رسیدن به قطعه‌نویسی نیز هموار می‌کند. برخی از سطرها به سبب وجود کشیده‌های خاص و همچنین حروف و کلمات ماقبل و مابعد، زمینه را برای شکل‌گیری سطرهای خاص خود قابلیت قطع هنری شدن را داراست، فراهم می‌کنند. در اینجا چند نمونه از اجرای سرمشق‌هایی را که واجد ویژگی ذکرشده‌اند، می‌آوریم که هم فرصتی برای تمرین فراهم گردد و هم از زاویه کندوکاو بیشتر، علاقه‌مندان به یافتن نمونه‌های دل‌نشین و چشم‌انداز دیگر رهنمون شوند. تلاش بر این بوده است که نمونه‌ها از مصرع‌های ساده آغاز شوند و به مصرع‌های دشوار و دوسطری ختم گردند. بر این نکته تأکید می‌شود هر خوشنویسی می‌تواند روایت خوشنویسی خود را با این سرمشق‌ها اجرا کند.

۱- کشیده‌های مشابه کمائی

در نمونه‌هایی که از این کشیده‌ها ارائه شده، سادگی و راحتی نگارش مورد نظر بوده است. تمرین این نوع کشیده‌ها بهترین روش برای آماده‌سازی دست می‌باشد. هر نمونه، با کمان کشیده آغاز می‌شود و با نزول دنباله کشیده پایان می‌یابد. تکرار این کشیده‌ها قوت قلم و بالا رفتن توان دست را در تکرارهای مشابه به دنبال دارد. در اینجا، چند نمونه از اجراهای انجام‌شده را مرور می‌کنیم:

قلم‌پی‌سرتن‌بی‌سربود

بزرگان شمره جرئان بکنند

هر چه پیریایی بجایان سر بانم

خریدار گوشت بود گوشتی

هر کوی پستو دار و پروای پندار

فعالیت: با راهنمایی معلم هنر دانش آموزان مصرع‌های مشابه را پیدا و اجرا کنند.
سرمشق‌هایی که دارای کشیده‌های کمائی نزولی هستند این ظرفیت را دارند که آرام آرام تنوع اصل ترکیب را به نمایش گذارند. در اینجا چند نمونه را با رعایت سیر منطقی آسان به پیچیده می‌آوریم:

خواهی که سپهر بجای بود سپهر گاه

ای دل نمونی سری که برای تو

بہ ام عرب ہنزل من و صد الٰہ

کہ کوہ کے تھو قد رتو کوہ کے نہ

فرح خاطر من خاطر شہر شہ

ہنہ خیرین ورم روزگار نابہ

رضای خاطر من رضای خاطر

رنج بہر تبارے بے گنج مزہ

رُوی در رُوی و نکه در نکه و چشم به چشم

دائم از ناخن سر صاحب سرخون میخورد

من از تو سوم یقین تو از من بسوی

باری اکنون بار شیرین خور که شیرین کاشتی

بسکنید میل بی جنبه سر

فعالیت: معلم هنر مصرع مشابهی را در کلاس و به عنوان قطعه خوشنویسی برای دانش آموزان اجرا کند.

۲- کشیده‌های مشابه کمانی با صعود کوتاه

در این کشیده‌ها کلمات مورد نظر با برگشت به طرف بالا، حالت صعودی محدودی به خود می‌گیرند. نمونه‌هایی از این مصرع‌هایی که دارای این کشیده‌ها می‌باشند در اینجا مرور شده است:

دارم مُسید که به مُسیدم هم

جُشید آبها و خروشد باد

به مُسیدم به مُسیدم به

هر که بدی کرد و بدی رسد

فعالیت: دانش‌آموزان با راهنمایی معلم و با مشارکت یکدیگر مصرع‌های مشابه را پیدا و تحریر کنند.

۳- کشیده‌های مشابه صعودی

در این دسته از کشیده‌ها، کمان کشیده بعد از اجرای در انتها به طرف بالا صعود می‌کند. چرخش دست و قلم‌گردانی با تسلط قابل قبول، شرط نگارش این دسته از کشیده‌هاست. در نمونه‌های ارائه‌شده، ضمن آوردن کشیده‌های کمانی با تنوع انواع کشیده‌ها نیز روبه‌رو می‌شویم. وجود این تنوع در نمونه‌ها موجب افزایش گنجینه نمونه‌ها می‌شود که برای هنرجویان لازم و ضروری است. ویژگی دیگری نیز از منظر زیبایی‌شناسی در سرمشق‌های دارای کشیده‌های مشابه وجود دارد. در این سرمشق‌ها به اعتبار همین کشیده‌ها می‌توان کرسی‌های تازه در سطر ایجاد کرد. این سرمشق‌ها بنا بر تمایل طبیعی به انتهای سطر صعود دارند و همین نکته به ایجاد کرسی‌های تازه و فضاها و ترکیبات نو می‌انجامد. ویژگی این سرمشق با سیر صعودی در انتهای آن این است که دست و ذهن خوشنویس و هنرجو را از همان ابتدا برای ترکیب‌بندی‌های خوشنویس‌انه آماده می‌کند.

هرچه از زیبارسد زیبا بود

چون شومی یسب آبان یسباری

آیا شکب او محب ایم

لزان به سپان ماه و نعران به سپان ماهی

چه نوید آشنای چه نوای آشنایی

بسرکوی نوشاد آید و ناشاد و

پادشاه بنابر محبت نیست

ابرکتشاده باش خودت گشتی دست

بسیار سپان که ناکسند

به رهنار آمدم رهنار جانما

۴- کشیده‌های مشابه و دایره‌دار

در این دسته از سرمشق‌ها، بیننده کشیده‌های مشابه دایره‌دار را ملاحظه می‌کند. به خاطر پرهندسه بودن این دسته از کشیده‌ها اهتمام و راهنمایی بیشتر معلم و مدرس کلاس ضروری است. در این قسمت، چند سرمشق ویژه نیز دیده می‌شود که کشیده‌های مشابه بیشتری دارند. در واقع با هر کدام از این سرمشق‌ها با توجه به ظرفیتشان می‌توان به هنرنمایی بیشتری در خط نستعلیق پرداخت.

ای رشتن بو حورچین جان

ماه دانش پوه دانش دوست

درفه بستن بان بست

بنوش و بنوش و بنوش و بنوش

۵- کشیده‌های مشابه در دوسطری

در شماری از سرمشق‌های دوسطری، تکرار کشیده‌های مشابه مؤلفه‌ها و اصول زیبایی‌شناسی را بیشتر و بهتر تداعی می‌کنند. تکرار دو یا سه کلمه مشابه در سطر، ریتم و هماهنگی در خور توجهی ایجاد می‌کند. این نکته در ذهن بینندگان و علاقه‌مندان خط حسّ خوشایندی را شکل می‌دهد. در این قسمت، چند نمونه ارائه شده است.

مراهم‌سرها آید بخاطر یاد آرا
بخاطر یاد آرا آید مراهم‌سرها آید

من جنبادیدم و منا کردم
تو و منادیدی و جنبادیدی

ندا نم این جنبان یا آن جنبان
ولی داعم که هم این و هم آن

چه جای بوستان بی‌بوستان
که باغ و بوستان با دوستان

فعالیت: دانش‌آموزان دوسطری زیر را با راهنمایی معلم هنر تحریر و اجرا کنند.
به راستی که ترا سرو راستان دانم
به دوستی که تو سر خیل دوستان منی
در ادامه همین نوشتار، برای ایجاد تنوع و به کار بستن نگاه متفاوت دو نوع سرمشق به شکل محدود ارائه می‌شود.

الف - تکرار کلمه مشابه در ابتدا و انتهای سرمشق؛
مرور این سرمشق‌ها در کلاس می‌تواند ذوق‌ورزی هنرجویان و دانش‌آموزان را تلطیف کند. در این سرمشق‌ها علاوه بر کشیده مشابه دو کلمه ابتدا و انتها نیز مشابه است.

کو برینما بهتر از برینمای کو

درودم نرستی نرستم درو

غم از شادی براید شادی از غم

غزال و ار می‌دی لا می‌دی غزال

بند چو این بنده کم‌فشانده

ب- حضور کشیده در انتهای سطر؛
در مواردی به سرمشق‌هایی برمی‌خوریم که تنها کلمه‌ای که در آن‌ها قابلیت کشیدن دارد، کلمه انتهایی است. در این حالت، سرمشق شکل خاص و تازه‌ای از آناتومی خط نستعلیق را به نمایش می‌گذارد. تعدادی از این سرمشق‌ها را مرور می‌کنیم.

از یار و دیار خود چه کوی؟
هر کوبه و خود خود دارد به پوریا
دل داده به لدا رول آزار تر از خویش
حاکم تویی در آمدن یروز و دوش
آن وز یاد باد که بودیم دوش
تو کو باران نیران در دایان

سر مشق به مثابه قطعه هنری

در این قسمت به بررسی سر مشق هایی می پردازیم که هر کدام با توجه به حضور کشیده های مشابه و گرفتن فرم صعودی می توانند قطعه هنری نستعلیق نیز به حساب آیند. نمونه هایی از این موارد را می آوریم. در عین حال تأکید اصلی این است که مدرّسان و معلمان هنر ابتکار و خلاقیت خود را در اجراهای مجدد و نمونه های مشابه به کار گیرند.

سلام ای آشیسان رویش

می شکوید شکوفه ها بشادان

بهل خوی لسیمان بایمان

بایست از روی سینگ خوی کوی

شکر نعمت شتو از نعمت بود

مہر تو خود بہت کمین یا چہ ہو بد تو

تہا توئی براے من و من برا تو

بادل اسل و نطس نطس

بہ چشمے غم بہ چشمے ناز و دند

دریا ہمیں رو یا رو یا ہمیں دریا

وزنوشیه سپهادر کوشیه

بخواندم به سبب و براندم به سبب

شیرا همپلودر خون پهلوان زانند

کرچه قحاحم چشم انبیا چشم است

جمع بندی

در این قسمت، تلاش بر این بود که نمایی از ظرفیت زیبایی شناختی خط نستعلیق در قالب کشیده های مشابه در سطر و دو سطری ارائه شود. استخراج این قانون مندی ها از دل اشعار، تمرینی برای ورزیده شدن توانایی بصری هنرجویان و دانش آموزان است. این ظرفیت با توجه به دریای اشعار فارسی نامتناهی است. ورود دانش آموزان به این عرصه و در قالب پژوهش هنری امری ارزشمند و اثرگذار است. در پایان، از هنرجویان بخواهید سطرهایی را با ویژگی سرمشق های ارائه شده بیابند و پس از خوشنویسی، از آن ها در نمایشگاه مدرسه استفاده کنید.



عکاسی در سفر

مهرساقبایی



تکالیفتان را انجام دهید

۰۲

قبل از سفر به خوبی درباره مقصودتان جست‌وجو و تحقیق کنید و ارزش‌های بالقوه عکاسی در آن محل را بررسی کنید. یک جست‌وجوی اینترنتی ساده و یا تحقیق از سایت‌های محلی آن منطقه کمک بزرگی به تصویرگردی و تصویررایی شما می‌کند. هر چه بیشتر برای تحقیقات اولیه وقت صرف کنید، در محل سفر کمتر دچار اتلاف وقت می‌شوید.

سفر و تعطیلات

۰۱

از تعطیلات خانوادگی تا ماجراجویی‌های جهانی همه سفرهای ما می‌توانند سرشار از موضوعات جذاب، هیجان‌انگیز و گاهی فوق‌العاده باشند. در این مقاله درباره چگونگی این نوع عکاسی صحبت می‌کنیم.

بهترین موقع روز

۰۳

ساعات اولیه صبح بهترین زمان برای عکاسی است نه فقط به دلیل اینکه کیفیت نور محل بهترین است بلکه به دلیل اینکه کمترین جمعیت مسافران و گردشگران را دارد.





عکاسی از بناهای مشهور

۵۵

بناهای مشهور مثل برج ایفل، تاج محل یا سی و سه پل میلیون ها بار در عکس ها دیده شده اند. بنابراین، اگر قصد دارید از این بناها عکاسی کنید، بهتر است به دنبال زاویه دید جدید و منحصر به فرد خودتان باشید. در ساعات ابتدایی یا پایانی روز که معمولاً خلوت ترین ساعات روز است به محل بروید. زاویه دید غیر معمول دور بینتان را امتحان کنید. از لنزهای واید و تله قوی استفاده کنید، پانوراما بگیرید و ...



از کلیشه ها دوری کنید

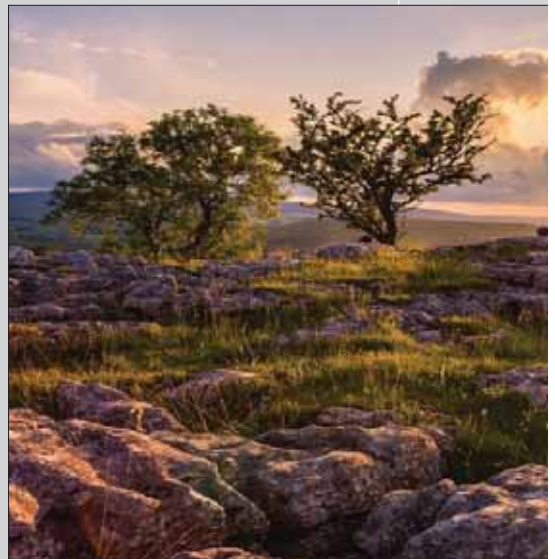
۵۸

شاید کار سختی باشد که اسیر کلیشه ها نشوید؛ زیرا آنان در هر گوشه محیط های معروف خود را به رخ می کشند. اگر چه می توانید در شروع کارتان از همه آنچه درباره آن شنیده اید عکاسی کنید و سپس، روی خلق تصاویر ویژه تر متمرکز شوید.

دور از محل های معروف

۵۶

مسیر عکاسی خود را صرفاً در محیط های آشنا که همه گردشگران می شناسند قرار ندهید. کمی دور تر بروید و از مناظر بدیعی که روح آن محل را نمایان می کنند عکاسی کنید. اگر جست و جو کنید حتماً چیزهای جدیدی کشف می کنید.



تسخیر جزئیات نمادین

۵۷

گاهی نشان دادن جزئی کوچک از یک محیط، چنان گویا و توصیف کننده است که می تواند به اندازه یک منظره با جزئیات فراوان حرف برای گفتن داشته باشد. آن ها اغلب جالب تر و چشمگیرتر از مناظر شلوغ و پر از جزئیات اند.



کم، زیاد است

۵۴

هنگام سفر همه چیز جدید، هیجان انگیز و متفاوت به نظر می رسد. به همین دلیل، همه مناظر شما را وسوسه می کند تا دور بینتان را مدام به کار بگیرید. نتیجه چنین کاری در نهایت ناامید کننده خواهد بود. پس در برابر این وسوسه مقاومت کنید و پیش از گرفتن هر فریم خوب فکر کنید.

قرار دادن مردم در

تصویر

۱۰

در مناطق غیر شهری معمولاً

مردم محلی و بومی بیش

از ساختمان‌ها در دید عکاسان قرار

می‌گیرند. این شرایط امکان خوبی برای

عکاسی فراهم می‌کند. پس، از این فرصت

استفاده کنید. برای این کار می‌توانید

از مردم اجازه بگیرید و گاهی هم فقط

لحظه‌ها را شکار کنید. نحوه پاسخ‌گویی

مردم به سؤال شما خود دنیای دیگری

است.



زوایای متفاوت

۰۹

عکاسان این بازار تا حد امکان همه زوایای ممکن

از یک سوژه را عکاسی می‌کنند تا بیشترین زوایای

عکاسی را برای عرضه یک موضوع داشته باشند.

به دلیل اینکه حتی کمترین تغییر در ترکیب‌بندی‌ها می‌توانند

اشتیاق بیشتری را در خریداران عکس برانگیزد و بیشترین

نزدیکی را به خواسته سفارش‌دهنده پیدا کند.

عمودی و افقی

۱۲

حتماً سعی کنید یک موضوع

واحد را در ابعاد و کادرهای

متفاوت قرار دهید؛ برای مثال،

کپی‌های متعددی از یک عکس تهیه کنید و

آن‌ها را در قالب‌های مختلف عمودی، افقی،

پانوراما، مربع و ... ارائه دهید. به این ترتیب،

عکس‌ها را برای بازار بزرگ‌تری آماده

کرده‌اید.



تصاویر برای بازار فروش

۱۱

در دنیای دیجیتال امروز بازار و

صنعت عکاسی بیش از پیش در

اختیار عکاسان آماتور قرار گرفته

است اما در هر حال، کیفیت عکس باید از

استانداردهای کافی برخوردار باشد. عکس‌ها

باید کاملاً واضح باشند، ترکیب‌بندی زیبا داشته

باشند، مشکل نور نداشته باشند، قابلیت فروش

داشته باشند و حداقل مگاپیکسل باشند.





آماده برای کادره شدن

۱۳

اگرچه ترکیب‌بندی محکم و قاعده‌مند باید در عکاسی هدف باشد، می‌توانید برای بازار فروش ترکیب‌بندی تصویر را کمی بزرگ‌تر بگیرید تا خریدار بتواند بنابر ضرورت کار خود آن‌ها را برش بزند؛ بدون آنکه هدف و معنی عکس از آن جدا شود.



ترکیب‌بندی‌های خلاق

داشته باشید

۱۴

سابق بر این، بازار عکس بسیار سنتی و یکنواخت بود اما امروزه تقاضاها بسیار متفاوت است. خریداران این نوع عکس‌ها بیشتر به دنبال عکس‌های اصیل و خلاق هستند که به‌خوبی معرف سلیقه هنرمندان باشد.



فضای عکس

۱۶

موفق‌ترین عکس‌هایی که از مناظر تهیه می‌شوند عکس‌هایی هستند با حال و هوای خاص؛ نظیر تصاویر دریاچه‌ها در هنگام غروب یا طلوع به‌ویژه در نورهای گرم یا سرد، و انعکاس‌ها. پس، به دنبال تسخیر حال و هوای هر تصویر باشید.

زاویه دید جدیدی را

امتحان کنید

۱۵

از امتحان زوایای دید جدید واهمه‌ای نداشته باشید. به دلایل متفاوتی، ممکن است لازم باشد که عکس‌های معمولی و عادی از سوژه تهیه کنید اما پس‌از آن به دنبال زوایای جدید نو و مبتکرانه باشید. بدترین اتفاقی که ممکن است بیفتد این است که عکس شما پذیرفته نشود اما ممکن است استقبال از این عکس‌ها شما را کاملاً شگفت‌زده کند.





انسان وفرشته،
تکنیک ترکیبی،
۱۳۸۸



علی جهانفاتی معلم هنر زابل

متولد: ۱۳۵۶، شهرستان زابل
ساکن: شهر زابل

سوابق تحصیلی

- کاردانی تربیت‌معلم رشته هنرهای تجسمی دانشگاه شهید بهشتی مشهد
- کارشناسی پیوسته نقاشی دانشگاه سیستان و بلوچستان سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵.
- کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان ورودی ۱۳۹۲.
- پذیرفته‌شده دکترا در دانشگاه هنر تهران در سال ۱۳۹۵.

سوابق حرفه‌ای

- دبیر آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۹
- مدرس دانشگاه فرهنگیان در سال‌های ۷۷-۷۵
- مدرس کشوری دروس پایه‌های سوم و چهارم و پنجم ابتدایی و هفتم و هشتم و نهم
- مدرس دوره‌های ضمن خدمت در شهر زابل از سال ۸۵ تاکنون
- سرگروه هنر شهرستان از سال ۸۵ تاکنون.

مهارت‌ها

- نقاشی و طراحی و مجسمه‌سازی
- دارای مدرک عالی خوشنویسی در سال ۷۹ از انجمن خوشنویسان استان خراسان
- توانایی در ساخت مجسمه

نمایشگاه‌ها

- برگزاری نمایشگاه گروهی در سال ۱۳۷۹ در مشهد مقدس
- برگزاری نمایشگاه انفرادی در سال ۱۳۸۵ در شهر زاهدان
- برگزاری نمایشگاه انفرادی در شهرستان زابل ۱۳۸۶
- برگزاری نمایشگاه گروهی در شهر زابل ۱۳۸۷

داوری‌ها

- داور مسابقات فرهنگی و هنری شهرستان زابل
- داور مسابقات نقاشی در دانشگاه سیستان و بلوچستان سال ۱۳۹۴

رتبه‌ها

- نفر سوم مسابقه برخط (آنلاین) دبیران هنر کشور
- نفر اول طراحی پرش مهر استان در چند سال
- نفر اول کاریکاتور پرش مهر در استان سیستان و بلوچستان
- نفر دوم عکاسی در مسابقات فرهنگی و هنری استان.



رستم و دیو
وفرشته، تکنیک
تلفیق یافت و
رنگ اکریلیک،
۷۰*۱۰۰،
۱۳۸۵

جوانی، نگارگری روی
مقوا، تکنیک طراحی با
گواش سفید بر روی مقوا
ساخته شده با تکنیک
دود، ۱۳۸۳



مریم پورسیاح

متولد: ۱۳۶۰/۶/۲۸ تهران

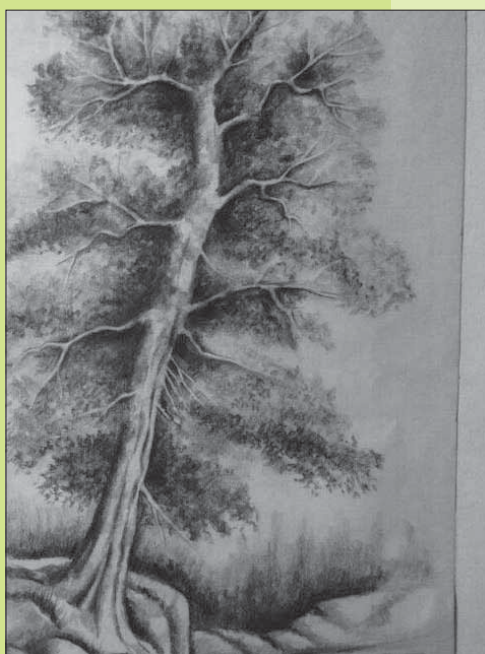
ساکن: شهر تهران



کار دانش آموزم
در سال ۱۳۹۴ در
نمایشگاه نقاشی
در مدرسه



نقاشی original.
تکنیک مداد
رنگی، ۱۳۸۶



نقاشی
سیاه قلم،
۱۳۹۵

سوابق تحصیلی

- فارغ التحصیل کارشناسی آمار و ریاضی در سال ۸۴
- دبیر هنر منطقه ۱۲ تهران

علائق

- طراحی و نقاشی از دوره دبیرستان
- خوشنویسی
- آمار و ریاضی.

آموزش‌ها و مهارت‌ها

- ورود به آموزشگاه‌های طراحی و نقاشی در سال ۷۹ و استفاده از محضر استادانی چون سید احمد خرمی
- گذراندن دوره‌هایی در زمینه تکنیک‌های نقاشی در سازمان فنی و حرفه‌ای و دریافت مدرک نقاشی
- آشنایی به تکنیک‌های نقاشی (مداد رنگی، آبرنگ، رنگ و روغن، کنته، پاستل گچی، آب مرکب، گواش و زغال).
- بهره‌مندی از محضر خانم داوری در سال ۹۳
- عضو انجمن خوشنویسان ایران و دارای مدرک خوش از این انجمن.

نمایشگاه‌ها

- شرکت در نمایشگاه‌های گروهی از جمله نمایشگاه نگارخانه صورت در سال ۱۳۸۷ و نمایشگاه فرهنگسرای اشراق به همراه یکی از دوستان هنرمند در سال ۸۶.
- برگزاری نمایشگاه انفرادی در دی‌ماه سال ۹۵.

سوابق حرفه‌ای

- تدریس آمار و طراحی و نقاشی در دبیرستان مکتب‌الزهر در منطقه ۱۲ تهران
- برپایی نمایشگاه‌هایی از تابلوهای نقاشی و آثار عکاسی دانش آموزان طبق مباحث کتاب در هر سه پایه هفتم، هشتم و نهم در پایان سال
- دریافت تقدیرنامه از اداره آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران در سال ۹۳.

تکنیک مداد
رنگی، ۱۳۹۵



کودکی، تکنیک
مداد رنگی،
۱۳۸۶



تکنیک مداد
رنگی، ۱۳۸۵



اشاره

تنوع موجود در کتاب‌های فرهنگ و هنر هفتم، هشتم و نهم دوره اول متوسطه یکی از ویژگی‌های مهم این کتاب‌هاست. دایره و گستره این هنرها دست‌اندرکاران آموزش هنر را ملزم می‌کند که زمینه‌های کیفی و مناسب‌تری را برای آشنا کردن دانش‌آموزان به کار گیرند. یکی از این روش‌های مهم، رونق دادن هر چه بیشتر به بازدیدهای هنری و آشنایی با درون‌مایه موزه‌هاست. ارتباط بدون واسطه، زنده و پویای همکاران و دبیران هنر و دانش‌آموزان با تولیدات هنری در موزه‌ها اتفاق می‌افتد. ویژگی موزه این است که درهای آن همیشه به روی همگان باز است. به همین سان، در تعریف و کارکرد موزه بیشترین اهمیت به بهره‌وری معنوی داده شده است. بر این اساس، رشد آموزش هنر معرفی موزه‌ها و مکان‌های هنری را که به ارتقای بینش هنری مخاطبان مدد رسان است، مورد توجه قرار می‌دهد. در این شماره به «موزه آستانه مقدسه قم» پرداخته می‌شود. این موزه از نظر تنوع آثار هنری چند ویژگی دارد. اولین ویژگی آن است که برای هنرهای مورد بحث در کتاب‌های درسی هنر نمونه‌ها و مضامین مرتبط را به‌خوبی معرفی می‌کند. این نکته مهمی است که در روان کردن مباحث هنری و ایجاد جاذبه برای آن‌ها تأثیر مستقیم دارد. دومین ویژگی، معرفی داشته‌ها و سرمایه‌های هنری است که در سایه‌سار حرم نورانی کریمه اهل بیت، حضرت معصومه -سلام‌الله‌علیها- در طول دوره تاریخی اهدا و جمع‌آوری شده‌اند. این نکته میزان علاقه و باورهای دینی را آشکار می‌کند. در مجموع، بازدید چندباره گروه‌های دانش‌آموزی -چه در سطح استان قم و چه در سطح استان‌های مجاور- فرصت نیکویی برای عمق بخشیدن به درس هنر را فراهم می‌کند. در این گزارش، موزه مذکور به‌اجمال معرفی شده است. جا دارد به این وسیله از حجت‌الاسلام کشفی، مدیر و آقای بهزاد یوسف‌زاده، کارشناس خبره موزه آستانه مقدسه قم برای همراهی و همکاری صمیمانه‌شان در معرفی هرچه بهتر این موزه قدردانی شود.

گشتی در موزه آستانه
مقدسه قم

موزه‌ای که باید بارها آن را دید!

محمدعلی اشرفی



چراغ به شکل کبوتر
از جنس برنج
دوره صفوی



مقدمه

موزه آستانه مقدسه قم در سال ۱۳۱۴ شمسی برای اولین بار با گردآوری و نمایش آثار هنری و نفیسی که در قالب «هدایا و نذورات» به حرم حضرت معصومه - سلام الله علیها - اهدا شده بود، آغاز به کار کرد. موزه نخستین در محوطه داخلی حرم مطهر (مسجد شهید مطهری) شکل گرفت اما با افزایش کمی و کیفی آثار هدایی، در مرحله دوم در ساختمانی اختصاصی در میدان آستانه به سال ۱۳۶۱ حیات دوباره یافت. از آن تاریخ، روند فعالیت موزه رو به توسعه بوده و درهای آن به روی اقشار مختلف اجتماعی و از جمله گروه‌های دانش‌آموزی باز بوده است.

کلیدواژه‌ها: موزه، تاریخچه، کاشی، سفال، فرش.

محتوای آثار هنری موزه

- موزه آستانه دارای مجموعه متنوعی از آثار هنری و تاریخی دوران اسلامی و پیش از اسلام است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: قرآن‌های نفیس خطی از قرن دوم هجری قمری تا قرن چهاردهم با انواع خطوط و کتاب‌آرایی از قبیل تذهیب، ترصیع، تشعیر و جلدسازی بسیار عالی، که قدیمی‌ترین آن‌ها متعلق به سال ۱۹۸۰ ق است؛

- تابلوهای مذهب قرآن و حدیث به خط نسخ، ثلث و دیوانی و انواع زیارت‌نامه در ابعاد مختلف؛

- مسکوکات ادوار اسلامی و پیش از اسلام از جنس طلا و نقره و مس؛ قدیمی‌ترین سکه اسلامی در این مجموعه مربوط به سال ۸۰ ق و قدیمی‌ترین مسکوکات دوره پیش از اسلام، متعلق به دوره اشکانی است؛

- ظروف سفالینه با نقوش هندسی و گیاهی

و کتیبه‌های زیبا؛ مربوط به دوران اسلامی و هزاره اول و دوم پیش از میلاد مسیح از مناطق باستانی سیلک کاشان، ری، جرجان، قم و نیشابور؛

- انواع تابلوهای نقاشی از جمله شمایل ائمه معصومین (ع) و تصاویر برخی از رجال سیاسی و تاریخی با آثاری از هنرمندان بزرگی همچون معین مصور، لطفعلی صورتگر، اسماعیل نقاش‌باشی؛

- قالی و قالیچه‌های بسیار زیبا و نفیس از جنس ابریشم و کرک و پشم با طرح‌های گلدانی، ترنج‌دار، گل‌دار، قالیچه‌های سجاده با طرح محرابی، که بخشی از قالی‌ها و قالیچه‌های ابریشمی مربوط به کارگاه استاد نعمت‌ا... جوشقایلی (دوره صفوی) است؛

- انواع پارچه‌های دستباف با نقوش گیاهی و انسانی با تزیینات نقره‌دوزی، قلاب‌دوزی، مرواریددوزی، مليله‌دوزی و ...؛

- آثار فلزکاری از جمله قندیل‌های مرصع و شمعدان‌های برنجی و فولادی جواهرنشان با تزیینات زرین و میناکاری و مجموعه ادوات رزمی فولادی از قبیل شمشیر، سپر، تبرزین و کلاه‌خود و زره، تفنگ و تپانچه و باروت‌دان؛

- بخش کاشی‌کاری شامل کاشی‌های ستاره‌ای زرین‌فام، کاشی‌های چلیپا و خشتی با کتیبه‌های قرآنی و اشعار فارسی و احادیث نبوی

- آثار حجاری از جنس مرمر، با نقوش برجسته رجال قاجاری و کتیبه‌هایی به خط جناب میرزا غلامرضا اصفهانی (خوشنویس عهد قاجاری)؛

- آثار خاتم‌کاری و منبت‌کاری از جمله رحل‌های قرآنی، درهای خاتم‌کاری قدیمی حرم مطهر با اشعاری از محتشم کاشانی و



کاشی ستاره‌ای زرین‌فام
حدیث از پیامبر اکرم (ص)
ساخت کارخانه‌ی سید رکن‌الدین محمدین مرحوم
زین‌العابدین در کاشان
دوره ایلخانی



نقش‌هایی از فرشهای ابریشمی دوره صفوی



نمونه‌ای از نقاشی پشت شیشه - دوره قاجار

نسخه خطی در موزه داریم که روند هنر کتاب‌آرایی را با آن‌ها می‌توان مطالعه کرد. در موزه ۱۲۰۰ سکه ضرب شده وجود دارد و حتی از دوره تاریخی اشکانی مواردی در آن دیده می‌شود. این سکه‌ها در شهرهای ری، یزد، تهران، قم و ... ضرب شده‌اند. سکه یکی از گویاترین اسناد تاریخی است؛ با وجود حجم بسیار کم و ابعاد کوچک اطلاعات زیادی ارائه می‌کند. از جمله، نام ضرب‌کننده، تاریخ ضرب، محل ضرب، و شعار عمومی و اجتماعی غالب در آن دیده می‌شود. سکه به سبب جابه‌جایی در مناطق مختلف یک سند جامع و تمام‌عیار تاریخی و هنری به حساب می‌آید و موزه آستانه از این جهت بسیار غنی است.

از بخش‌های جالب موزه، بخش درهایی است که در دوره‌هایی مورد استفاده بوده‌اند اما به علت توسعه حرم اکنون در موزه نگهداری می‌شوند. ویژگی این درها این است که به‌عنوان نمونه عینی می‌توان مراحل طراحی اولیه، مواد اولیه چوب و روکش طلا و نقره،

نیز درهایی با روکش سراسری نقره و طلا که برخی از آن‌ها دارای کتیبه‌هایی به خط نستعلیق با اشعاری از شوریده شیرازی است؛

- سنگ‌های مقدس و تزیینی از قبیل عقیق، در، یشم با عبارات قرآنی و ادعیه شریفه؛
- ظروف چینی و بلور از جمله انواع بشقاب، کاسه، گلدان، لوسترهای قدیمی؛
- انواع تمبرهای ایرانی و خارجی، که به مناسبت‌های مختلف و با موضوعات متنوع، چاپ شده است؛
- بخش صدف‌ها و موجودات دریایی.

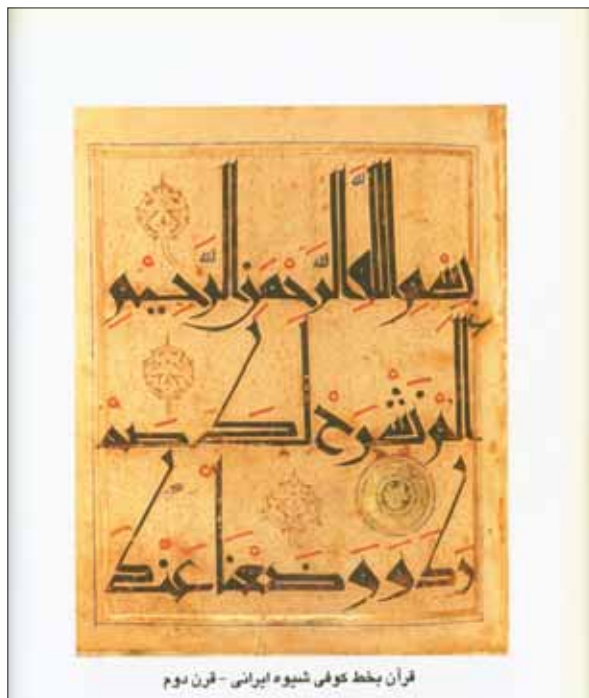
در این موزه، دو بخش قرآن‌های خطی و سکه‌های ضرب شده اهمیت ویژه دارد. بهزاد یوسف زاده، کارشناس این موزه در این باره می‌گوید:

«در موزه نه قرآن کامل به خط کوفی نگهداری می‌شود که یکی از آن‌ها تاریخ کتابت ۱۹۸ ه. ق را دارد. خطوط کوفی منحصر به فردی در قرآن‌ها دیده می‌شود. در مجموع، ۲۰۰۰

ویژگی این درها این است که به‌عنوان نمونه عینی می‌توان مراحل طراحی اولیه، مواد اولیه چوب و روکش طلا و نقره، نگارش کتیبه‌ها روی استخوان و جاسازی و پرداخت نهایی را در آن‌ها بررسی و تحلیل کرد



در ورودی متعلق به دوره قاجار



قرآن به خط کوفی شیوه ایرانی - قرن دوم



بهزاد یوسفپور، کارشناس موزه

به دوره صفوی به خط محمدرضا امامی و هفتصد عدد از کاشی زرین‌فام مسطح و برجسته لعابدار وجود دارد که به خاطر نصب شدن در ارتفاع پایین، مطالعه و مشاهده آن بسیار دل‌نشین و جذاب است. با دیدن آن‌ها، بیننده ویژگی‌های کتیبه و کاشی را از نزدیک لمس می‌کند و با مواد سازنده آن‌ها به‌خوبی آشنا می‌شود.

کاشی‌های کوکبی نقوش گیاهی و حیوانی دارند و نوشته‌هایی در گرداگرد آن‌ها دیده می‌شود. جالب این است که هر کاشی دارای طرحی منحصر به فرد است که اصل تنوع و ایده‌پردازی هنری را به‌خوبی بیان می‌کند. درباره درون‌مایه و آثار این موزه بیش از این می‌توان نگاشت، اما لذت دیدن، دوباره دیدن و انجام تحقیق و پژوهش نکته‌ای است که باید به آن اهتمام کرد. در اولویت نخست دبیران هنر و دانش‌آموزان استان قم و در اولویت بعد، دبیران هنر و دانش‌آموزان استان‌های مجاور و نزدیک قم لازم است فرصتی را فراهم کنند و از این نمایشگاه دائمی آثار هنری بهره ببرند.

نگارش کتیبه‌ها روی استخوان و جاسازی و پرداخت نهایی را در آن‌ها بررسی و تحلیل کرد. در واقع، در زمینه صنایع دستی و هنرهای وابسته با این چند در موجود می‌توان هنر دوره‌های صفوی و قاجار را بررسی نمود. بهزاد یوسفپور در مورد فرش‌های موزه می‌گوید:

«در موزه سیزده قطعه فرش وجود دارد که مربوط به هنر فاخر فرش‌بافی در دوره صفوی است. این فرش‌ها محوطه ۵۷ متر مربع قبر شاه عباس ثانی را مفروش کرده است. فرش‌ها در کارگاه نعمت‌الله جوشقانی بافته شده‌اند و رقم ۱۰۸۲ ه. ق را دارند. این فرش‌ها با دو میلی‌متر ضخامت و بافت منسجم و برجسته، پارچه مخمل را تداعی می‌کنند؛ با این تفاوت که برخلاف مخمل که تک رنگ است انواع و اقسام رنگ‌ها را در خود دارند. الکساندر پوپ در کتاب «تاریخ هنر ایران» می‌گوید اگر در دنیا عجایب هفت‌گانه فرش داشته باشیم، یکی از آن‌ها این مجموعه سیزده‌تایی است». در طبقه اول موزه یک کتیبه طولانی متعلق

قراردادهای ویژه رنگ در نمایش آیینی تعزیه

لیلا تقوی

کارشناس ارشد ادبیات نمایشی
آموزش و پرورش ناحیه ۳ شیراز

چکیده

رنگ در تعزیه به راحتی اشخاص را از نظر دیداری به دو دسته اشقیا و اولیا تقسیم می‌کند؛ به گونه‌ای که قراردادهای ویژه رنگ در این گونه نمایش مشخص و تغییرناپذیرند و در نتیجه تماشاگران با ورود هر یک از اشخاص بازی به صحنه یا محل اجرا بلافاصله از طریق رنگ لباس یا رنگ ملزومات دیگر فرد، موفق به بازشناسایی شخص بازیگر می‌شوند و طبیعت او را می‌شناسند؛ زیرا می‌دانند که اشقیا همه سرخ می‌پوشند و اولیا سبز، سفید، سیاه، زرد یا آبی. در این تحقیق توصیفی، از رنگ به عنوان ابزاری برای تحلیل نمایش سنتی تعزیه با کارکردهای فلسفی-ایدئولوژی و جامعه‌شناختی و هنری با مفاهیم نمادی بهره‌برداری می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تعزیه، قراردادهای هنری، رنگ، اولیا، اشقیا.



بزرگ‌ترین تعزیه کشور با حضور ۵۰۰ نفر عوامل اجرایی و نمایشی در روستای
صحراود فسا در استان فارس - منبع: پایگاه خبری تحلیلی صراط



حضور اسب در تعزیه



تعزیه

به مراسم نمایشی که برای خاندان پیامبر اسلام و به‌طور خاص، واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) برگزار می‌شود، تعزیه می‌گویند. بیضایی تعزیه را چنین تعریف می‌کند: «شبه گردانی» یا «شبه خوانی» یا «تعزیه» نمایشی بوده است، در اصل بر پایه قصه‌ها و روایات مربوط به زندگی که برای امام حسین و خاندانش پیش آمد» (بیضایی، ۱۳۷۹: ۱۱۴-۱۱۳).

تاریخ دقیق شروع تعزیه به شکل و فرم امروزی در دست نیست؛ چون تعزیه تحولاتی را پشت سر گذاشته تا به ساختار امروزی رسیده است. شروع کار دسته‌های عزاداری به شکل راه‌پیمایی را از زمان آل‌بویه می‌دانند. گفته شده است که ارج و اهمیتی که شاهان صفوی برای شیعه و امامان آن قائل می‌شوند بر رشد آن می‌افزاید و در دوران قاجار و سلطنت فتح‌علی‌شاه به اوج خود می‌رسد و شاکله اصلی آن به اجرا درمی‌آید.

قراردادهای ویژه رنگ در نمایش

از جمله عناصر بصری تئاتر، که در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف معانی متنوعی یافته، رنگ است. به‌گونه‌ای که یک رنگ مشخص گاه در شرق و غرب معانی متضادی دارد.

اما آنچه در تئاتر اهمیت دارد، توافق کلی در مورد استفاده از رنگ‌ها در صحنه‌های نمایش است. زیرا تاکنون ثابت شده است که، اولاً: رنگ‌ها تأثیرات روانی، عاطفی و عقلانی خاصی بر جای می‌گذارند.

ثانیاً: رنگ‌ها در سنت‌های مختلف تئاتری در جهان، معنی نمادین و ویژه‌ای یافته‌اند که از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر متفاوت است (هرچند معانی مشترکی نیز ممکن است در میان آن‌ها وجود داشته باشد) و ثالثاً: پاره‌ای از رنگ‌ها، برای دست یافتن به واکنش‌های عاطفی به‌خصوصی به شکل استاندارد، در دنیای تئاتر پذیرفته شده‌اند و تنها شکل‌های سنتی نمایش هنوز به قراردادهای خاص خود در زمینه رنگ پایبندند. در نمایش‌های ایرانی هم، رنگ‌ها مفاهیم خاص خود را دارند و بر طبق قراردادهای ویژه‌ای به کار می‌روند، که تعزیه از همین نوع است و قراردادهای خاص خود را دارد.

رنگ سبز

سبز رنگ اولیا، نیکان و اسلام و متضمن عالی‌ترین معانی عرفانی است؛ نمادی از جاودانگی که صورتش را از سر سبزی عالم طبیعت گرفته و معنایش را از عالم معانی و نامحسوس و نشانه‌ای از رستاخیز و صعود روحانی به عالم بالاست. در تعزیه، علم‌ها و بیرق‌های اردوگاه امام سبزند و در رزمگاه در دستان سردارانی همچون حضرت عباس (ع) قرار می‌گیرند. شاخه‌های سبز نشانی از بهشت دارند. شال و عمامه سبز امام حسین (ع) و قبای ابریشمی شانه زری و سبز رنگ پیامبران و ائمه (ع) از آن جمله‌اند. لباس سبز امام حسن (ع) معنایی دوگانه دارد: هم دربردارنده مفاهیم ذکرشده برای رنگ سبز است و هم نشانه مسموم شدن آن حضرت با زهر سبز. در آرایش صحنه‌های تعزیه

در نمایش‌های ایرانی هم، رنگ‌ها مفاهیم خاص خود را دارند و بر طبق قراردادهای ویژه‌ای به کار می‌روند، که تعزیه از همین نوع است و قراردادهای خاص خود را دارد.



تکیه حسینی اعظم ارمغانخانه شهر زنجان

در میان آرایه‌های صحنه علم‌های سیاه و بیرق‌های سیاه بشیر و نذیر دید می‌شود. خیمه اولیا هم سیاه یا نیلی است

آیین‌های سوگواری شاید به نشانه نوید رجعت باشد. در سوگ پهلوانان احتمالاً استتار جاودانگی معنا می‌دهد» (کیا، ۱۳۷۵: ۱۹۳). همچنین در مذهب شیعه، سیاه لباس عزاداری است و شیعیان پس از فاجعه کربلا برای همیشه خود را عزادار می‌دانند. بنابراین، پوشیدن لباس سیاه سنتی ملی - مذهبی تلقی می‌شود. در تعزیه، سیاه رنگ مخصوص اولیا و مؤلف‌خوانان است. بخش‌هایی از لباس اولیا می‌تواند سیاه باشد؛ مانند عبا، شال یا عمامه امام، اما در مورد زنان مؤلف تمامی لباس، یعنی پیراهن سرتاسری و بلند، مقنعه و روبنده، سیاه است. همین‌طور کودکان اعم از دختر بچه یا پسر بچه لباس بلند و مشکی به تن می‌کنند. لباس زعفر جنی هم سیاه (یا نیلی) است. در میان آرایه‌های صحنه علم‌های سیاه و بیرق‌های سیاه بشیر و نذیر دیده می‌شود. خیمه اولیا هم سیاه یا نیلی است. برای اشقیا هم از اسبان سیاه یا ابلق استفاده می‌شود. «جدا از تعزیه، سنت پوشیدن سیاه در مرگ سیل‌ووش را در اساطیر آورده‌اند» (کرتیس، ۱۳۷۳: ۹۵).

هم خیمه سبز مخصوص امام است. امام‌خوان هیچ‌گاه در تعزیه با کلاه‌خود وارد نمی‌شود و همواره عمامه سبزرنگ دارد.

رنگ سفید

اتصال رنگ سفید به نیروی درونی، روحی و الهی است. در تعزیه، لباس اولیا و مؤلف‌خوانان می‌تواند سفید باشد. قبای امام (ع)، لباس جنگجویان مؤلف و گاه لباس ملائکه و جبریل سفید است. حر پس از پیوستن به اردوگاه امام، پر سفیدی بر کلاهش می‌گذارد. رزمندگان و شهدای کربلا پیش از حضور در میدان رزم و شهادت کفن سفیدی به تن می‌کردند. لباس مسلم‌خوان نیز به این دلیل که سفیر امام حسین (ع) است، به رنگ سفید انتخاب شده است.

رنگ سیاه

«رنگ سیاه ریشه عمیقی در فرهنگ باستانی ایران دارد. در تعبیر مختلف از نشانه‌های بارز زمین و به آیین‌های مادر زمین و باروری بازمی‌گردد. رنگ سیاه با عالم مردگان نیز نسبت دارد و در



مجلس تعزیه در دوره قاجار (بعد از ۱۲۲۷ شمسی)

رنگ آبی

آبی نماد الهام، ایثار، صلح و آرامش و ایمان و معنویت است؛ تا اعماق روان و روح آدمی نفوذ می‌کند و او را به عالم بالا فرامی‌خواند. از رنگ‌های ویژه اهل بیت است که با نوعی ملایمت و عمق، ریشه در رنگ‌های طبیعی مانند آسمان و دریا دارد. در تعزیه، رنگ آبی تقریباً مختص به پوشش حضرت عباس (ع) است و با معنای دریادلی و از خودگذشتگی در ایشان گره خورده است. از سویی، به گونه‌ای یادآور سقایی او در صحنه کربلاست. آبی روشن در لباس ملائکه و نیلی در لباس زعفر جنی یا در رنگ خیمه‌های اولیا دیده می‌شود.



رنگ زرد

زرد در معانی متعددی مانند قناعت و خرسندی، درخشندگی و دانش به کار رفته است. در تعزیه، زرد رنگ اختصاصی حر است و لباس زرد او نمادی است از تردید، پریشان حالی و زیان کاری، اما هنگامی که توبه می‌کند و به سپاه امام ملحق می‌شود، تنها با تغییر رنگ پری که بر کلاه دارد، این تحول را نشان می‌دهد. گاه امام و اولیا نعلین زردی بر پا می‌کردند. از منظر نمایش، گاهی که بر زمین ریخته می‌شود و زنان هنگام عزاداری بر سر و روی می‌پاشند، سطح سکوی تعزیه را زرد رنگ می‌کند و ضمن ایجاد تنوع رنگی، به گونه‌ای نمادین خشکی و زمختی فضا را بیشتر جلوه می‌دهد و با مفهوم بی‌آبی در اردوگاه امام همخوانی دارد.



بزرگ‌ترین تعزیه کشور در روستای صحرارود فسا در استان فارس



آیین تعزیه‌خوانی در روستای حصار قزوین / عکاس: سید حسین میرکمالی



مجلس تعزیه در صحن امامزاده حسین (ع) شهر قزوین

هنر والای
«شبه‌خوانی»
افزون بر جنبه‌های
اعتقادی و عاطفی،
جلوه‌های تصویری
و حرکات نمایشی
چشمگیری دارد



منابع

۱. بیضایی، بهرام. (۱۳۷۹). نمایش در ایران: با شصت تصویر و طرح و یک واژه‌نامه، چاپ دوم. تهران: نشر کاویان.
۲. جنتی عطایی، ابوالقاسم. (۱۳۳۳). بنیاد نمایش در ایران، چاپ دوم. تهران: نشر ابن‌سینا.
۳. کرتیس، وستا. (۱۳۷۳). اسطوره‌های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
۴. کیا، خجسته. (۱۳۷۵). شاهنامه فردوسی و تراژدی آتنی، چاپ اول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. جلد ۶، چاپ ۸. تهران: نشر امیرکبیر.

رنگ قرمز

رنگ قرمز نهایت برافروختگی و انرژی درونی را ظاهر می‌سازد و نماد زندگی، قدرت هیجان و شورش انقلابی و نشاط است. در تعزیه، سرخ رنگ اشقیا و مخالف‌خوانان است. شمر از پَر کلاه تا چکمه یکسره سرخ می‌پوشد. لباس زنان و جنگجویان اشقیا، بیرق، پَر کلاه، بازوبند و گاه سربندشان سرخ است. حتی در صحنه‌آرایی کاخ‌های اشقیا مانند دارالخلافت شام و دارالاماره عبیدالله از بیرق‌ها و کتیبه‌های سرخ استفاده می‌کنند. شیطان یکسره سرخ‌پوش است و حتی صورتش را سرخ یا گلی می‌کنند. گاه سربازان اولیا پیشانی‌بند سرخ به نشانه شهادت‌طلبی بر سر می‌بندند و با این رنگ برای نشان دادن جراحت بر روی صورت یا کفن لکه‌های خون ایجاد می‌کنند.

نتیجه

هنر والای «شبه‌خوانی» افزون بر جنبه‌های اعتقادی و عاطفی، جلوه‌های تصویری و حرکات نمایشی چشمگیری دارد. تعزیه و شبه‌خوانی از نظر شخصیت‌پردازی، تیپ‌شناسی، لباس، رنگ، صحنه‌آرایی، زیبایی‌شناسی گفتاری و کرداری، ظهور و بروز عواطف و احساسات انسانی در قالب گل‌واژه‌های کلامی و گل چرخ‌های رفتاری و بهره‌گیری از ظرایف و دقایق نمایش‌های «آیینی-مذهبی» (شیعی)- نمایش ویژه‌ای است. در تعزیه، مکان از طریق رنگ بیرق‌ها، خیمه‌ها و تزیینات به‌راحتی معرفی می‌شود. بیرق‌ها، خیمه‌ها و تزیینات سرخ‌رنگ نشان دهنده اردوگاه اشقیا، دارالخلافت شام و دارالاماره عبیدالله‌اند. بیرق‌ها و خیمه‌های سبز و سیاه و نیلی نشان‌دهنده اردوگاه اولیا و رنگ سبز شاخه‌ها نخلستان را نشان می‌دهد. غنای رنگ در نمایش‌های ایرانی انکارناپذیر است. سخن آخر اینکه فضای تعزیه آکنده از رنگ‌هاست و غنای رنگ در این نمایش انکارناپذیر است؛ به‌گونه‌ای که قراردادهای خاص خود را می‌طلبد.

رشد آموزش هنر

شوق هنر در دانشجو معلمان

گپ‌و‌گفتی با دو تن از دانشجو معلمان در جشنواره علمی ادبی ایران



طراحی از اشیاء توسط دانشجو معلمان در جشنواره هنری ادبی

اشاره

شور و حال جوانی همواره امیدبخش و حرکت‌آفرین است. وقتی نیروی لایزال جوانی با راه پر از لطافت و زیبایی هنر تلفیق می‌شود، می‌توان به سرمایه عظیم اجتماعی جوان بهتر پی برد. اگر گوینده‌ای از عمق وجود می‌گوید: «خدا کند که جوانان ره هنر گیرند» به راحتی می‌توان دریافت که «ثروتی بهتر از جوانان نیست!». در تابستان ۹۵ جشنواره هنری فرهنگی دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان کشور در شهر تبریز برگزار شد. در این میعادگاه بزرگ هنری ۳۵۰ تن از دانشجومعلمان در تمام رشته‌ها به آفرینش هنری پرداختند. این جشنواره در ۲۶ رشته برگزار شد اما بخش هنری آن برای معلمان و دبیران هنر به تناسب موضوع از جاذبه بیشتری برخوردار بود. در این گفت‌و‌گو پای صحبت شماری از دانشجومعلمان بوده‌ایم که دیر یا زود آراسته به زیور زرین معلمی خواهند شد. این جشنواره و استمرار آن این نوید را می‌دهد که هنر را بیش از پیش مقوله‌ای «فرادرسی» به حساب آوریم و این آرزو را در سر داشته باشیم که در تار و پود نظام تعلیم و تربیت تنیده شود. در این گفت‌و‌گو، دیدگاه‌های دو تن از دانشجومعلمان شرکت‌کننده در جشنواره و یکی از داوران بخش هنر را می‌خوانید.

خودتان را معرفی کنید.

سجاد معتمدی از شرکت‌کنندگان خراسان رضوی در بخش طراحی پوستر و دانشجوی رشته دبیری شیمی از دانشگاه فرهنگیان مشهد هستم.

آیا می‌توانی تعریفی از «پوستر» ارائه دهی؟

پوستر طرحی است که روی کاغذ پیاده می‌شود و مثلاً کسی اگر از جایی رد شود و اطلاعات جزئی و البته سریع بگیرد، می‌تواند اطلاعات مورد نیازش را از همان طرح بگیرد.

انگیزه و دلیل گرایش شما به پوستر چه بود؟

در زمینه طراحی و کار با فتوشاپ در خودم علاقه دیدم و بعد از یک مدت شروع کردم به آموزش دیدن.

رشته تو شیمی است و دنیای شیمی دنیای مواد و فرمول است. چگونه به پوستر و کار هنر گرایش پیدا کردی؟ انسان می‌تواند در جنبه علمی به چیزی علاقه داشته باشد و در زمینه هنری هم به چیز دیگری. در زمینه هنری علاقه من به پوستر و این چیزها بود.

از اینکه برای اولین بار به‌عنوان یک دانشجو معلم در این جشنواره حضور یافته‌ای، چه احساسی داری؟ برای ما که سال آخر هستیم تجربه جالبی است که ممکن است دیگر تکرار نشود.

از زمانی که مطلع شدی به‌عنوان برگزیده رشته خود در این جشنواره شرکت می‌کنی، چه احساسی داشتی؟ احساس خوبی داشتم. به هر حال، پیش از این در چنین جمعی قرار نگرفته بودم و سعی کردم بهتر از همیشه باشم.

این عرصه و محیط را بستر چه کاری می‌دانی و چه کاری یاد گرفتی؟ محیط جالبی است. بچه‌ها در رشته‌های مختلف هنری به هم نزدیک می‌شوند و یکدیگر را بهتر می‌فهمند.

در واقع، نکته شما این است که زبان هنر زبانی همه‌فهم و مشترک است که اکثر شرکت‌کنندگان را با نگاه‌های مختلف به نگاهی واحد می‌رساند. درباره این نکته بیشتر توضیح بده.

به نظرم هر کسی در یک زمینه هنری افرادی مثل خودش را پیدا کند خیلی موفق می‌شود؛ افرادی که مثل خودش جهان‌بینی مشابهی هم دارند، می‌تواند خیلی جذاب باشد.

اگر در جشنواره‌ای که برپا شد برگزیده نشوی، چه اتفاقی می‌افتد؟ باز هم چیزی را از دست نمی‌دهیم. به هر حال آمدیم در این جمع و همین خودش تجربه خوبی است. همین که در استان‌های خودمان بهترین بودیم و آمدیم و اینجا هم تجربه‌هایی کردیم، کافی است.



جشنواره جالبی است. بچه‌ها در رشته‌های مختلف هنری به هم نزدیک می‌شوند و یکدیگر را بهتر می‌فهمند

سجاد، همان‌طور که خودت می‌گویی، به‌زودی به کسوت معلمی درمی‌آیی و برای دانش‌آموزان خود الگو خواهی بود. حالا که می‌خواهی دنیای مواد را با دنیای گرافیک - که نمادش پوستر است - جمع کنی، این کار در تدریس چه تأثیری دارد؟

من همیشه فکر می‌کردم اگر گرافیک را وارد دنیای شیمی کنم حتی درس‌هایی که برای بچه‌ها جذاب نیست ممکن است جذابیتش بیشتر شود.

یعنی این تدریس کاربردی می‌تواند توانایی تو را شکوفاتر کند. می‌دانی که تأثیر یک تصویر ۱۶ برابر بیشتر از صدای خالی است. از این فرصت چطور می‌توانی استفاده کنی که در کیفیت تدریس تأثیر داشته باشد؟

شیمی علمی است که با مواد سروکار دارد. اگر بتوانیم برای دانش‌آموزان آزمایشگاه مجازی ایجاد کنیم و عکس‌ها و فیلم‌های مختلف ارائه دهیم، تدریس می‌تواند جذاب‌تر شود.

انتظارت از جشنواره چیست؟ انتظارم از جشنواره همین است که به

خواسته‌های حداقلی بچه‌ها توجه کنند.

تو می‌گویی سال دیگر با این جشنواره خداحافظی می‌کنی. برای دوستانت که در سال‌های آینده خواهند آمد، چه شرایط و چه چیزهایی لازم است فراهم شود؟

به نظرم داورانی که برای هر رشته انتخاب می‌کنند، واقعاً باید در آن رشته تخصص داشته باشند. بعضی‌ها کارشان بالاتر بوده ولی دیده نشدند. البته رشته خودمان خوب بود و داوران خوبی داشت.

سخن پایانی شما چیست؟

فقط امیدوارم جشنواره به‌خوبی برگزار شود و هر کدام از بچه‌ها که زحمت کشیده، به حقش برسد.

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

علی نجفی هستم از استان آذربایجان غربی، تربیت معلم شهید رجایی ارومیه. در رشته سخنوری شرکت کرده‌ام و در رشته الهیات و معارف اسلامی درس می‌خوانم.

علی جان، بار اول است که شرکت می‌کنی؟

خیر، من در دوره‌های قبل هم افتخار شرکت در جشنواره کشوری را داشتم. از استادان و دوستان دیگر چیزهایی یاد گرفتم. دو دوره است که شرکت می‌کنم.

علی، اینجا نکته خوبی مطرح شد. شما بار دوم است که شرکت می‌کنی. این نشان می‌دهد که بار اول انگیزه خوبی در شما ایجاد شده است. به نظرت، آیا جشنواره انگیزه‌آفرین است؟

بله. فارغ از بحث رتبه و مقام ما اینجا می‌آییم و

چیزهایی را یاد می‌گیریم و با فرهنگ دیگران آشنا می‌شویم. در دوره قبل، ما در چهارمحال و بختیاری بودیم. در آنجا فرهنگ منطقه را یاد گرفتیم و الآن هم که در آذربایجان شرقی هستیم، چیزهایی را می‌شود یاد گرفت؛ علاوه بر مباحثی که درباره مسابقه مطرح است. من از دوران کودکی به سخنوران بزرگ علاقه داشتم و از دوره راهنمایی پی بردم که باید روی فن بیانم کار کنم. در دبیرستان و بعد که به دانشگاه وارد شدم به‌صورت تخصصی نزد سخنورانی که در شهرستان خودمان هستند رفتم و شاگردی کردم. خدا را شکر می‌کنم که تا به حال دو بار توانسته‌ام در مرحله کشوری شرکت کنم.

هیچ وقت فکر می‌کردی بیایی دانشگاه و جشنواره‌ای باشد که در آن مسابقه‌ای برای علاقه‌مندان رشته سخنوری برگزار شود؟

اوایل ورود به دانشگاه شنیدم که رشته‌ای به نام سخنوری قرار است در مرحله استانی و بعد در مرحله کشوری اجرا شود و آرزوی من بودم که در مرحله کشوری حضور داشته باشم.

یعنی این جشنواره به آرزوهای شما جامعه عمل پوشانده است. الآن سؤال این است که شما در دانشگاه خودتان در میان چند نفر رتبه آوردی که به اینجا آمدی؟

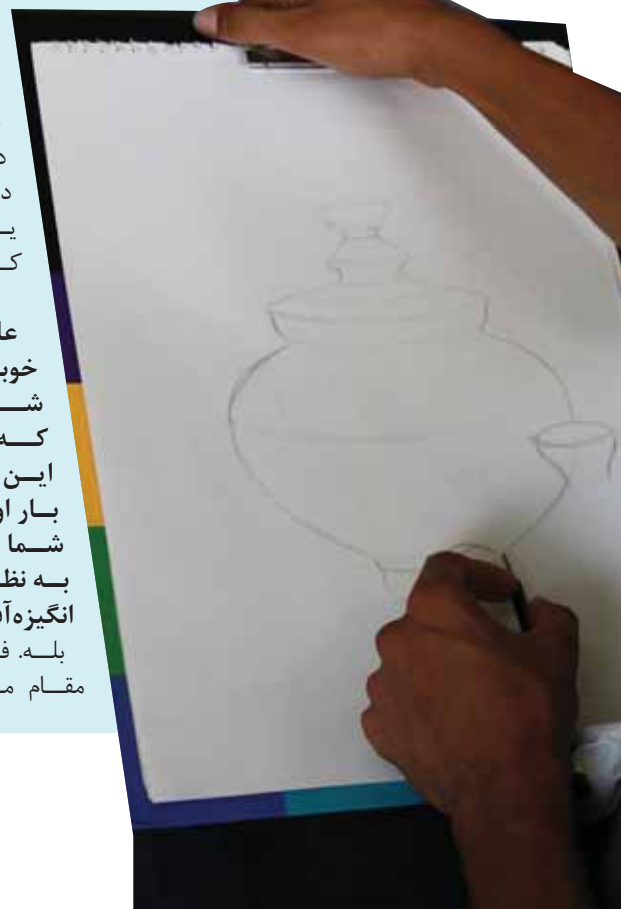
حدود ۱۵ شرکت‌کننده. دو نفر از استادان دانشگاه ما که رشته‌شان هم ادبیات بود داوری کردند و مرا به‌عنوان نفر برتر استان آذربایجان غربی راهی جشنواره کردند.

در موضوع انگیزه‌آفرینی که درباره آن صحبت کردیم به نظر شما آیا بستری فراهم شد که آیین سخنوری را ادامه دهی یا فقط جایزه‌ای می‌گیری و بعد آن را بایگانی می‌کنی و سخنوری را کنار می‌گذاری؟

من این را ادامه خواهم داد. این علاقه اصلی من است. اینجا هم نه به خاطر مقام بلکه به خاطر عشق خودم آمده‌ام.

پس شما مقام اول و دومی برایت مهم نیست. آیین سخنوری در بطن زندگی

به نظرم داورانی که برای هر رشته انتخاب می‌کنند، واقعاً باید در آن رشته تخصص داشته باشند. بعضی‌ها کارشان بالاتر بوده ولی دیده نشدند. البته رشته خودمان خوب بود و داوران خوبی داشت



شما چه تأثیری دارد؟

در آینده قرار است در کلاس‌هایی تدریس کنم. آیین سخنوری فنی است که یک معلم باید داشته باشد. بیان در معلمی حرف اول را می‌زند و معلم با بیان خوب خود می‌تواند دانش‌آموزان را جذب کند و می‌تواند مطالبی را که می‌خواهد، به‌راحتی به آن‌ها منتقل کند.

اگر قرار باشد یکی از مسئولان برگزارکننده جشنواره باشی، چطور می‌توانی این جشنواره را غنی‌تر کنی؟ به نظر شما، آیا جای رشته‌هایی در اینجا خالی است؟

تا جایی که من می‌دانم، بیش از ۲۰ رشته هست و رشته‌های خوبی مطرح شده‌اند. این برای بهتر شدن و تقویت پایگاه‌های آموزشی کار خوبی است. در گذشته، کارگاه نبود و این کارگاه‌ها الآن اضافه شده‌اند. علاوه بر اینکه می‌آییم و مسابقه اجرا می‌کنیم، استادان نقاط ضعف و قوت ما را می‌گویند و ما روی آن‌ها کار می‌کنیم و در دوره‌های بعد با کوله‌باری از تجربه شرکت خواهیم کرد.

آیا آیین سخنوری فنی است که ما باید به‌خوبی مضمونی را پرورش دهیم و برای مخاطب بیان کنیم یا از توانمندی صوتی خود در بیان یک قطعه رسا استفاده کنیم؟

هر دو می‌تواند باشد. آیین سخنوری مطابق برداشتی که من دارم و استادان به ما گفتند، یک امتیاز است و من به این نتیجه رسیدم که شروع مناسب، اغنای مخاطب و فرود مناسب همه می‌توانند در کیفیت آن دخیل باشند.

گفت‌وگو را با آقای دکتر حاتم زندی، یکی از داوران بخش سخنوری، ادامه می‌دهیم. استاد زندی خودتان را معرفی کنید.

من حاتم زندی مدرس ادبیات فارسی هستم. یک سال و اندی است که کار اجرایی می‌کنم و سرپرست پژوهشی شهید چمران در حکیمیه تهران هم هستم. در جشنواره فرهنگی، علمی، هنری و ادبی دانشگاه فرهنگیان رشته سخنوری تعداد ۱۵ دانشجوی برگزیده حضور دارند که در مرحله اول حدود ۴۰ نفر بوده‌اند. جشنواره واقعاً به شکل زیبا و ارزشمند برگزار شد. در این رشته دانشجویان

خیلی موفق‌تری داشتیم که در نهایت ۳ نفر انتخاب شدند.

آقای دکتر، کارکرد آیین سخنوری چیست؟

معلمی ابزارهایی دارد که یکی از ابزارهای آن بیان و مهارت فن بیان است. اگر معلمان ما بتوانند واقعاً به این ابزار مجهز شوند، قطعاً در پرورش نسل جدید و جامعه‌ای که به کوتاهی و گویایی سخن بسیار نیازمند است، اثر دارد. بچه‌های ما الآن دیگر حوصله تفسیر و بحث طولانی را ندارند و این فن بیان آموزه‌ای است برای معلمان که بتوانند مسائل خود را در کلاس با دانش‌آموزان مطرح کنند.

سخن شیوا و بیان گیرا در بالندگی جوانان ما چه تأثیری دارد؟

قطعاً هر انسانی از زیبایی و چکیده‌گویی لذت می‌برد. به هر حال، چرا شعر این قدر در جامعه ما ارزشمند است، چون بحر در کوزه است؛ یعنی معانی آن فراوان و سخن کوتاه است. دنیا به‌سوی چکیده‌گویی و چکیده‌پروری حرکت می‌کند. دهکده جهانی می‌تواند نمونه‌ای از این بیان و کلام هم باشد. زبانی که برای دهکده جهانی لازم است باید گویا و کوتاه باشد. فن بیان می‌تواند فرد را آماده کند برای جامعه‌ای که در آینده وارد آن می‌شود و برای رشد و تعالی‌اش به این ابزار ارزنده نیاز دارد. این ابزارها هم تنها ابزار لازم برای کار معلمی نیست بلکه ابزارهای دیگری هم لازم است. همیشه در کلاس‌هایم گفته‌ام که یکی از ابزارهای موفقیت بیان است؛ چون بحث تربیت است نه تعلیم.

اگر آیین سخنوری این است که انسان سخنور و نه خطابه‌گوی حرفه‌ای را تربیت کنیم که بتواند اندیشه‌های مورد نیاز را با محمل کلام به‌خوبی بیان کند، چرا بچه‌های ما خود را از این فن بی‌نیاز می‌دانند؟

ما شاهد این هستیم که استقبال زیادی نمی‌شود. بین خطابه، روش تدریس و مداحی با سخنوری تفاوت وجود دارد. این حتی با سخنرانی نیز فرق دارد. سخنوری آراسته شدن به یک منطق درونی و ذهنی است تا بتوانیم اندیشه خود را با آن معنایی که در حال تولد است، به‌صورت زیبایی از کلام منتقل کنیم. بنابر این، اگر ما به این نکته پی ببریم که اندیشه در حال تولد است، باید بیانی زیبا بر قامت آن بیوشانیم. این نه تنها برای معلمان

فارغ از بحث رتبه و مقام ما اینجا می‌آییم و چیزهایی را یاد می‌گیریم و با فرهنگ دیگران آشنایمی‌شویم



سخنوری آراسته
شدن به یک منطق
درونی و ذهنی
است تا بتوانیم
اندیشه خود را با
آن معنایی که در
حال تولد است،
به صورت زیبایی از
کلام منتقل کنیم

بلکه برای همه لازم است. معلم به طور مستقیم با دانش آموزان سرو کار دارد و می خواهد آن ها را به حیات طویه- که ما به دنبال آن هستیم- برساند.

استاد، توصیه شما چیست؟ همه معلمان ما باید این را بدانند و همه باید توانمندی بیان بالایی داشته باشند.

من معتقدم که ادبیات ما یک ادبیات در واقع بومی است و ما باید به آن افتخار کنیم. اگر ما بیایم ادبیات را کار کردی کنیم، به عبارتی در متن زندگی رواج دهیم قطعاً این ادبیات میراث ارزنده ای است از دوران گذشته که به ما رسیده و جامع و کامل است و باید به آن بها دهیم و در متن زندگی خود بیشتر از آن استفاده کنیم.

استاد، آنچه ما بحث کردیم ذیل عنوان جشنواره علمی، ادبی و هنری دانشجو معلمان بود. افق جشنواره را چطور می بینید و نقش این نوع فعالیت ها را در ترویج رشته سخنوری که رشته خودتان است چطور ارزیابی می کنید؟

من چون سال هاست در این جشنواره ها شرکت می کنم تعبیرم این است که هر سال بهتر از سال قبل است. همین رشته ای که عرض کردم، واقعاً امسال نزدیک به اهداف پیش بینی شده بود و فکر می کنم که باید ادامه پیدا کند. البته لازم است در تعریف منابع و اطلاع رسانی به دانشجویان و همچنین در تأیید و تشویق دانشجویان پیشگام شویم و اهمیت کار را برای آن ها بیشتر بیان کنیم. دانشجو باید بداند که فقط بحث تعلیم مطرح نیست بلکه تربیت هم یکی از معیارهاست، لذا خط خوش، عکاسی، قصه گویی و ... همه این ها را باید در خود جمع کند. ما مربی هستیم نه معلم. معلم فقط علم را پرورش می دهد ولی مربی تربیت را در اختیار دارد. در اهمیت اهداف کار لازم است دانشگاه فعال تر باشد و به طور حتم نتایج خوبی از دل این جشنواره ها بیرون آید.

از اینکه در این گفت و گو شرکت کردید سپاسگزارم.



مسابقه طراحی در جشنواره



دائرة المعارف بزرگ خط

نام کتاب: تاریخ خط و خوشنویسی (جلد اول)
ناشر: انتشارات آزاد کتاب (۶۶۴۸۲۲۶) -
۶۶۹۷۵۲۸۵ و مرکز دائرة المعارف بزرگ
اسلامی
نویسنده: علی اصغر مقتدائی
(مدرس دانشگاه فرهنگیان)
قطع: رحلی کوچک، جدول، نمودار، جلد
گالینگور

اصول و قواعد خوشنویسی توسط استادان سبعة (یاقوت و شش شاگرد برجسته‌اش)
• ابداع خطوط ایرانی - اسلامی تعلیق، نستعلیق و شکسته نستعلیق و ذکر اسامی خوشنویسان نامدار در خطوط یادشده به همراه نمونه‌هایی از خطوط آنها
• ذکر اسامی خوشنویسان کشورهای اسلامی به همراه برگزیده آثارشان
• پیدایش خطوط ابداعی و تفتنی در ایران و سایر کشورهای اسلامی
• تاریخ پیدایش مهر و سکه و اسکناس
• تاریخ پیدایش ابزار نوشتاری، همچنین معرفی ابزار و ادوات خوشنویسی، ساخت مرکب و رنگ کردن کاغذ
• ذکر اسامی زنان خوشنویس ایران و جهان اسلام، و نمونه خطوط برخی از آنان
• فهرست کتاب‌ها و رسالاتی که درباره خط و خوشنویسی در هزار سال گذشته تألیف شده است. تصاویر از کتب خوشنویسی ایرانی و خارجی و منابع معتبر از جمله بایگانی سازمان اسناد ملی ایران و موزه‌ها، گرفته شده است و بیشتر این آثار برای اولین بار در ایران به چاپ می‌رسد. ۴۶ قطعه از آثار رنگی قدما نیز در آن به چاپ رسیده است.
منابعی که در تألیف این کتاب مورد استفاده قرار گرفته عبارت‌اند از: ۱- کتاب‌هایی که درباره تاریخ پیدایش خط در ایران تألیف شده‌اند و از منابع معتبر به شمار می‌روند؛ ۲- رسالات خوشنویسی؛ ۳- کتاب‌هایی که درباره تاریخ خط و خوشنویسی اسلامی در کشورهای آلمان، انگلستان، فرانسه، ترکیه، مصر، سوریه، لبنان، عراق، عربستان سعودی، امارت متحده عربی، بحرین، یمن و افغانستان توسط مورخان، خوشنویسان و اهل قلم تألیف گردیده‌اند؛ ۴- هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و نشریات متعدد هنری ایرانی و خارجی که نامشان در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است.

این اثر که در ۱۲۰۰ صفحه تألیف شده، علاوه بر اینکه دربردارنده اطلاعات کاملی درباره پیدایش خط و سیر تحول خوشنویسی در جهان است، کتابی فرهنگی، هنری، تاریخی، جغرافیایی، زبان‌شناسی و باستان‌شناسی نیز می‌باشد. کتاب مرجعی قابل استفاده برای دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، محققان و همه علاقه‌مندان به هنر خوشنویسی است. در کتاب تاریخ خط و خوشنویسی از ۸۵۰ نوع خط در جهان نام برده شده و شرح خطوط مهم آمده است. همچنین، بیش از ۲۴۵۰ نمونه خط از دوران باستان تا قطعات خوشنویسی استادان معاصر کشورهای اسلامی به چاپ رسیده است. کتاب تاریخ خط و خوشنویسی که جلد اول دائرة المعارف بزرگ خط است، که حاصل ده سال تحقیق و نگارش و هفت سال پژوهش و بازنگری، و تطابق دست‌نوشته‌ها با منابع اصلی است و بنا به ضرورت و نیاز محققان و پژوهشگران، دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، خوشنویسان و هنرمندان، با استفاده از ۱۲۰ منبع و مآخذ ایرانی، ۲۷ منبع خارجی و ۲۳ مجله و نشریه و فصلنامه تألیف شده و به رشته تحریر درآمده است. این کتاب در ۲۰ فصل تدوین گردیده و مباحث و مطالب زیر در آن مورد توجه قرار گرفته است:

- تاریخ پیدایش خطوط باستانی
- تاریخ پیدایش خط و الفبا و سیر تکاملی خوشنویسی
- ابداع انواع خطوط توسط مخترعان خط
- تاریخ خط قریب به ۵۰ کشور جهان، همراه با نمونه‌های مختلف خطوط آنها
- خط پیامبران الهی و پیدایش خطوط عربی
- تاریخ پیدایش خط عربی و کوفی و شرح بیش از ۶۰ نوع خط کوفی، به همراه ۳۵۰ نمونه از خط کوفی به خط استادان قدیم و معاصر
- شرح خطوط رایج بعد از کوفی
- ابداع اقلام سته (محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع و رقاع) توسط ابن مقفع و وضع قواعد و تکامل آنها وضع



کتابی که مخاطب را وادار به نگاه انتقادی به هنر می کند

محمد آسیابانی

نام کتاب: نقد هنر: شناخت هنر معاصر
نویسنده: تری برت
مترجم: کامران غبرایی
انتشارات: نیکا، چاپ سوم (۲۲۵۴۹۷۱۲)
سال انتشار: ۱۳۹۴

۳۰ هزار تومان روانه بازار کتاب کرد. تری برت، نویسنده کتاب، در سال ۱۳۸۳ به ایران آمد و در چند گالری هنری و همچنین موزه هنرهای معاصر تهران سخنرانی‌هایی برگزار کرد.

کتاب شش فصل دارد که عناوین آن‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: «درباره نقد هنر»، «نظریه و نقد هنری»، «توصیف هنر»، «تفسیر هنر»، «داوری درباره هنر» و «نگارش و گفت‌وگو درباره هنر». نویسنده کتاب ابتدا در رشته فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی تحصیل می‌کرد اما به رشته آموزش هنر تغییر رشته داد و تحصیلات خود را تا اخذ مدرک دکتری ادامه داد. بر این اساس، وی در کتاب‌های خود بیشتر جنبه آموزشی را مدنظر دارد و بنابراین، زبان کتاب بسیار ساده و آسان است و مخاطب برای درک درست و فهمیدن مطالب آن به پشتوانه نظری خاصی نیاز ندارد. مترجم کتاب نیز تمام تلاش خود را برای سادگی زبان در ترجمه نیز به کار برده و از این آزمون موفق بیرون آمده است. این زبان ساده در دیگر کتاب مهم این نویسنده، یعنی «نقد عکس: درآمدی بر درک تصویر»، نیز رعایت شده است. «نقد عکس» نیز با ترجمه

در دهه‌های گذشته وضع انتشار کتاب‌های هنر، به‌ویژه مکتوبات آموزشی، چندان مناسب نبود و علاقه‌مندان هنر، به‌ویژه دانشجویان، از این نظر در مضیقه بودند. در این دهه وضع بهتر شده و مخاطبان از میان مجلدات بسیاری از کتاب‌ها در موضوعات تخصصی هنر، می‌توانند انتخاب کنند. با این اوصاف، در برخی از سرفصل‌های مهم هنوز کتاب تخصصی به‌اندازه کافی تألیف یا ترجمه نشده است.

یکی از این موضوعات مهم، «نقد هنر» است که با کمال تعجب کتاب‌های تخصصی در این حوزه حتی به‌اندازه انگلستان یک دست نیز منتشر نشده است. با وجود این، آثار منتشر شده هرکدام در نوع خود بی‌نظیر و کامل است. یکی از این منابع «نقد هنر» با عنوان فرعی «شناخت هنر معاصر» اثر تری برت، هنرشناس و منتقد هنری معاصر آمریکایی است.

«نقد هنر» نخستین بار در سال ۱۳۹۲ با ترجمه کامران غبرایی از سوی نشر نیکا منتشر شد. این ناشر سومین چاپ این کتاب را در زمستان سال گذشته (۱۳۹۴) با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و بهای

به‌طور کلی،
مهم‌ترین نکته
آموزشی در کتاب
«نقد هنر» وجود
مثال‌های بسیار از
نقدهای هنری در
جهان هنر معاصر
است

مشترک اسماعیل عباسی و کاوه میرعباسی منتشر شده است.

به‌طور کلی، مهم‌ترین نکته آموزشی در کتاب «نقد هنر» وجود مثال‌های بسیار از نقدهای هنری در جهان هنر معاصر است. این کار ضمن آشنا کردن مخاطبان با هنر معاصر جهانی، تردیدهای آن‌ها را برای نوشتن درباره هنر از بین می‌برد. برت در مقدمه خود بر این کتاب نوشته است: «هدف اصلی این کتاب آشناسازی خواننده با دنیای بی‌کران هنر معاصر است. من این کتاب را برای رویارویی آسان‌تر و خردمندانه‌تر با نقد هنر معاصر نگاشته‌ام و در این کار ترتیبی در پیش گرفتم تا خواننده را به دانش منتقدان حرفه‌ای نزدیک کنم. این کتاب را مشخصاً برای افزایش توانایی خواننده در نوشتن و گفت‌وگو درباره هنر نوشته‌ام.» بر این اساس، با هم به مرور فصل‌های مختلف کتاب می‌پردازیم.

در فصل نخست کتاب ضمن بیان تعاریف صحیح نقد هنر و همچنین ارتباط میان «منتقدان و هنرمندان» و در ادامه ارتباط میان «منتقدان و بازار هنر»، تاریخچه مختصری از نقد هنر و همچنین شرح حال و نظریات هنری تنی چند از مهم‌ترین منتقدان هنری در سده‌های گذشته مانند «جورجیو وازاری»، «دنی دیدرو»، «شارل بودلر» و ... ارائه شده است. نقد نقد منتقدان و بررسی ارزش‌های نقد از دیگر مباحث مهم این فصل است. فصل دوم کتاب به بیان مهم‌ترین شیوه‌های نقد و نظریه هنری در قرن بیستم اختصاص دارد. این فصل از مفاهیم «مدرنیته» و «پسامدرنیته» شروع شده و در ادامه، به نظریه‌های نقد هنری از منظر اندیشمندان زیبایی‌شناس مدرنیست و پسامدرنیست پرداخته است. در این فصل همچنین «نقد روان‌کاوانه»، «نقد مارکسیستی»، «نقد فمینیستی»، «نظریه‌های نقد پسااستعماری» و ... نیز شرح و توضیح داده شده است.

نویسنده در فصل سوم کتاب مخاطب را با شیوه‌های توصیف آثار هنری آشنا می‌کند. اهمیت این فصل با توجه به شکل‌گیری رسانه‌ها و قالب جدید هنری در دوران معاصر، بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. شاید در سده‌های گذشته که قالب‌ها و رسانه‌های هنری به موارد آشنا محدود می‌شد، کار مخاطب در توصیف هنر چندان مشکل نبود، اما مخاطب در مواجهه با رسانه‌های جدیدی چون «پرفورمنس آرت»، «ویدیو آرت»، «چیدمان» و ...

چه باید کند؟ با مطالعه این فصل می‌توان به راهکارهای توصیف این قالب‌های جدید پی برد. تری برت در فصل چهارم کتاب، با ارائه مثال‌هایی از خود مخاطب را با شیوه‌های «تفسیر اثر هنری» آشنا می‌کند. تفسیرهایی بر عکس‌های ویلیام وگمن (عکاس معاصر آمریکایی)، آثار جنی هولزر (هنرمند معاصر آمریکایی که برای پیام هنری خود از مدیاهای مختلفی از جمله پوستر، چیدمان و ... بهره می‌برد) و نقاشی‌های الیزابت موری (نقاش معاصر آمریکایی) از جمله تفاسیری هستند که برت در این فصل ارائه کرده است.

مباحث دو فصل پایانی کتاب یعنی «داوری درباره هنر» و «نگارش و گفت‌وگو درباره هنر» از ابداعات نویسنده به شمار می‌رود. البته داوری درباره هنر در تاریخ زیبایی‌شناسی سابقه فراوان دارد، اما شیوه و چگونگی داوری و نقادی هنری در این بخش بسیار جدید است. همچنین، نقد نویسنده بر نقد «پیتر پلاگنز» از نقاشی‌های «فریدا کالو» نقاش مکزیکی و یکی از نامدارترین زنان در تاریخ هنر معاصر، بر جذابیت این بخش افزوده است. در فصل پنجم، نویسنده درباره داوری آثار در مکتب‌های مختلف هنری و لزوم تفاوت آن‌ها با همدیگر نیز توضیحات مبسوطی به خوانندگان می‌دهد.

فصل ششم و انتهایی نیز به خواننده کمک می‌کند تا پس از مطالعه این کتاب بسیار بهتر و روشمندتر به نقادی و گفت‌وگو درباره هنر بپردازد. از این منظر، مطالعه این بخش برای دانشجویان هنر و روزنامه‌نگاران و خبرنگاران حوزه‌های مختلف هنر، لازم و ضروری است. گفتنی است که مباحث این فصل برای نخستین بار است که در زبان فارسی مطرح می‌شوند. برت در انتهای این فصل راهکارها و پیشنهادهایی برای برگزاری جلسات نقد و تفسیر هنر ارائه می‌کند.

به‌طور کلی، تری برت با نگاه نقادانه خود مخاطبش را به نگاه انتقادی به هنر وامی‌دارد و در نهایت، روش به روی کاغذ آوردن این نگاه را به او آموزش می‌دهد. از این نظر، کتاب «نقد هنر» باید در حکم یکی از منابع مطالعاتی آموزگاران هنر و معلمان رسمی هنر در وزارت آموزش و پرورش معرفی شود؛ زیرا نخستین قدم در راه آموزش هنر در مدارس وادار کردن دانش‌آموزان به تفکر و نوشتن درباره آثار هنری است. بالطبع، دانش‌آموزی که بتواند درباره یک اثر هنری فکر کند و بنویسد، بهتر می‌تواند خود به تولید اثر هنری اقدام کند.

مباحث دو فصل
پایانی کتاب یعنی
«داوری درباره
هنر» و «نگارش
و گفت‌وگو درباره
هنر» از ابداعات
نویسنده به شمار
می‌رود



هنر

«هنر» چیست؟

موسی روشی

معلم هنر رودان (هرمزگان)

امدادگر و در فرایند یادگیری، برای دانش آموز بهترین یاریگر است. هنر بر تمام راه‌های یادگیری نفوذ دارد و آن‌ها را فعال می‌سازد هنر فرورفتگی‌ها و چاله‌های تفاوت‌های فردی را پر می‌کند و جاده یادگیری را برای دانش آموزان هموار می‌سازد. هنر واکسن یا ماده‌ای نیروزا را می‌ماند که وقتی به ذهن دانش آموزان تزریق می‌شود، ذهن آنان را آماده دریافت مطالب سنگین و بعدی می‌کند. هنر داروخانه‌ای است که برای هر دردی دارویی دارد؛ یعنی اگر با دانش آموزان خوب کار شود، این درس اختلالات یادگیری را رفع می‌کند. هنر یک خیز است برای شروع درس‌های دیگر؛ یعنی، ورودیه‌ای قوی ایجاد می‌کند و سائق قوی و موتور و نیرو محرکه‌ای بی‌نظیر است. دانش آموزان پس از انجام دادن فعالیت‌های هنری انرژی یادگیری پیدا می‌کنند. هنر، درجه، شور و حرارت یادگیری را بالا می‌برد؛ به‌طوری‌که دانش آموزان درس‌ها را به‌جای خواندن و از بر کردن، با میل و رغبت نوش جان می‌کنند. هنر به دانش آموزان کمک می‌کند خوب ببینند، خوب گوش

هنر آمیزه‌ای از تفکر و احساس است (هنر=احساس+ تفکر) و دو نقش و کارکرد دارد: ۱. نقش و کارکرد اولیه هنر (فراشناخت): یعنی دانش آموزان با انجام دادن فعالیت‌های هنری و تولید محصولات هنری از توانایی‌های خود آگاهی پیدا می‌کنند و به اعتمادبه‌نفس بیشتری دست می‌یابند. ۲. نقش و کارکرد ثانویه هنر یعنی هنر به‌عنوان فرا برنامه درسی توان آن را دارد که محور سامان‌دهی آموزش سایر دروس باشد. هنر، درسی در کنار درس‌های دیگر نیست. هنر نسبت به دروس دیگر همچون نمک است که در غذا حل می‌شود؛ همچون تاروپود است در هر لباسی. هنر شیوایی، شیرینی، رسایی و گیرایی همه درس‌ها و بحث‌ها را افزایش می‌دهد. هنر به دانش آموزان در درک و فهم درست مفاهیم یاری می‌رساند. هنر لازمه موفقیت در سایر دروس است. راه پر سایه‌ای است که مسیر یادگیری را پوشش می‌دهد و شاه‌رگ حیاتی آموزش است. هنر مادر همه دروس است و همه درس‌ها از چشمه هنر آب می‌خورند. هنر در فرایند یاددهی، برای معلم بهترین



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد کودک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد پسرانه** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم
- رشد جوانان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی: برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس: دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir



بدهند، خوب فکر کنند و حواس پنج‌گانه خود را خوب به خدمت بگیرند و از آن‌ها خوب استفاده کنند. هنر با یادگیری سایر دروس، رابطه‌ای مثبت دارد. این ارتباط هنر با سایر دروس، سبب جلوگیری از افت تحصیلی و ایجاد علاقه به یادگیری در دانش‌آموزان می‌شود، اضطراب را در آنان کاهش می‌دهد و سبب شکوفایی استعدادها و رشد شخصیت‌شان می‌شود. هنر تنها درسی است که حواس پنج‌گانه و هوش‌های چندگانه را پرورش می‌دهد و تقویت می‌کند؛ در حالی که هیچ درسی به تنهایی این قابلیت و توانایی را ندارد. درس هنر، دانش‌آموزان را در زمینه یادگیری سایر دروس، بیمه می‌کند. ابهت و شکوه اعجاز‌آور فعالیت‌های هنری، بت درس‌های دیگر را می‌شکند. اگر دانش‌آموزان از پایه اول ابتدایی، تربیت هنری خوبی دریافت کنند، به سواد هنری دست می‌یابند. اگر فردی سواد هنری داشته باشد، با دقت و توجه به جهان پیرامون خود می‌پردازد و حواس پنج‌گانه خویش را خوب به خدمت می‌گیرد، و این یعنی خوب زندگی کردن، بهتر زندگی کردن.



رشد برآید

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۴۳۳۳۰۸۸۴۹۰ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد: ♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضاء:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱۵۵/۴۹۷۹

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



باغ و عمارت دولت آباد

عمارت دولت آباد دارای مرتفع ترین بادگیر شناسایی شده در ایران است. این باغ را محمدتقی خان معروف به «خان بزرگ» در یزد در اواخر دوره افشاریه به سال ۱۱۶۰ ه. ق احداث کرد. مرحوم محمدتقی خان ابتدا قناتی به طول ۶۵ کیلومتر را احداث کرد و آب را از مهریز به یزد و محل کنونی باغ دولت آباد رساند. سپس مجموعه حکومتی (دارالحکومه) خود را بنا کرد. باغ دولت آباد به عنوان یک نمونه باغ ایرانی در یونسکو ثبت شده است.

بخش های مختلف باغ

این باغ از دو بخش کلی اندرونی و بیرونی (جلوخان) تشکیل می شود.

بخش اندرونی

این بخش محل سکونت حاکم و خانواده اش بوده و شامل ساختمان های زیر است: ساختمان هشتی (بادگیر تابستانه)

حرم سرا

بهشت آیین

مطبخ

برج دیدبانی

آب انبار خصوصی

اصطبل تابستانه و زمستانه.

ساختمان هشتی

ساختمان (عمارت) هشتی از مهم ترین بخش های مجموعه به شمار می رود. در این ساختمان با تلفیق باد و آب- که در حوض های داخل ساختمان در جریان است-

هوای خنک از زیر بادگیر به قسمت شاه نشین و تالارها انتقال پیدا می کند. به همین دلیل، به این بنا «ساختمان تابستانه» نیز گفته می شود.

این بنا از سه شاه نشین با درهای مشبک، اتاقک بادگیر، هشتی و دو اتاق یستو تشکیل شده و شکل کلی بنا شبیه به هشت ضلعی است. بادگیر قرار گرفته بر آن نیز از نوع هشت تنبوشه می باشد.

سقف قسمت میانی (هشتی) که اثر استاد حاجی علی اکبر آخوند است، کاربردی

زیبایی دارد که با سیم گل و دم گیری گچی بسیار ماهرانه اجرا شده است.

بخش بیرونی

این بخش محل استقرار کاروان ها و همچنین رسیدگی به امور حکومتی بوده و شامل ساختمان های زیر است:

جلوخان و سردر

تالار آینه

عمارت تهرانی

دو بازارچه

آب انبار عمومی

